

صفحاتی چند از

جنبش کارگری و کهنیستی

ایران در دوران

اول سلطنت رضا شاه

(۱۹۲۲ - ۱۹۳۳)

www.iran-archive.com

اردشیر آوانسیان

سال ۱۳۵۸

صفحاتی چند از
جنبش کارگری و کهنیستی
ایران در دوران
اول سلطنت رضا شاه
(۱۹۲۲ - ۱۹۳۳)

اردشیر آوانسیان

194

سال ۱۳۰۸

www.iran-archive.com

صفحه	فهرست
۳	یادآوری ناشر
۵	چند یادآوری از طرف مؤلف کتاب
۷	نهضت کارگری در تهران (سالهای ۱۹۲۲ - ۱۹۲۵)
۱۸	از من بنیادیه اول ماه مه ۱۹۲۸
۲۲	فعالیت کمونیست‌ها در قزوین، تهران و گیلان
۲۵	فعالیت حزب کمونیست در خراسان (سالهای ۱۹۲۸ - ۱۹۳۰)
۲۹	کنگره دوم حزب کمونیست ایران
۴۰	پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران
۴۲	درباره سومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران
۴۶	لغو قرارداد نفت جنوب
۵۳	بحرین نباید مستعمره انگلیس شود!
۵۶	نوشته های نظری حزب در سالهای سی
۶۱	درباره ارزیابی حزب بمناسبت انتخابات مجلس هفتم
۷۰	حزب کمونیست ایران و مسئله ملی
۷۵	اعتصاب کارگران نفت جنوب (سال ۱۹۲۹)
۸۴	فعالیت حزبی در خارج از کشور
۱۰۰	روزنامه "بیکار"
۱۰۴	"مبارزه برای ایران شوروا"
۱۰۹	بنیادیه کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران در باره مجلس هشتم
۱۱۳	حزب کمونیست ایران و مسئله جنگ
۱۱۹	اعتصاب در کارخانه نساجی "وطن" در اصفهان
۱۲۳	اعتصاب کارگران راه آهن شمال
۱۲۷	بحران اقتصادی سرمایه داری در جهان و اثرات آن در ایران
۱۳۴	قانون ضد کمونیسم یا قانون سیاه
۱۳۸	گروه پنجاه و سه نفر

یادآوری ناشر

رفیق ارد شیراوانسمیان نویسنده این جزوه از پیشکسوتان جنبش کمونیستی و از مسئولین سرشناس حزب توده ایران است. جزوه بر اساس استفاده از يك سلسله اسناد بلغاری و روسی نوشته شده و مؤلف در موارد متعددی قضاوتهای شخصی خود را در مسائل بیان داشته و نظر داده است. از آنجا که رفیق ارد شیر خود یکی از شرکت کنندگان نهضت انقلابی در دوران مورد بحث است و قضاوتهای وی میتواند برای بررسی کنندگان تاریخ جنبش کمونیستی جالب باشد، لذا آنها را بدون دخل و تصرف از طرف ناشرین باقی گذاشتیم. حزب توده ایران در صد تدارک تاریخ حزب کمونیست ایران و نشر آن از طرف خود میباشد. مسلم است که بررسیهایی از قبیل بررسی حاضر میتواند به امر تدارک چنین تاریخی کمک رساند و خوانندگان را از سرگذشت رزم دشوار، طولانی و پرافتخار کمونیست های ایران طی دوران استبداد رضا شاه باخیر سازد و تجارب آنها را بازگو کند.

چند یاد آوری از طرف مؤلف کتاب

(۱) متأسفانه بعلمت عدم دسترس مستقیم به جراید و مطبوعات گذشته ایران ، بسیاری از نقل قولها از منابع خارجی (روسی) آزادانه ترجمه شده و لذا عین عبارات نیست و نقل بمعنی است .

(۲) موضوع این جزوه دورانی از جنبش کارگری و کمونیستی را در برسر میگیرد که خود اینجانب در صفوف حزب کمونیست ایران شرکت داشته ام . ولی هدف از جزوه نگارش خاطرات شخصی نبود ، بلکه بیان واقعیات تاریخی است . در عین حال مقصد اینجانب نگارش تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی نیست ، بلکه کمک به تدارک چنین تاریخی است که البته باید بسا بررسی همه جانبه واقعیات و اسناد و نتیجه گیری از آنها نوشته شود . این نوشته چنانکه از نامش پیداست صفحات و بخشهایی از این جنبش را منعکس می کند .

ارد شیر

www.iran-archive.com

نهیضت کارگری در تهران

(۱۹۲۲ - ۱۹۲۵)

پس از شکست انقلاب کیلان کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران از کیلان به تهران انتقال یافت. و در نتیجه حیات سیاسی زحمتکشان در تهران تقویت یافت.

اتحادیه های کارگری از دوران مشروطه در برخی ایالات از آن جمله در تهران بوجود آمده و مشغول فعالیت اقتصادی و سیاسی بودند. نهضت کارگری در تهران در سالهای ۱۹۲۲ - ۱۹۲۵ مقام برجسته ای در مبارزه آزادی بخش ملی احراز نمود در تأسیس و رهبری اتحادیه های کارگری از طرف اعضای حزب کمونیست نقش اساسی داشتند. اصولاً از تاریخ تأسیس حزب کمونیست ایران اتحادیه های کارگری با دست کمونیستها بوجود آمده و رهبری میشدند. از اینرو اتحادیه های کارگری ایران روح و سنت انقلابی داشته اند. در عمل اتحادیه های ایران عاری از شیوه هاوسنن "ترد یونیونیزم" مرسوم در اروپای باختری بوده اند. بدیگر سخن بطور کلی حزب کمونیست از نهضت اتحادیه ای بوجود نیامده بلکه حزب است که پایه اتحادیه ها را گذاشته است.

در سال ۱۹۱۸ کارگران مطابق برای بهبود وضع خود دست با اعتصاب زدند که منجر به فتح شایانی شد. در آخرین اعتصاب کارگرهای مطابق حق ۸ ساعت کار در روز زیادست آوردند. بعلاوه برای کار اضافی خود یک برابر یونیم حقوق روزانه را دریافت نمودند. در صورت بیماری کارگر حقوق دو ماهه را از ارباب دریافت مینمود. بعلاوه ارباب موظف بود کمکهای طبی به کارگر بیمار برساند. روزهای تعطیل جمعه بعلاوه اعیاد عمومی (که در سال روی هم رفته به ۲۵ روز میرسد) برای کارگران به روزهای آزاد از کار تبدیل شد. بعلاوه ی اینها کارگرها در سال ده روز مرخصی بدست آوردند. (۱)

(۱) مجله اقتصاد جهانی و سیاست جهانی "شماره" دوم سال ۱۹۲۶ ص ۸۲

در آبان ۱۹۲۲ کارگران مطابق حق حضور در جلسات مشترک با
 اربابان مطابق بدست آوردند. (۱) در اول سال ۱۹۲۱ نمایندگان یازده
 اتحادیه های کارگری جمع شده مرکز اتحادیه ی کارگری را بوجود آوردند. این
 مرکز ۳۳ عضو داشت، هر اتحادیه ای سه نماینده در مرکز داشت. در همان ایام
 این اتحادیه ها با "بین الملل اتحادیه ها" (پروفیترن) تماس برقرار کردند.
 لکن در آنروزها در این سازمان هنوز باقی مانده های شیوه های قدیمی اضافی
 بچشم میخورد. (۲) در اثر فعالیت فوق العاده ی کمیستهای این اتحادیه
 ها رونق گرفتند و نقش مهمی در سیاست بازی میکردند. در سال ۱۹۲۲ در
 حدود ۸۲۵۰ نفر در اتحادیه ها اسم نویسی کردند. از آنجمله دو دست نفر
 کارگران مطابق، دوهزار نفر نوان پز، ۵۶۴ نفر کارمندان تلگرافخانه و صد نفر
 کارمندان پست، هزار و هشتصد نفر معلمین مدارس دولتی، یک هزار و هشتصد نفر
 کفاشان و غیره. (۳)

درست است که مرکز اتحادیه ها در تهران در واقع گاهی با سایر اتحادیه
 های ولایات تماسهایی را برقرار میکردند، ولی در آن ایام این تماس س
 ضعیف و رهبری کاملاً علی نمیشد. در این دوران اتحادیه های کارگری در
 کیلان، تبریز، اصفهان نیز رهبری کمیستهای فعالیت میکردند، برای نمونه ف
 چند جمله از پرنده های اتحادیه های کارگران اصفهان را اینجا میآوریم. در این
 برنامه دفاع از قانون اساسی ایران، جلوگیری از تقلبات هنگام انتخابات مجلس
 کوشش در انتخاب وکلای لایق از قشرهای متوسط جامعه، دفاع از کارگران اصلاً،
 مبارزه برای بهبود تکنیک تولید صنعتگران و غیره ذکر شد. است. بزرگترین و مهم
 ترین اتحادیه اتحادیه ی کارمندان تلگراف پست بوده که تمام کارمندان دولتی
 این رشته را متحد کرده بود.

در ژانویه ۱۹۲۱ دوهزار معلم در تهران دست باعصاب زدند. تقا
 ضای اعتصابیون از قرار زیر بود: بهبود وضع آنها و پرداخت حقوق منظم به آنها،
 معلمین مدارس متوسطه علیه رژیم ارتجاعی اعتراض و در مجلس شورای ملی پست
 نشستند. حتی کارمندان دربار و پلیسهای تهران و استر-
 آباد بهنا سبب نرسیدن حقوق دست باعصاب زدند.

(۱) مجله "اقتصاد جهانی و سیاست جهانی" شماره ۲ سال ۱۹۲۱ ص ۴

(۲) و (۳) در همانجا ص ۸۱

در سال ۱۹۲۲ کارگران تهران به مناسبت روز همدردی کارگران بین المللی یعنی روز اول ماه مه جشنی گرفتند، ناطقین در این جشن از اهمیت جشن اول ماه مه و وحدت کارگران جهانی سخن گفتند. کارگران مطالبیح تهران این روز را تعطیل نمودند و چراغ هم منتشر شد. (۱)

در باره‌ی وضع کارگران باید گفت که آنروزها کارگران در خیلی جاها روزی ۱۴ الی ۱۶ ساعت کار میکردند. حقوق آنها ده الی پانزده مرتبه کمتر از حقوق کارگران اروپا بوده است، ولی در آن ایام ارتجاع ایران از خود کله کارگر وحشت داشت؛ سید یعقوب انوار از ترتیبون مجلس گفته بوده "در ایران کارگری وجود ندارد." آقایان میگفتند در ایران کارگری وجود ندارد تا بتواند نهضت کارگری وجود داشته باشد.

در "بولتن جراید خاورمیانه" چاپ تاشکند، باستاد مجله‌ی "شرق انقلابی" مطلب زیر چاپ شده: "روزنامه‌ی شفق سرخ در باره‌ی کارگران قالی باقی کرمان چنین نوشته بوده "تمام آنها رنگ پریده، ضعیف، کوفت با پاهای کوتاه و رشد نیافته و دستهای ناتوان هستند. در یک کله آم آشیاب کمال به موجودات فلج شده دارند. مادرها دخترهای ۶ و ۷ ساله‌ی خود را برای پنج سال به ارباب کار میفروشد و یک سوم ارزش آنها؛ بشکل مسا عدّه دریافت میدارند. تمام دختران قالی باقی محکوم به مرگ و وحشت ناکی هستند. تقریباً این وضع تمام قالیبافان ایران بوده است." (۲)

با اینکه درد و راز مشروطه کم و بیش در برخی شهرها اتحادیه‌های وجود داشته، ولی پس از انقلاب کبیرا کثیر طبیعی است که نهضت کارگری در ایران به مراتب توسعه یافت. تا شیرانقلاب اکثر شگرف بود. نهضت کارگری پس از انقلاب اکثر از لحاظ کیفی به مراتب مهمتر و برجسته تر شد و در سطح بالاتری قرار گرفت. اتحادیه‌ی کارگران تهران بیک نیروی بزرگ سیاسی مبدل گردید و نقش مهمی در پایتخت به عهده داشت، فعالیت این اتحادیه هاطبقه حاکمه و دولت ایران را ناراحت کرده بود. اگر سابق براین دولت جسسه گریخته اینجا و آنجا به نهضت کارگری مبارزه میکرد این بار مجبور شد تا ابرجدی تری تخاذ نماید. مثلاً دولت اقدام کرد و در تهران "سندیکای" کارفرمایان و رایبان تاسیس شد. دولت برای مبارزه با کارگران "اتحادیه کارگران" پلیسی بوجود آورد تا

(۱) م. س. ایوانف: نهضت آزادی بخش ملی در ایران ص ۱۵۰-۱۵۱

(۲) بولتن جراید شرق وسطی شماره ۲ ماه آوریل ۱۹۲۹ و (وستوک) شماره ۱ و ۲

تفرقه بین کارگران بیاندازند. نفوذ اتحادیه‌ی کارگری چنان قوی بود که آنها حتی در میان اتحادیه‌ی ای که دولت ساخته خود را از خالت در امور سیاسی منع کند. در این دوران حتی اعتصابات رخ داد. با اینکه آگاهی طبقاتی این نوع اتحادیه ضعیف و در سطح پائین قرار داشت ولی آنها نیز مبارزه کشیده شدند. مثلاً در سال ۱۹۲۴ کارگران کفاشی در شهر یارفروش (بابل کنونی) اعتصاب و تقاضای هفتگی یکسرو و تعطیل نمودند (روزجمعه). صاحبان کار تمام کارگران را از کار اخراج کردند. کارگران به حاکم شهر رجوع و تقاضای کمک کردند. (۱) بار دیگر در سال ۱۹۲۴ - کرد سلمانیهای شهر یارفروش، روزجمعه را روز تعطیل اعلام نمودند. آنها بار دیگر از حاکم محل تقاضای کمک کردند. در جریان مبارزه این کارگران درک کردند که انتظار کمک از حکومت بیفایده است، بلکه فقط و فقط وقتی زحمتکشان تکیه به اتحاد زحمتکشان بدهند میتوانند بهبودی ببرند. در ماه اوت ۱۹۲۴ دولت کارگرکنساجی تهران اعتصاب نمودند توانستند تاحدودی حقوق خود را با لایبرند در اوایل اکتبر ۱۹۲۴ کارگران زراعتی کرمان در حد و دست نفع اعتصاب کرده تاحدودی حقوق خود را لایبرند. این اعتصاب به برخی آبهای اطراف کسیر سرایت کرد. (۲)

نهضت کارگری در این دوران بخصوص در تهران با اوج خود رسید. ظل آن از قرار زیر بود: دیگر کارگران تهران کارگرد پیروزی نبودند. آنها سالیان در از تجربه‌ی مبارزه داشتند. شرایط زندگی کارگرماد شوار بود، با لایبرند این بار رهبری از طرف کمونیستها مستقیماً اجرا میشد. کادرفهای برجسته‌ی حزب کمونیست مستقیماً نهضت را رهبری میکردند. در همین ایام کارگرماد (اتحادیه کارگران) دارای روزنامه‌ای شدند بنام "حقیقت" تاسیس حقیقت در میان سال ۱۹۲۱ است. با اینکه این روزنامه رسماً روزنامه‌ی ارگان اتحادیه کارگران بود ولی در عمل ارگان حزب و اتحادیه بود. روزنامه نه فقط در تهران بلکه در تمام ایران شهرت زیادی پیدا کرد. روزنامه بطور جدی و بیکیفر، شجاعانه برای آزادی دموکراسی و استقلال ایران مبارزه میکرد. حامی حقوق حقه کارگران و تمام زحمتکشان و دشمن سرسخت طبقه ورژیم پوسیده ارتجاعی ایران و امپریالیسم بود. با اینکه "حقیقت" جدا از حقوق اقتصادی کارگران دفاع میکرد اما بطور

(۱) مجله "شرق انقلابی" (بولوسویونی وستوک) شماره ۱ و ۲ سال ۱۹۳۲ ص ۱۶۳

(۲) مجله "اقتصاد جهانی و سیاست جهانی" شماره ۱ و ۲ سال ۱۹۲۶

کلی در درجه‌ی اول بعبارزه سیاسی اهمیت بیشتر میداد. نه فقط روزنامه بلکه خود نهضت کارگری شدیدا در سیاست دخالت و مداخلت یار میزدست یگربیان شده بود. از اینرود ترتیب انقلابی کارگران مقام شامخی را احراز کرده بود. این روزنامه سیاست مبارزه طبقاتی را ترویج و بطور جدی دشمن نظام موجود بود و توجه زیادی به نهضت اتحادیه‌ای ایران و جهان داشته بالاخره از لحاظ طبقاتی از تمام روزنامه های دیگر یکپرتری بود. روزنامه از د و هزار و پانصد نسخه چاپ و منتشر میشد. "حقیقت" همیشه پشتیبان نهضت انقلابی جهان، دستدار اتحاد جماهیر شوروی. اولین دولت کارگری جهان بود. روزنامه "حقیقت" بمناسبت فتح اعتمای بیون کارگران برلین از طرف کارگران ایران بکار گزهای برلین تبریک نوشت. (۱) انترناسیونالیسم پرولتری اندیشه مهم رهنگای روزنامه "حقیقت" بود. شعار روزنامه جمله "برجسته" مارکس و انگلس "کارگران جهان متحد شوید" بوده است.

در این ایام اتحادیه های کارگری (در درجه اول سازمان تهران) به کارگران تکیه کرده و چندین سال مرکز ثقل مبارزه سیاسی علیه ارتجاع بود. آنها مبارزه خود را با مشکل ساختن توده هاد رکارخانه و مطابع توأم ساخته و پادان متینگ و د مونسترسیون ها و تاسیس و انتشار جراید فعالیت میکردند. در آن سالها هیچ روزنامه ای چه ملی چه ارتجاعی نفوذ و منطق توانای "حقیقت" رانداشت. حتی مرجعین این حقیقت را منکر نمیشدند. در عین حال یکسوع همکاری بین اتحادیه های کارگری و معلمین، کارمندان جزد دولت حتی با عناصر ملی، دموکرات و مترقی وجود داشت، این همکاری مظهر اتحاد و اتفاق بین تمام نیروهای مترقی، دموکرات و انقلابی آنروز تهران علیه ارتجاع محسوب میشد. درست است که این وحدت و همکاری مداوم پیگیر و سیستماتیک نبود ولی در موارد حماس مبارزه خلقی ظاهرمیشد. این وحدت و همکاری روی اساس مبارزه برای استقلال و آزادی ایران بوجود میآمد. لبه تیزترین مبارزه علیه امپریالیسم (در آن ایام بطور عمده علیه امپریالیسم انگلیس) و علیه حکومت و اکثریت مرتجع مجلس بود. در همان دوره احزاب بورژوازی و خورده بورژوازی و ارتجاعی زیادی مانند قارچ میرویدند و اکثر آنها پس از اندکی بکلی منحل و ناپدید میشدند. مانند: "حزب دموکرات"، "حزب لیبرال"، "حزب اعتدالی" "وحدت و ترقی"، "اجتماعیون عامیون"، دموکراتهای مستقل"، "اجتماعیون

متحد"، "اجتماعیون ایران"، "اصلاح طلبان"، "احیا"، "ترقی"، "آزادی خواهان"، "ملیون اسلامی" وغیره (۱) در میان این احزاب "حزب دموکرات" که جناح راست و چپ داشته، نقشی در کنونیاری میکرده است.

پس از سال ۱۹۲۱ یکی از مؤسسان حزب دموکرات ایران - یحیی سلیمان میرزا اسکندر، حزب اجتماعیون را تشکیل داد. سپس برخی گروه های سوسیالیست با ملحق شدن، نقش این حزب سوسیالیست (اجتماعیون) در سیاست در آن ایام چشم گیر بود. بخصوص فعالیت این حزب در مجلس با اینکه حزب کوچک و تعداد وکلایش در مجلس کم بودند دامنه دار بود. بایستی تصدیق کرد که نفوذ شخص سلیمان میرزا به مثابه یکی از پیشکسوتان آزادخواه ملت توانست در مجلس عده ای را دنبال خود بکشد. نهضت سه گانه ایران (انقلا ب گیلان - نهضت خیابانی در آذربایجان و نهضت کلنل محمد تقی خان در خراسان) هنوز در روح مردم اثرات خود را داشته است. اکثر مردم ایران علیه قرارداد و شوق اندو له قیام کرده و روح این مبارزه هنوز در مردم زنده بود. از طرفی انقلاب اکثر در این سه نهضت و نهضت بعدی کارگری و کمونیستی تاثیر بسزایی داشته است.

در همین سالها مبارزه سختی در مجلس بین ارتجاع و ضد ارتجاع در گرفت. اینجا جا دارد مختصری از برنا مه "حزب سوسیالیست (اجتماعیون) که سلیمان میرزا بر سر آن بود قید کنیم. در مجله "اقتصاد جهانی و سیاست جهانی" شماره ۲ سال ۱۹۲۶ برخی نکات این برنا مه بدین شکل منعکس شده "مبارزه بسا طبقات بالایی و برابری بین تمام مردم. دولت بایستی در مقابل مجلس مسئول باشد، بایستی موسسات دینی از دولت جدا باشند. تحصیلات عمومی شود، مالیات از مردم بر اساس عایدات اخذ گردد. محدود کردن ساعات کار برای کارگران و وضع قانون کار. وضع قانونی برای تعیین مناسبات مالک و زارع. لغو بیگاری در دهات." در همین مجله آمده که اولین نمایش سیاسی اتحادیسه کارگران تهران در ژانویه ۱۹۲۲ بوقوع پیوست. در این نمایش کارگرها پشتیبانی خود را از اقلیت مجلس اعلام و علیه اکثریت مرتجع مجلس قیام نمودند. کارگرها در نمایش از اقلیت مجلس که بر سر آن سلیمان میرزا قرار گرفته بود، طلب کردند که درخواستهای کارگران را قبول کنند. اقلیت مجلس این وظیفه را بعهده

(۱) رجوع کنید به مجله "شرق نو" (نوی وستوک) شماره ۲ و ۱ سال ۱۹۲۲ ص

۳۴۸ و نیز مجله "اقتصاد جهانی" شماره ۲ سال ۱۹۲۶ ص ۴۰

گرفت. در اثر این فعالیت همکاری کارگران با دموکراتهای مجلس برقرار شد. جراید ارتجاعی تبلیغات شدیدی علیه کارگران شروع نمودند و مدعی شدند که در ایران نهضت کارگری وجود خارجی ندارد، و این نهضت بطور مصنوعی از طرف «پلشویکها» جعل شده است. گویا آنها مسئله کارگران را علم کرده اند. وحدت سیاسی کارگرها با عناصر ملی و دموکرات مدتها نقل مجالس بود. مجله «شرق نو» نامه ای از تهران بدین محتوی چاپ نموده: «در حال حاضر اقلیت مجلس در فکر ایجاد بلوکی در خارج از مجلس با سازمانهای کارگری است تا با تکیه بر توده ها در مبارزه موفق شود.» (۱)

چنانچه در این مقاله آمده در ماه ژانویه ۱۹۲۲ اعتصاب بزرگی از معلمان تهران پیش آمد و تیمورتاش علیه این اعتصاب دست با اقدام زد. اقلیت مجلس از موقع استفاده کرده علیه تیمورتاش و بارانش (آکشرشت مجلس) قیام نموده و عملاً مقدمات همکاری با سازمانهای کارگری با اقلیت مجلس شروع شد. اجتماعيون پرهیبر سلیمان میرزا اسکندری اقلیتی در مجلس بوجود آوردند که تعداد آن به ۲۵ نفر میرسد. طبیعی است که هسته اساسی این اقلیت سلیمان میرزا و باران با وفایش بودند، یعنی سوسیالیستها و دموکراتهای پرمیاقصر. اما سایر افراد اقلیت برخی افراد ملی متزلزل و ملی غیر فاسد بودند. قدرت ۲۵ نفر فقط در خود آنها نبود، بلکه پایه و اساس این مبارزه توده های وسیع ملت بودند که این عناصر را متحد و آنها را با مبارزه جلب میکردند (از آنجمله نهضت کارگری، معلمان و سایر کارمندان جزد ملت) بیشک حزب کمونیست و حزب سوسیالیست در این مبارزه نقش مهمی داشتند. حزب کمونیست در توده ها نفوذ داشت، حزب سوسیالیست تکیه بسازمان کوچک خود داده نقش آنها بیشتر در مجلس بود. این وحدت مبارزه در دوران مجلس چهارم و از تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۲۱ تا آوریل ۱۹۲۳ ادامه داشت. اکثریت مجلس آنروز عبارت بودند از اعیان و اشراف مرتجع مجلس، نوکرهای امپریالیسم انگلستان، از قبیل شاهزاده نصرت الدوله فیروز، وثوق الدوله قوام السلطنه، تیمورتاش و دیگران. رهبر و «قهرمان» مبارزه علیه کارگران نصرت الدوله فیروز بود. نامه ای از تهران چنین شرح میدهد: «هنگام انتخابات اضافی در تهران، نصرت الدوله بمنظور ایجاد دو دسته میان کارگران، اتحادیه های کارگری، دروغین با پول در بازار بوجود آورد تا بمقصد خود برسد. روزنامه «حقیقت»

بی امان این روش عوام فریبانه را رسوا و نقشه " نصرت الدوله را برهم زد " (۱)
 در این مبارزه اقلیت علیه اکثریت مجلس شاعر معروف فرخی یزدی
 در روزنامه " خود " طوفان " نوشت که افکار سوسیالیستی تمام جهان را گرفتار
 نابودی اشراف و بولداران حتمی است، طبقه " زحمتکش و رنج دیده " ایران به
 زودی خود را نشان خواهد داد و دشمنان را وادار خواهد کرد تا با او حساب
 بنشینند. اوقاد راست زنجیرهای اسارتیکه امپریالیسم انگلستان برگردنش بسته
 پاره نماید. آنوقت است که ایران حقیقتاً مستقل خواهد شد. (۲) ماهیخواهیم
 چندین مطلب از مبارزه و نوشته های " حقیقت " بازگو نمائیم تا ببینیم که مبارزه
 سرچه مسائلی بوده. بایستی گفت که در این دوران پولمیک باحرارتی بیسن
 جراید ارتجاعی " ایران " " اتحاد " و غیره مبارزه " حقیقت " در گرفت که زیاد
 جالب و حاد بود. وقاحت ارتجاعیون بجائی رسیده بود که روزنامه " اتحاد "
 سخت از زیر وقت استنداعا میکند که " کشور از جنگ اتحادیه های کارگری کسسه
 گرگانی هستند اند ریوست میش نجات پد هند " جالب اینجا است که روزنامه
 نگاران خائن و نوکر امپریالیسم یعنی دشمنان ملت ایران شده اند " ملی " و
 کارگرانی که زیر فشار قرار گرفته اند شده اند " کرک " رهنما مدیر روزنامه " ایران "
 اتحادیه کارگران روزنامه " حقیقت " را عوام فریب نام نهاد.

روزنامه " حقیقت " در تاریخ ۶ فوریه ۱۹۲۲ در شماره ۲۲ خود مقاله
 ای تحت عنوان " خطاب به رفقای کارگر " نوشته: در روزنامه اشاره به مبارزات
 طبقاتی نموده و نوشت که علت آن عدم تساوی اقتصادی طبقات است. این عدم
 مساوات و استثمار طبقاتی کارگران را وادار به مبارزه میکند. روزنامه کارگران را
 دعوت به وحدت و متشکل و فشرده شدن پیشنهاد توسعه نفوذ در کشور مینماید.
 سپس ادامه میدهد: آقایان اشراف و کاسه لیسها تا دیروز حتی در مجلس مکر
 وجود طبقه کارگر را بران بودند، همینکه دیدند این سیاست بجائی نرسد
 حالا باحلیه " شیوه " کار را عوض کرده میخواهند برخی از کارگران را بخرند و بدین
 وسیله کارگران را در بدبختی نگاه دارند. روزنامه کارگران را هشدار داده تا
 مواظب باشند و گوی این آقایان " عینک پنس طلائی " (۳) (هدف نصرت -
 الدوله است) نخورند، این آقایان همانهایی هستند که قرارداد اسارت آمیز

(۱) مجله " اقتصاد جهانی و سیاست جهانی " شماره دوم سال ۱۹۲۶ ص ۸۴

(۲) نقل از مجله " شرق نو " شماره ۱ سال ۱۹۲۲ ص ۳۴۸

(۳) در همانجا ص ۳۴۹

انگلیس - ایران را بوجود آوردند. روزنامه هشدار ابراش داده مینویسد :
" در حال حاضر این آقایان مبارزه بزرگی علیه شعاراه انداخته اند و این سن
نهضت ارتجاعی مرکزی دارد عبارت است از پنج نفر : رئیس این نهاد رارک شمال
غربی تهران زندگی میکند و مالک بزرگ و معاون رئیس مجلس است " (منظور نعمت
الدوله) میباشد. رهنما در روزنامه "ارتجاعی" ایران " در پنج شعاره مسلسل
مقالاتی با حملات شدیدی علیه اتحادیه کارگران و علیه جماهیر شوروی نوشت
رهنما روزنامه "حقیقت" را مورد استهزا قرار داد و نوشت "حقیقت گاهی ملت ،
گاهی کارگر را عنوان میکند " رهنما حملات "کارگر" "پرولتر" سوسیالیسم را
مسخره نموده حتی نهضت مشروطه را کار خارجیان بحساب آورد. رهنما قیافه
واقعی ارتجاعی خود را آنجائی نشان داد که شعار عظمت طلبانه خود را پیش
کشید و طلب کرد که "اراضی بین النهرین ، قفقاز حتی قسمتی از هند به ایران
مسترد شود " (۱) این آقایان نوکرمارک دار و ظلام حلقه یکوش امپریالیسم انگلیس
در روزنامه شماره ۱۰۸۶ مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۲۲ با شعارهای فتنه انگیزانه
علیه نهضت کارگری ایران و اتحاد شوروی مطالبی نوشت. اوشوروی را متهم به
خرابکاری در ایران نمود و نوشت که شوروی خیال حقه به هند را دارد و کوش
شوروی میخواهد قرارداد ۱۹۰۷ تزار و انگلیس را در ایران عملی کند " لا اقل
خیلی از میلیون بورژوازی ایران نیک میدانند و تصدیق داشتند که شوروی کاپیتو-
لاسیون را در ایران لغو نموده ، دارائی روسیه تزاری که در ایران داشتند به
ملت ایران داده و قرارداد ۱۹۰۷ را لغو نموده است. ولی وقاحت رهنماها
حدی ندارد .

روزنامه "حقیقت" جواب دندان شکنی به رهنما و سایر پهلوانان این
نبرد داده نوشت : " این آقایان امروز در لباس حامی استقلال ایران در
آمده اند " در صورتیکه چندی پیش بطور آشکار و واضح نوکر امپریالیسم انگلیس
بودند و تا چندی پیش مینوشتند که انگلستان بایستی قیم ایران باشد " ایران
بایستی بکوشد با تمام نیرو حیثیت حکومت انگلیس را حفظ کرده و حامی سیستم
استعماری او باشد " روزنامه "حقیقت" نوشت : نباید بجزرفهای پوچ ایمن
کاسه لیسان کوش داد " روزنامه خوانندگان خود را دعوت به تقصت اتحادیه
کارگران ، صنعتگران و دهقانان مینماید و نوشت که روزنامه "ایران و رهنما این
هوچی نوکر امپریالیسم کارگران و اتحادیه کارگران را "شارلاتان" هم نامیده

است. "حقیقت گویست: اگر سرمایه خارجی که ارباب و ولی نعمت هشتیان شما نبودند، این بقول شما "شارلاتانها"، مدت‌ها پیش شمارا دور انداخته بود. ۹ فوریه ۱۹۲۲ دولت مرتجع روزنامه "حقیقت و طوفان" را توقیف نمود. روزنامه "اقتصاد ایران" و "کار" جای روزنامه "حقیقت" را گرفتند. مبارزه ادامه داشت. تمام نسخه های "حقیقت" از طرف دولت توقیف شد. در این روزنامه سرمقاله ای تحت عنوان "ارتجاع بالا دست ارتجاع" چاپ رسیده بود. در ۲۴ ژوئن ۱۹۲۲ دولت سانسور و شرایط شدید تری علیه جراید برقرار کرد. در ۳۰ اوت ۱۹۲۲ دولت ۱۲۷ روزنامه انقلابی، دموکرات، ملی و مترقی را توقیف کرد. ارتجاع روزی روزی تر شده و در آستانه تاجگذاری رضا شاه یعنی در اواخر سال ۱۹۲۵ دولت سازمانهای اتحادیه کارگران، حزب کمونیست ایران و جراید آزاد یخواه را تار و مار کرد. عده زیادی افراد مترقی زندانی شدند (در درجه اول افراد حزب کمونیست ایران).

تا آن تاریخ شهران چنین جنیش توده ای و منظم نهضت کارگری بخود ندیده بود. هیچ سازمان سیاسی، حزبی چه ارتجاعی چه ملی وجود مکر - تیک در آن زمان با قدرت و عظمت نهضت کارگری نمیتوانسته است مقابل نماید. این نیروی متشکل کارگری نه فقط در مسائل اقتصادی بلکه در درجه اول در امور سیاسی مملکت نقش مهمی بازی کرد. یکی از طرز عده پیشرفت این نهضت وجود رهبری حزب کمونیست ایران بود. این نهضت در واقع دنباله انقلاب کیلان بوده و کمونیستها در این انقلاب نقش مهمی عهده دار بودند. جراید کمونیستی آن روز را لحاظ آگاهی بعلوم اجتماعی، شیوه های ارزنده سازمان دهی و مبارزه مقام اول را در ایران حایز بودند. ایران در آن ایام هنوز فساد صنایع بود یعنی طبقه کارگر صنعتی نداشت (مگر در نفت جنوب) ، با این همه قشرهای معینی از کارگران نقش پیشرو را بازی میکردند، بخصوص کارگران مطابع و محلمین تهران. ادبیات مارکسیستی و فعالیت سازمان و سیاست کمونیستها، سطح آگاهی قشرهای برجسته کارگری نفوذ چشم گیری داشت. شاید در این ایام پس از انقلاب کیلان اولین پاربود که طبقه کارگر بطور مستقل و شجاعانه با برانه معینی وارد میدان کارزار میشد. درست است که در دوران انقلاب کیلان کمونیستها تبلیغات وسیع کمونیستی انجام داده بودند و دامنه این تبلیغات به خارج از کیلان هم نفوذ کرده بود ولی در خود کیلان طبقه کارگر براتب ضعیف تر از تهران بود. نباید از دیده دور داشت که در آن ایام در

خود سازمانهای کارگری هنوز، چنانکه در سابق نیز یاد کردیم، باقی مانده *
شیره* اصنافی وجود داشت که خود مانع رشد وسیع نهضت میشد. مثلاً در
کفاشیها ارباب خود کارگری بود، شاگرد هم داشت که در واقع این شاگرد استعمار
هم میشد *

در آن دوران یاد شده مبارزه* کمونیستها در تهران از راه سازمان
کارگری چنان مهم سرچشمه بود که شب و روز طبقه* حاکمه را در مانده کرده بود.
وزرا و مجلس از نهضت کارگری وحشت داشتند و تدابیر جدی اتخاذ نمودند تا
رژیم ارتجاعی استواری بوجود بیاورند و از اینراه هم جلوی نهضت انقلابی ایران
را بگیرند و از طرفی هم نهضت انقلابی به دیگر مستعمرات انگلیس سرایت نکنند
(هندوستان، عراق و نیز افغانستان و غیره) بایستی ایشرا هم گفت که خود
طبقه* حاکمه از لحاظ سازمانی چندان قوی نبودند، اما از لحاظ سیاسی تسا
حدودی فعالیت میکردند، ولی قدرت سازمانی آنها پهای سازمانها شی که
تحت رهبری کمونیستها بودند نبرسید * در مت استکه طبقه* کارگر ایران نتوا
نستز هم نهضت ملی بشود، بخصوص در نظر بگیریم که نهضت کارگری تمام ایران
را در برنگرفته بود * تا این نهضت‌های گوناگون ایران نگیر نمیشد کمونیست‌ها نمی
توانستند به دورانی برسند که حزب توده* ایران رسید یعنی طبقه* کارگر ایران
بر رهبری حزب توده* ایران مقام رهبری نهضت آزادی بخش ملی را به عهده
گرفت * جاد ارد که مار هیران واقعی آنروزی تهران را یاد آور شویم * اینسان
عبارت بودند از آخوندزاده (سیروس پیرام)، نیک بین (فارس) ، سید محمد ،
سید جمفر باقرزاده (پیشه وری) ، د هزاد ، حسین شرقی که خود از کارگران
بود ، رضاقلی سیفی عبدالله زاده ، باقرزاده ، پروانه و استاد میرزا علی بنا *

از متن بیانیه اول ماه مه ۱۹۲۸

در آستانه جشن اول ماه مه حزب کمونیست ایران بیانیه ای در تهران چاپ و منتشر نمود. مانکات اساسی این بیانیه که از متن روسی مندرجه در مجله "بولتن روز-نامه" خاورمیانه" ترجمه شده در اینجاست: (۱)

"رفقای کارگر و زحمتکشان! امروز اول ماه مه جشن تمام کارگران جهان است، در این روز کارگرها با نیروی متشکل بااراده، قوی حقوق و منافع طبقاتی خود را منکس میکنند. در تمام جهان، در این روز، کارگرها کارهای خود را رها نموده جشن بزرگ کار برپا میکنند. در این روز کارگران انگلستان، فرانسه، آلمان، آمریکا و سایر کشورها بخصوص کارگران آزاد روسیه در خیابانهای شهرها نمایشاتی برپا میدارند. شعارهای انقلابی، سرودهای بین العلیی کارگری دنیای سرمایه داری را بلرزده در میاورند. کارشایرانی ما تو هم یکی از هنکهای نیرومند ارتش کارگری جهان هستی، توهم با سایر کارگرهای تمام جهان با - یستی علیه زورگویی امپریالیستها، دیکتاتوری رژیم حاضر، علیه جنگهای خو- نین سرمایه داری، علیه ستم و زورگویی صاحبان کارخانه ها قیام نمائی شما ۸ ساعت کار در روز، قانون کار را بدست آوری. رفقا، برادران! شاه، مالکین، روحانیون مرتجع، وکلای مجلس، افسران ارتش، حکام، مامورین دولت، کدخدای و تمام سرمایه داران بر ما اقائی میکنند. آنها ما را استعمار نموده محسول زحمت دهقانان را غارت میکنند. آنها زندگی خوشی دارند اقایان از بدبختی شما و دهقانان بی چیز و بدبخت استفاده مینمایند. شما امروز محکوم به بدبختی هستید و امید و اعتمادی بفر داند آید. در دقیقه بیگاری کرسنگی شما را تسدید میکند. دولت اشرافی هیچوقت در فکر دفاع از شما نیست و نخواهد بود. این دولت نماینده و حافظ اشراف، مالکین و سرمایه داران بزرگ و دست نشانده امپریالیسم خارجی است. عناصر ملی و آزاد بخواه که امروز علیه این رژیم دیکتاتوری (۱) در آن ایام حزب بیانیه ها را با زلاتین چاپ ولی این بیانیه مسئولیت رفیق حجازی در مطبوعه بدون اطلاع صاحب مطبوعه چاپ شد.

توری برای بدست آوردن آزادی کوشش میکنند، علیه جنایات و وحشیگریهای دولت بورژوازی مبارزه میکنند محتاج به کمک شما هستند. شما بایستی تکیه گاه و اساس این گروه انقلابی، پیشرو نهضت آزادی بخش و انقلاب باشید.

رفقا! آماده برای قیام در امر احیای حق خود باشید، زیر پرچم سرخ انقلاب متحد شوید. کارگران و دهقانان ایران هیچ حامی و مدافعی بجز حزب کمونیست ایران که حزب طبقه کارگراست ندارند. رفقای کارگر! قیام کنید چرا که وحدت و قیام تمام کارگران جهان مربوط به آزادی انسان است. قیام کنید. چرا که خیانت، ستم و استبداد دولت اشرافی ایران از حد گذشته. برای واژگونی این مرکز ستم و دیکتاتوری، اتحاد و قیام کنید! محو باد دولت دیکتاتور توری و اشرافی، زنده باد جمهوری ملی انقلابی، زنده باد اتحاد و همکاری کارگران جهان، زنده باد ستاد بین المللی سوم، زنده باد حزب کمونیست ایران زنده باد اول ماه مه، امضا: حزب کمونیست ایران

بیشک بیانیه باروج انقلابی تنظیم شده و کارگراها را برای مبارزه و وحدت دعوت و تشویق میکند. از طرفی هم ارزیابی دولت ارتجاعی در ستانجسام گرفته. نقش امپریالیسم رانیزد رستی نشان میدهد. در عین حال چند ریبانیه وجه در عمل حزب کمونیست ایران افراد و سمپاتیزانهای خود و حتی توده های وسیع را با روح بین المللی تربیت میکند. از طرف دیگر، یستی تصدیق کرد که در این بیانیه انقلاب ملی، نهضت ملی فراموش نشده یعنی در عمل شعارهای داده شده نشان میدهد که انقلاب ایران فقط با طبقه کارگر نیست بلکه در وحدت با سایر آزادی خواهان است. خود این نشان دهنده روش درست و طبیعت تصمیم کننده در حزب کمونیست ایران بود. است. در موضوع شعار دولت اشرافی، در این موضوع وقت کافی بکار نرفته چون در یک جا دولت اشرافی در جای دیگر دولت بورژوازی آمده. اگر گفته میشود که فئودالها - اشراف که در واقع اکثر مالکین بزرگ پایه حکومت را قرار میدادند درست است ولی مشکل که دولت رضاشاه را بتواند دولت اشرافی نامید. چون در دولت رضاشاه، امثال داور هاتیب دیگری بودند. البته بعد ها رضاخان، سر لشکران و اطرفیان او مبدل به بولک اران و ملاکین بزرگ شدند. اینان شاید از اشراف قاجار بهد تر بودند. چرا که این گروه از کارگردانان دولت دشمن خونین طبقه کارگر و کمونیسم بودند. از لحاظ سیاسی از طبقه اشراف پوسیده سابق بر مراتب ارتجاعی تر. این تازه بدوران رسیده های حریص و خونخوار، نوکرهای فدائی امپریالیسم شدند.

بد رستی در بیانیه آمده که "نیروهای ملی و آزاد بخواه" محتاج بکمک هستند (یعنی بکمک طبقه کارگر) اما در آن شرایط میبایستی بطور واضح آید "جبهه واحد ملی و سرنا" را مشخص میگفتند. میبایستی این سیاست صحیح دایم و سیستماتیک علی-میشد. اشتباه آن آنست که بطور مشخص از وضع اقتصادی کارگران اینگونه میبایستی وضع آنها را بهبود بخشید و چه خواستهائی آفریزایستی میشد در بیانیه نیامده است.

اما خود جشن اول ماه مه که در تهران برگزار شد پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران اهمیت خاصی برای این جشن قائل شده. چند کلمه درباره خود جشن اول ماه مه سال ۱۹۲۸ در تهران. در نزد یکیهای درواز دولت در باغی بزرگ که اجاره شده بود جشن اول ماه مه برگزار شد. (بطور آزاد از مجله "دنیا" شماره ۱ سال سوم دوره دوم در بهار ۱۳۴۱) این جشن مخفی در روز جمعه برگزار شد (نوم ماه مه) عده اشتراک کننده اکثریت قاطع کارگروند. کارگرها این جشن را با روح انقلابی و انترنا-سیونالیستی برگزار کرده بودند. در واقع در دوران ارتجاعی این جشن باشکوه پیروزی بزرگی محسوب میشده است. سخنرانیهای مفصلی در این میتینگها ایراد شد، مسائلی که در این میتینگ مطرح شد در درجه اول صحبت از تجهبینزو وحدت کارگرها، سازمان دهی طبقه کارگر، مبارزه برای بهبود وضع آنها در کارخانه ها، مطالب و سایر محیط کار و بهبود وضع صنعت گران پیشه وران بوده است. نقش مهمی در این جشن کارگران مطالب و نسا جان داشتند. میتینگها احساسات شدید علیه رژیم پوسیده رضاشاه و امپریالیسم انگلستان برگزار شد. میتینگ همبستگی توده زحمتکش ایران نسبت به نهضت انقلابی جبهه رانشان داد و پیشرفت های سوسیالیسم در شوروی و عهد ردی باز زحمتکشان شوروی جای مهمی در این جشن داده شده. در این جشن سرود های انقلابی بی از اشعار لاهوتی و سایرین سروده شد. بیرق سرخی هم در این جشن در اهتزاز بود.

پس از خاتمه قسمت رسمی و سیاسی کارگران مشغول تفریح شدند. تار و سایر آلات موسیقی بکار برد، سازماندهان میتینگ غذای لذیذی که کارگران کمتر میبینند (بره پلو) دایر کرده بودند. پس از خاتمه میتینگ عده ای به مراتب کمتر از اشتراک کنندگان میتینگ (در حدود ۱۵۰ نفر) با عده ۲ - ۳ نفری به کلوب اجتماعین روانه شده

در آنجا میتینگ جشن به راهبرگز ارگردند . عده ای از طرفداران حزب اجتناب -
عیون در کلوب حفورداشتند (در خیابان طلاالدوله خانه متعلق به شادروان
دهخدا که بعدا این خانه در دوران حزب توده ایران مبدل به کلوب اول
ماه به شد) . در اینجا نیز از اهمیت جشن اول ماه به وهبستگی جهانسی
کارگری صحبت شد . طولی نکشید پلیس خبردار شد که چندی پیش در این
مکان میتینگ کارگری برگزار شده . شکار افراد شروع شد ، عده ای از اعضای حزب
کمونیست ایران زندانی شدند . (در حد و صد نفر)

این میتینگ ها مبارزه کارگرهای تهران ، مرشد آگاهی طبقاتی و سیا -
سی آنها را نشان میدهد . نیاقت سازماندهی مخفی در این میتینگ در سطح
عالی بود . علی رغم تعقیب پلیس کارگران دوتاد و تایاسه تا سه تا بطور منظم به
این مکانها جمع آمدند بنحویکه پلیس نتوانست بود پی به نقشه کارگران ببرد .
در جریان تارومار نمودن سازمان تهران در این دوره حجازی کارگر و طلبه هم
زندانی و در زندان فوت کرد . این جنایت برای پلیس ایران گران تمام شد ،
بدین معنی که پس از کمی اتفاقا کنگره کمینترن دعوت شد و نمایندگان کنگره پس
از مراجعت به کشور خود حادثه میتینگ ها و زندانی نمودن کارگران ایران و
مرگ حجازی را در رجهان منتشر کردند و رژیم رضاشاه رسوای جهان شد . رهبری
این میتینگ با حزب کمونیست ایران بود ، این جریان صفحات درخشانی از
مبارزه طبقه کارگر ایران محسوب میشود .

فعالیت کمونیستها در قزوین، تهران و گیلان

در اوائل سالهای بیست و نهم تشکیلاتی داشته کمونیستی که موسس آن شاد روان عبد الصمد کامبخش بود. سپس او و قزوین در ویراکا متحد و می کنند شد و سپس در سال ۱۹۲۷ بارد یگروونقی در کارها پیدا کردید. از آنجمله کمی با روستاهای قزوین تماس پیدا شد، افراد از لحاظ فایده نولوژی متحد و می مجهز تر شدند، در سال ۱۹۲۷ اولین بار عده ای زن وارد حزب شده و یک سازمان فرهنگی برای نساوان دایر نمودند؛ سازمان فرهنگی برای مردها قبلا بابتکار کامبخش دایر شده بود. قزوین از حیث تعداد تأرکری در آن ایام زیاد ضعیف بود. نفوذ حزب بیشتر بین معلمین و مستخدمین دولت بوده. از قزوین ۴ مرد مبارز بیرون آمدند که عبارتند از: واعظ قزوینی، کامبخش، کامران (نصرا له اصلانی) و سیاهک. رضا شاه در آستانه سلطنتش واعظ قزوینی مدیر روزنامه "نصیحت" را ترور کرد.

گیلان (نقل از مجله "دنیا" شماره ۳ سال ۱۳۴۸)

این نوشته مربوط به سالهای ۱۹۲۲ - تا اواسط ۱۹۲۴. سپس در تاریخ ۱۹۲۷ بعد از شکست انقلاب گیلان. سازمان حزبی دوباره احیاء شد، سازمان فرهنگی "فرهنگ" از پیش وجود داشت که مترقی ترین جوانان در آن فعالیت میکردند. از آنجمله رهبری این سازمان با کمونیستها بود. کمیته های حزبی شهر رشت، پهلوی و کمیته ایالتی حزب فعالیت میکرد. در سال ۱۹۲۳ حزب مدرسه، حزبی دایر کرد که در آنجا چند ده نفر افراد حزبی از علوم اجتماعی، اقتصاد، داروشناسی، فلسفه بهره مند میشدند.

از سالهای ۲۳ - ۱۹۲۴ عده ای زن وارد حزب شدند (در رشت). در این سالها جشن اول ماه مه بطور مخفی دایر گردید. برخی اتحادیه کاری گری وجود داشت از آنجمله اتحادیه کرجی بانان، باربران پهلوی، نجارها حلیس سازها و غیره. در رشت و پهلوی روزنامه "حزبی بنام "پیک" منتشر میشد (در رشت). همکاری کمونیستها با اجتماعیان وجود داشت. رهبران اجتماعیان رضا اطلاع بود که روزنامه هم داشت بنام "طلوع". هنگامیکه رضا -

شاه عوام‌فریبانه صحبت از جمهوری کرد • کمونیستهای رشت از موقع استفاده کرده متشکلهائی بنفع جمعی وری دموکراتیک دادند و بیانیه ای هم بنفع جمهوری چاپ و منتشر نمودند تحت عنوان "عکس‌شاه را پاره کنید" • در انتخابات مجلس ۲۳ - ۱۹۲۴ در بهلولی حزب کمونیست فاتح میشد • آرائی که نماینده "حزب محمد آخوندزاده" (سیروس) داشت بیشر از دیگران بود، چون تارگران متشکل باریبران بندر، کرجی پند، تارگران سیلات و جوانان جمعیت فرهنگت اینها سازمانهایی بودند که آخوندزاده را کاندید خود نمودند • دولت ترسید و او را باعده ای از فعالان حزبی زندانی کرد و سازمانهای حزبی و کارگری را تا رومار نمود تا او انتخاب نشود •

سپس در سال ۱۹۲۷ دوباره سازمانهای حزبی مرتب شد، در برخی دهات سازمانهای اتحادیه های دهاقین دایر گردید و برخی حوزه ها هم بوجود آمد • فعالیت های اتحادیه تقویت و توسعه یافت • سازمان جوانان کمونیست که تعطیل شده بود دوباره دایر شد • اتحادیه های دهخانیات، حلیی سازها، کلاسه دوزها و غیره در دست بوجود آمد • در سال ۱۹۲۷ حزب باعده ای از گروه بورژوازی ملی صاحب کارخانه جوراب بافی حسین استقامت و اسمعیل پاچ (بزاز) تماس و وحدت برقرار کرد و این بار مبارزه علیه رضا شاه در امر انتخابات بود • نهضت این گروه قوی حتی بازار رشت را بسته با کفن های سفید بیدان مبارزه آمدند •

در این ایام اتحادیه فعالهای بندر، کرجی یانهای بهلولی زیاده فعال شده از طرفی سازمان جوانان "فرهنگت" فعالیت خود را د و چندان کردند • در رسبای علمی مارکسیستی درد و شمشیر زیاد رونق گرفت • از اواسط سال ۱۹۲۰ و تا اوایل سال ۱۹۲۱ در این دوران حزب و جوانان فعالیت فوق العاده مهمی در بین دانشجویان (مدارس دارالفنون و طب) انجام دادند • در اثر این فعالیت روزی دانشجویان طبوی وزارت فرهنگ نمایش دادند • این نمایش علیه دولت بود که با اعتصاب توأم شد و مدت سیزده روز طول کشید •

حزب کمونیست ایران در دست در مقابل دارالفنون خانه حقیری اجاره کرده بود که در واقع مبدل به ستاد "مبارزه حزب و جوانان بود و بطوری جدی با دارالفنون تماس داشت • در عین حال در این دوران در حوزه ها بطور شدید بحث های مهمی درباره "مارکسیسم - لنینیسم" انجام میگرفت • روزنامه مخفی جوانان نقش سازنده ای داشت بنام "بلشویک جوان" حزب

در مبارزه برای مسترد نمودن بحرین پایران فعالیت نمود از آنجمله بیانیه ای
در این باره منتشر کرد • فعالیت زیادی در سازمان اتحادیه های کارگری
انجام گرفت که مظهر آن نمایش مردم اول ماه مه در تهران بود •
در اثر فعالیت برای حزبی و اتحادیه ای و بخش اسناد بیانیه ها و
مجله عدّه کثیری زندانی شدند •
در ماه مه ۱۹۲۸ د و پلنوم ک • م • در سالهای فوق الذکر در تهران
وقوع پیوست که بطور جد اکتانها آمده است • حزب کمونیست با سوسیالیستها هم-
کاری میکرد •

فعالیت حزب کمونیست در خراسان

(۱۹۲۸ - ۱۹۳۰)

نهضت کارگری در خراسان در واقع در شهر مشهد نسبتاً رونق داشته مادریا لاجرم به نهضت کمونیستی - نهضت کارگری جوانان و حزب کمونیست در سالهای ۲۰-۱۹۲۸ مطالبی نوشته ایم. یک نمونه از عملیات اتحادیه کارگران قالی باف مشهد در اینجا می آوریم. صحبت از بیانیه ایست که در همین دوران از طرف اتحادیه کارگران قالی بافی مشهد منتشر شده. بایستی گفت که در آنروزها مرکز نهضت کارگران قالی بافی در خراسان شهر مشهد بوده و در همین سالها در مقیاس ایران نهضت قالیبافیهای مشهد مقام اول را بدست آورد. همین بیانیه در "بولتن جراید شرق وسطی" (۱) مانکات اساسی این بیانیه بطور خلاصه بازگو میکنیم.

در سرلوحه بیانیه آمده "پرولتاریای تمام جهان متحد شوید!"

خطاب به کارگران قالی باف: رفقای عزیز، روز ۲۲ ژوئن ۱۹۳۰ اصغر شاگرد استاد عباس کارگر قالی، بدست استاد بیرحم خود، کشته شد. چنین رفتار وحشیانه استادان کار، کاری انتها و زجر آور، حقوق کم - این وضع بد کارگران قالی باف را بایستی پیش از پیش چشم آنها را بازنکند. طبق آمار از صد کارگر قالی باف % ۸۰ کودکان خردسال میباشند. که در اثر فلاکت بار، کار غیر قابل تحمل تسلیم آریاب شده اند. هزاران کارگر کودک زحمتگر که اصغر یکی از آنها بود. در اثر کار پرورج طی مدت کوتاهی سلامتی خود را از دست میدهند و در سن جوانی میمیرند. رفقای عزیز! وضع کارگران من بهتر از وضع کودکان نیست. در مقابل کار زیاد و سخت بما حقوق شنند رغاز میدردا - زند. با این حقوق خانواده مانمیتواند زندگی کند. در اثر بحران در آمریکا صاحبان کارخانه های ایران حتی حقوق ناچیز کارگرها را پائین آوردند. برخی از کارخانه ها بسته و کارگران بیکار شد. اند.

(۱) "بولتن جراید شرق وسطی" این بیانیه بخاطر تلف شدن کارگر خرد - سال، اصغر که در کارخانه قالی بافی کار میکرد نشر یافت.

رفقا! در حال حاضر کارگران در بیست و چهار ساعت ۱۶ ساعت کار میکنند. حقوقی که آنها میگیرند در حدود پخو روتهی راست، در همین حال صاحبان کارخانه در شرایط بسیار عالی و از تمام خوشبختی های زندگی بهره مندند. ما زنده یا مرده ایم برای ارباب خونخواری تفاوت است. قضات محاکم و ادارات دولتی همگی نوکر اربابند. به دستور اربابان، ارزش خون این طفل ۲۵ تومان تعیین شده. رفقای عزیز! بایستی هوشیار بود دشمنان خود. نین مایعنی صاحبان کارخانه ها میخواهند ما را خفه کنند. ما شعار استعام کارگران را دعوت به اجرای شعارهای زیر میکنیم:

۱- برای انتقام از خون کارگر خرد سال اصغر و هزاران کودک دیگر از آنها بایستی بساط قدرت مالی طبقه کارخانه دار را برچید؛ ۲- کودکان تا ۱۵ سال بایستی در مدارس تحصیل کنند؛ ۳- چنانکه شاید و باید بایستی حقوق کارگرتا مین شود؛ ۸ ساعت کار بایستی عملی شود.

رفقا! وحدت کارگران از کوه محکمتراست. هیچ نیروی بجز وحدت خود مان و دستهای ما حقوق ما را پمان خواهد داد. بایستی ما متحد شویم و دست خود مان بحق خود برسیم. زنده باد وحدت آهنگین اتحادیه کارگران. محو باد استثمارکنندگان و ظارتگران صاحبان کارخانه. امضا: عده ای کارگر آگاه. ماه صفر ۱۳۴۹ (مجله ستاره سرخ شماره ۹ ژانویه ۱۹۳۱)

این بیانیه بلافاصله پس از مرگ اصغر تنظیم و منتشر شده که روح و وضع هیجان آمیز کارگران را منعکس میکند. طبعا این روح انقلابی مظهر مبارزه نسبتا توسعه یافته کارگران مشهد در آئروزگار بوده است. بایستی گفت محتوی ماده اول معنی اش محو نابودی سرمایه داری است. بنظر میرسد که در شرایط آئروزاین شعار چپ روانعنادی است بود. این مانع قهیشد که کارگران را برای مبارزه شدید دعوت کنند. سایر ماده ها مناسب وضع کارگران آئروز را نشان میدهد که انسان (یعنی یک کارگر) ۲۵ تومان خونیهای اوست. مسئول این جنایات طبقه حاکمه ورژیم پوسیده آئروز بود.

درباره نهضت بانوان ایران

در سالهای بیست (از اوایل تا اواخر سالهای بیست) وقتی در باره عملیات حزب کمونیست در برخی ولایات سخن بجان آمد. بایستی قید کرد که در ۳ مرکز سازمانهای فرهنگی بانوان نیز فعال بودند. از آنجمله اوایل سالهای بیست در گیلان بخصوص در رشت، سپس در تهران و قزوین آنچه که مبنظر نگارنده

این سطررخیلی مهم بوده آنست که اولین بار کمونیستهای ایران بودند که زنجبار را نهضت کمونیستی یعنی در مبارزه سیاسی وارد نمودند. بانوان کمونیست رهبری سازمانهای فرهنگی این ۳ مرکز را اداره میکردند و حتی در این مراکز بودند که وارد حزب و به مبارزه سیاسی برای آزادی و استقلال کشور بدل شدند. اینان پیشکسوتان نهضت سیاسی بانوان ایران بودند. نگارنده اخلاقاً وظیفه میداند که لااقل اسامی پیشکسوتان آنروز را روی کاغذ بیاورد. اینها عبارت بودند از فقط: اختر کا میخش، جمیله صدیقی و انوشیرونیلو. بعد ها بازرگونیستها بودند (فراکسیون حزب توده در مجلس) که اولین بار قانون حق بانوان برای اشتراک در انتخابات مجلس را مطرح کردند.

در رشت جمعیت "پیک سعادت نسوان" در اوایل سالهای بیست و نهم از زنهای روشنفکر محلی که اکثراً معلمه بودند بهمین نام مدرسه ای هم دایر کردند که در رشت شهرت پیدا کرد. در همین حال مجله ای بهمین نام دایر و منتشر میشد. جمعیت "فرهنگ رشت" تاثیر زیادی در ایجاد جمعیت "پیک سعادت نسوان" رشت، در تاسیس جمعیت "فرهخت" انزلی (پهلوی) و حتی در تاسیس "انجمن پرورش" قزوین داشته است. در این مجامع گروههای آکتو-رال نقش مهمی در ترویج فرهنگ داشته این مجامع کمکهای شایانی در امر ترویج علم و هنر، تاسیس مدارس اکابر، تاسیس کتابخانه، قرائتخانه داشته اند. صد ها جوان مترقی پیشرو در این مجامع تربیت میشده اند. موسس و رهبران این جریانها کمونیستهای ایران بودند.

در مجله "دنیا" و سایر اسناد حزبی در باره این نوع مسائل کم چیز نوشته نشده. کمونیستهای تهران نیز در امر تاسیس و رشد نهضت مترقی زنان نقش مهمی داشته اند. ع. کا میخش در این باره مینویسد (۱): ولی رفقه رفقه عده ای زن جوان که خواهان فعالیت پر شورتر بودند از آن کنار رفقه و در سال ۱۳۰۵ جمعیتی بنام (۲) "بید آری زنان" تشکیل دادند. این جمعیت دست به فعالیت وسیع زدند. این جمعیت دارای قرائتخانه، چند کلاس اکابرو هیئت آکتورال بود. نمایشهای این جمعیت موجب گرایش عده ای زیادی از زنان جوان شدند. رهبری غیر مستقیم حزب در این جمعیت به فعالیت آن جهت صحیح میداد.

(۱) عبد الصمد کا میخش "نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران" ص ۳۱.

(۲) منظور کنارت رفتن عده ای از جمعیت لیبرال بنام "نسوان وطنخواه" است که در سال ۱۲۹۸ در تهران تاسیس شده بود.

نمایشنامه ای بنام " دختر قریسانی " در روز ۸ مارس بمعرض نما پیش
گذارده شد ، در آنجا ناطقین تاریخ و اهمیت بین العلی این روز را
متذکر شدند که از طرف حضار حسن استقبال شد . این جمعیت در
سال ۱۳۰۸ منحل شد . در اس این جمعیت بانسواختر کامببخش
قرار گرفته بود

کنگرهٔ دوم حزب کمونیست ایران

در اواخر سال ۱۹۲۷ کنگرهٔ دوم حزب کمونیست ایران منعقد شد که به کنگرهٔ ارومیه معروف است. آ. سلطان زاده نوشت (۱): "در کنگره برخی مسائل بطور دقیق بررسی و قطعنامه‌های مربوطه قبول شد. دستور روز کنگره عبارت بود از: ۱- اوضاع بین‌المللی و داخلی ایران، ۲- مسئلهٔ ملی، ۳- مسئلهٔ ارضی، ۴- مسئلهٔ سازمانی، ۵- سازمان اتحادیه‌ها، ۶- برنامهٔ حزب کمونیست ایران، ۷- سازمان کهراتیف، ۸- تصویب نظامنامهٔ جدید حزب، ۹- مسئلهٔ جوانان کمونیست، ۱۰- اسکار در میان بانوان، ۱۱- مسائل جاری".

تمام تصمیمات کنگره در دو رساله بطور جداگانه منتشر شد. یکی از آنها در ۲۴ صفحه تحت عنوان "کنگرهٔ دوم فرقه کمونیست ایران مطالعات راجع به اوضاع داخلی و بین‌المللی" (در بارهٔ مسائل تاکتیکی و استراتژیکی حزب کمونیست ایران) سند دوم تحت عنوان "پروگرام عملیات فرقه کمونیست ایران" در ۹۴ صفحه زیر این عنوان آمده: "خطاب به زحمتکشان ایران" و سند دوم برنامهٔ حزب است. این سند طبق تصمیم کنگره تنظیم و منتشر شده. در واقع این دو سند تصمیمات کنگرهٔ دوم را در بر میگیرد. در سند دوم در واژه فصل زیر منعکس میشود: ۱- رشد و توسعه سرمایه داری، مبارزه برای بازار فروش، ۲- سرمایه داری و جنگ برای مواد خام، ۳- اقتصاد جهانی و صدور سرمایه، ۴- سرمایه داری فعلی و اتحاد انحصارها، ۵- سرمایه داری ویرانگر در مستعمرات، ۶- انگلستان و روسیه، تزاری در ایران، ۷- اهمیت ایران برای امپریالیسم انگلیس، ۸- انگلستان و رضاشاه، ۹- رضا شاه و عملیات او، ۱۰- طبقه حاکمه ایران و تکیه گاه رضاشاه، ۱۱- نهضت انقلابی در ایران و مبارزه طبقاتی در تاریخ، ۱۲- مسئلهٔ ملی در ایران و مبارزه برای جمهوری ملی: مابینکات مهمی این دو سند توجه میدهیم. این نوشته مسئله

مهم و اساسی کنگره ارزیابی رژیم رضاشاه و وظایف حزب در این زمینه بوده است.

(۱) مجله "زاپارتیو" (بیاری حزب یا برای حزب) شماره ۱ سال ۱۹۲۸ در گان
بیروی آسیای وسطی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی چاپ تا شکند

نهیضت‌های ملی و انقلابی در لیلان، نهضت‌خیابانی در آذربایجان، نهضت ملی کتلل محمد تقی خان امیرالایم انگلستان را سخت وحشت زده نمود. طبقه حاکمه ایران نیز سخت ترسیده در فکر چاره‌ای بودند. رژیم پوسیده قاجار قادر بر جلوگیری این نهضت‌ها نبود، دولت انگلستان و طبقه حاکمه ایران تمایل داشتند دولت جدیدی بوجود بیاورند تا جلوی انقلاب ایران را بگیرند. بعلاوه دولت انگلستان ذینفع بود که دولت "مقتدر" ایران حتی جلوی سرایت افکار انقلابی در هند، عراق و سایر کشورهای را بگیرد. نقشه چنین حکومت مقتصد را زکود تای سید ضیاءالرضا خان شروع میشود. دولت انگلستان با قرارداد و وثوق الدوله میخواست ایران را مستعمره خود کند. اما نگرفت. مجبور شد حکومتی را روی کار بیاورد که پایه سیاستش ارتجاعی ولی ظاهرش ملی باشد. در واقع از همان زمان انگلستان کوشش کرد روش نوآستعماری را عملی کند. سید ضیاء رسوا و جاسوس مارک دار انگلیس بود ولی بازنده‌ای گول او را خوردند، عقیده پیدا کردند که "آقا حلال در فکر فورم و نجسات ایران است". ولی اکثریت ملت سید ضیاء را قبول نمیکرد. بنابراین عذر او را خواستند. مانند سربازان که از خلق درآمده. رضا خان شد "ملی"، "قهرمان" طرفدار رشد سرمایه داری و "دشمن" فتودالایم هرکس که از سیاست مختصری میفهمید یقین دارد این سربازگان مایوسواد، بکلی از سیاست دور، چطور میتوانست با مهارت تمام چنین سیاستمداری "از آب درآید؟" کمی بعد هیچ کس در ایران شکسی نداشت که "استاد ازل" او خود انگلیس‌ها بودند که یومیه یا و در رس میدادند. چنان با مهارت نقش بازی میکرد که در اوایل عده کثیری از سیاستمداران، وطن‌خواهان گول رضا خان را خوردند، حتی چنان راست‌یگانه حزب انقلابی، این گول خوردن حاصلات زیادی به نهضت آزادی و ملت ایران رساند. خود مبارزه بین ارتجاع و انقلابیون چشم و گوش مردم را باز کرد و در درجه اول خود حزب کمونیست بود که در عمل فمید که رژیم رضا خان رژیم است دست نشانده انگلیس، کنگره دوم حزب جمع‌پنندی اساسی در این زمینه نموده سیاست روشن، ثابت و محکم در رزنیابی رژیم اتخاذ کرد.

کنگره در باره نظریات غلط و پورتونیستی راست‌ها چنین نظر داد:

نظریاتی که آنها میدادند چنین بود که "کودتای رضا خان معنی اش سقسقوط حکومت فتودالها و استقرار حکومت بورژوازی است". البته هدف این تز آن است که گویا راست‌ها عقیده داشتند که رضا خان دشمن و طرفدار لغو مناسبات فتودالی و استقرار بورژوازی ملی است که از بیخ و بن غلط و غیرمارکسیستی پیسود. سپس کنگره متذکر

میشود که این "نثریه پورتویستی ابن الوقت ضد انقلابی محسوب میشود".
(ص ۴) بنظر نگارنده درست است که نظر راست روهال پورتویستی است و لسی نه
ضد انقلابی * بنظر اینجانب در عبارت "ضد انقلابی" زیاد غلط شده. کسنگره
کوشزد میکند که رضاشاه و همدستانش "حتی بوشیدند نه فقط با عناصر ملی، جمهوری
ریخواه بلکه با عناصر انقلابی از آنجمله اتحادیه های کارگری نیز" همکاری نمایند.
در این باره کنگره بطور واضح میگوید: "رضاخان کوشش نمود که برپورژوازی ملی
اتکا نموده و حتی با عناصر جمهوری طلب و تشکیلات طبقه، پروتاریا نیز مخالفت
و عشو فروشی مینمود." اما عملیات او هیچوقت از ادایه مبارزه برای تصرف حکومت
مدرقابل رژیم فئودالی و ملاکی خارج نشد. این حقیقت که در موقوفه تالی رضا
خان طبقه فوقانی بورژوازی از او تقویت کرد و حالا هم تاحدی تقویت میکند بورژوازی
بودن سلطنت رضاخان را ثابت نکرد، بلکه ظاهر میکند که رضاخان با کمال مهارت
توانست اساس رژیم ملاکی فئودالی را با کمک و مساعدت طبقه فوقانی بورژوازی
محکم نماید. برای رضاخان این مسئله از آن جهت باسانی صورت گرفته که در
مدت ده بیست سال اخیر در ایران بورژوازی فوقانی با شدت تمام سرمایه خود
را برای خرید املاک صرف نموده و از مزایای حقوق فئودالی استفاده کرده و بیشتر
از معاملات تجاری و صنعتی مداخلت میکنند. بدین ترتیب طبقه اعلی بورژوازی
ایران خود به حفظ مالکیت و استثمار میرحمانه، دهاقین علاقمند میباشد. (ص ۲)
این نظر کاملاً درست است. ولی نگارنده میخواهد اضافه کند که تاجری که در
عین حال زمین دار را بیرون فقط از زمین بیشتر بهره میبرد بلکه ترس داشت سرمایه
خود را در کارخانه بخواهاند که اصلاً نمیدانست عاقبت این سرمایه گذاری بکجا
خواهد انجامید. در صورتیکه تاجری که ملک داشت یقین میکرد که زمین همیشه
عایدات میدهد و ورشکستش نمیکند، اما کارخانه میتواند ورشکستش کند. بخصوص
که سرمایه داران خارجی در ایران نفوذ زیادی داشتند، در آن سرمایه داران
ایرانی میتوانست همه سرمایه خود را از دست بدهد.
در رتبه های کنگره خاطر نشان میشود که رژیم اصول مالکیت و استثمار و
مناسبات فئودالی بر زمین را با وضع قوانین متعدد محکمتر نمود. رضاخان نیز
با قدرت خرده مالکین و زمین داران، یکی از مالکین بزرگشده حتی قبل از دوره
رضاخان هزاران خرده مالک زمینهای خود را از دست داده بودند بدین معنی
که مالکین بزرگ املاک خرده پاها را بلعیده بودند. رضاخان با وضع قوانین
جدید این املاک خرده مالکین را برای فروش جان به مالکین بزرگ تحویل داده

وضع آنها را محکم کرد. گاهی سوال میکنند مگر رضاخان برخی فتوایها را از زمین نبرد؟ بلی فتوایها اینها که سلطه در دست داشتند تسلیم رضاخان نمیشدند آنها را از زمین نبرد، فقط از نقطه نظر تقویت نمودن حکومت مرکزی این کار میشد ولی اساساً مناسبات فتوای را از زمین نبرد ۱۰ املاک این فتوایها را به اولادش داد یا خود او و افسران او این املاک را تصاحب نموده همان اصول مناسبات فتوای را ادامه داد، بلکه محکمتر نمود. در ترزهای کنگره آمده: "رژیم رضاخان اگر هم بعضی مقدمات و شرایط مساعد برای ترقی بورژوازی ملی بوجود آورد ولی در عین حال این رژیم استثمار را بجا آورد. دهاتین را از جانب ملاکین قوت داد و وضع اقتصادی و سیاسی زارعین را بکلی تحمل ناپذیر نمود است؟" (ص) بایستی موضوع را نیز اینجا اشاره کرد که در دوران اولیه حکومت رضاخان امرای لشکر و افسران همکارش از هیچ مبدل به مالکین بزرگ شده مخارج این نوع تازه بدویر رسیده شاهپرتاب زیاد تر شد. هر یک از آنها خود را مدبر میدانستند و دائماً کسانی را بر رویا مسافرت میکردند. بحالره چون آنها غارتگری نبودند امید بی فردا و رضا شاه نداشتند پس هر چه بیشتر زارعین را استثمار میکردند برای فردا خود تأمین فراهم میکردند، از آنجمله پوتنهارا به خارج از کشور انتقال میدادند. اینجاست - خواهیم به یک تراشاره کم. در ترزهای کنگره زیاد جمله "بورژوازی فوقانی" یکبار میورد. بایستی گفت این عبارت علمی نیست اما وقتی صحبت از بورژوازی کمپرادور میشود و این مطلب روشن است. اما وضع بورژوازی ملی آن روز خیلی ناروشن بود، سرمایه داران با اصطلاح ملی که دارای کارخانه های گوناگونی بودند (کیرمیست سازی، نساجی و غیره) گاهی همینها را یکپایه شان درده بود یا استثمار فتوای مشغول بودند. معلوم نیست کدام قشر بورژوازی کار اساسی خود را تولید ملی قرار میداد، و کدامیک از آنها اساس کارش را زمین و استثمار فتوای بود. در هر صورت قشر سرمایه دار کارخانه دار بیشک ذینفع بود که کارخانه اش رونق داشته باشد و دشمن او سرمایه خارجی بود که مانع رشد صنایع ایران میشد. مطلب اینجاست که این نوع کارخانه دارها هنوز به تحکیم وضع خود نرسیده بودند تا بتوانند در کشور نقش مهمی بازی کنند. آنها در کشمکش و مبارزه بودند. در ترزهای کنگره بطسور منجر آمده: "از روزیکه رضاخان بر عرصه سیاست قدم گذاشت متکی به انگلیس بود ولی تا سال ۱۹۲۵ خیلی ها باین حقیقت پی نبرده بودند. بعد از خفیه نمودن شورشهای انقلابی توده زحمتکشان و بعد از تاجگذاری اتحاد محکمی میان رضا شاه و انگلیس بسته شد." بنابراین هرگاه بگویم که در ردیف مدافعین

تخت و تاج سلطنت رضاشاه پهلوی که عبارت از اعیان و اشراف و روحانیون و یک قسمت از بورژوازی کمپرادور (یعنی بورژوازی دلال تجارت خارجی) امپریالیسم انگلیس هم جا گرفته است. اغراق نگفته ایم که رضاشاه علیه سیاست استعماری انگلیس اقدامی نکرد. است و اگر با شوروی مجبور بود قرارداد دیگری امضا کند، بیشتر از این لحاظ بوده که بالاخره اقتصاد ایران با روسیه سپس با شوروی زیاد مربوط بوده و مردم ایران رضاشاه را واداره این نوع قراردادها میکردند، و در همین بستن قرارداد با شوروی همکاری محکمی با انگلیس ادامه داشت. انگلیس محتاج بخرید برنج و مرکبات ایران نبود، حتی ممکن است خود انگلیس با بستن قرارداد تجاری ایران با شوروی از جهت سیاست خود مخالفت نمیکرد. چرا که از لحاظ سیاست انگلیس اگر ایران در اقتصادیات خود ورشکست میشد این عمل انگلیس را میتوانست بترساند، چون بهنگام ورشکستگی ایران، امکان بروز نهضت انقلابی و ضد امپریالیستی تقویت میشد. در هر صورت چنین قرارداد هائی هنوز معنائیش مخالفت با سیاست استعماری انگلیس نمیتوانست باشد. هنگامیکه رضاشاه پیشرفتهای آلمان فاشیستی را دید تعالی خود را به طرف آلمان فاشیستی متوجه کرد. روشن نیست که در این موارد خود انگلیس موافقت نداشت. مگر خود فرانسه، انگلیس و آمریکا در موقع خود برای اینکه آلمان تعالیات سوسیالیستی نشان ندهد با کمک نمیکردند؟ لکن این نظر تنها کسی رضاشاه در مواردی علیه سیاست انگلیس اقداماتی کرده به نظر درست در نمیآید. در رتبه‌های رباره برخی احزاب و مسایل سازمانی حزب کمونیست آمده نگارنده لازم میدانم در این باره مختصری مطلب بگویم. حزب کمونیست ایران یا حزب "اجتماعیون" که لیدر آن سلیمان میرزا بود اشتراک و همکاری هم کرده است. این حزب حزبی بود کوچک و رهبری آن بهیچوجه با کمونیستها نبود بلکه خود حزب اجتماعیون رهبران خود را داشته است. همکاری حزب کمونیست چین با حزب کمونیست ایران سالها بر سر زبانهای احزاب برادر در کشورهای شرق بسوده است. این همکاری از لحاظ نظری و هم پراتیک فوق العاده جالب و آموزنده بود. در آنرا نجهله برای خود حزب کمونیست ایران اتفاقاً راستانه "کنگره" دوم جناح راست گومیندان بر رهبری چان کایشک به انقلاب چین خیانت نمود و قتل عامی از کمونیستها راه انداخت. در رتبه‌های کنگره دوم زیاد صحبت از کار علنی و غیر علنی در سازمانهای گوناگون توده ای، ملی بیعت آمده. جالب است که کنگره عقیده داشت که حزب کمونیست خود میتواند مبتکرانه سیس حزب انقلابی ملی

باشد * ما در تظاهرات میخوانیم: "حزب کمونیست ایران هنوز بسیار ضعیف است و فکر ایجاد حزب انقلابی ملی ممکن است آلت استفاده* عناصر مخالف واقع شود *

مشکلات و تضادات تشکیلاتی بین حزب نویندان و حزب کمونیست چین ممکن است در شرایط ایران با شکل دیگری تکرار شود * از طرف دیگر حزب کمونیست ایران نباید به مخالفین سیاسی خود امکان دهد که زمام چنین تشکیلاتی را به دست بگیرند * هرگاه پیش از آنکه حزب کمونیست ایران بطور کامل و کافی برای چنین کاری حاضر شود از یکطرفی اقداماتی برای تشکیل حزب انقلابی ملی شود حزب باید بهترین قوای خود را مأمور کند که در رهبری کردن این امر خود را داخل نموده و سعی کند که رهبری را بدست خود گیرند * (ص ۱۶) سپس پیشنهاد های عملی برای ایجاد حزب انقلابی ملی شده که از قرار زیر است :

"اول آنها را بشکل ائتلافهای موقتی و بعد بشکل ائتلافهای متعاضد و دایمی انقلابی در آورد * و بالاخره پس از تهیه مقدمات اساسی ، تشکیلاتی و سیاسی وسایل حزب ائتلافی انقلابی یعنی حزب انقلابی ملی ایران را فراهم آورد *

برای اشتراک رهبری حزب کمونیست در این نوع حزب انقلابی شرایطی هم پیشتهاد میشود : "حزب کمونیست ایران تشکیل یک چنین حزبی را باید در صورت موجود بودن شرایط ذیل جزء مقاصد خود قرار دهد * ۱- حزب انقلابی ایران باید حزب اتحاد انقلابی کارگران و دهقانان و سوزووازی کوچک باشد * ۲- اساس آن باید تشکیلاتی باشد که حزب کمونیست ایران در آن رهبری را بازی کند * ۳- این حزب باید بر ضد استقلال سیاسی و تشکیلاتی حزب کمونیست ایران در دست اندازی و اقدامات نکند * (ص ۱۹) قبل از همه بایستی گفت که نقشه در باره موجود آوردن رهبری کردن حزب ملی انقلابی ناروشن و سردرگمی است * برای تنظیم کنندگان این ترمسایل غیر روشن و کمی جنبه فانتزی داشته و از طرف دیگر ضد و نقیص در کار موجود است *

تجربه* گویندگان نشان میدهد که حزب نویندان وجود داشته و حزب کمونیست چین وارد این حزب شده و همکاری نموده نه اینکه کمونیستها گویندگان را بوجود آورند * این کار جنبه* ائتلاف را داشته نه اینکه حزب کمونیست میتوانسته رهبر حزبی باشد که اکثر افرادش روح ناسیونالیستی داشتند *

تجربه* حزب کمونیست ایران در همکاری با حزب "اجتماعیون" بسیار جنبه* همکاری داشته و نه اینکه رهبری آن با کمونیستها بوده * چرا بایستی حزب کمونیست در شرایط ایران خود مبتکر و ایجاد کننده حزبی ملی باشد ؟ اگر بگوئیم

که حزب کمونیست چنین حزبی را بوجود میآورد که اکثر اعضای کمونیست و گاه بگاه مجسمه گریخته برخی افراد ملی را میخواند و ارد این حزب کند در اینصورت این کار هیچ معنی ندارد؟ چرا؟ اثر حزبی بوجود بیاد که ملی و انقلابی باشد و طرفداران زیادی داشته باشد که بشود گفت که حزبیست که طرفداران زیادی دارد پس این حزب در اصل هم از لحاظ آید ثلویزی و هم از لحاظ سازمانی قادر هایش ملی اند نه کمونیست. اینجاد یک مسئله رهبری کمونیستها منتفی است. با چنین حزبی که کمونیستها در سربرخی شعارها میتوانند ائتلاف و همکاری کنند. مشکل است چنین حزب ملی را کمونیستها رهبری کنند. در بهترین شکل کمونیستها میتوانند و باید بکوشند این حزب را بطرف عملیات جدی متری مسوق دهند. اثریایه این حزب کارگرود هقان باشد، دیگر چه لزومی دارد که از کارگرود هقان حزبی ملی درست کرد. بهترین شکل تجمیع کردن کارگران و دهقانان همانا سازمانهای طبقاتی یعنی اتحادیه کارگران و دهقانان می تواند باشد که جنبه طبقاتی و بطور یقین بایستی با دست کمونیستها بوجوئاد ه رهبری هم بشوند. چنانچه در ایران عمل شده بوده. این سازمانها از لحاظ آید ثلویزی طبیعی است بی سوسیالیسم نزدیک اند نه به ناسیونالیسم. در تتر گفته میشود. این سازمان ملی بایستی رهبریش با کمونیستها باشد. از طرف دیگر گفته میشود. کمونیستها با انقلابیون ملی در یک حزب همکار می کنند دیگر این ملیون مخالف سیاسی محسوب نمیشوند بلکه همکار محسوب میشوند. وانگهی اگر شرط دوم رهبری حزب کمونیست را در این سازمان تا مین میکشد دیگر چه لزومی دارد که شرط سوم پهلویش بیاید؟ پس از آنکه دوم حزبی در تهران بوجود آمد بنام "جمع و ریخواهان" این حزب با دست کمونیستها د ایر شد و رونقی هم نگرفت و طولی نکشید که خود بخود منحل شد.

اماد رباره حزب "اجتماعیون" سلیمان میرزا عبدالصمد کامبخش در شرح خود مینویسد: "۰۰۰ بورژوازی انقلابی در حزب اجتماعیون متشکل گشت" در هر صورت بحقیقه اینجانب این فورهول غیر دقیق و ناد رست است. حزب "اجتماعیون" در آنروزها اکثر اعضای اش از عناصر خرده بورژوا تشکیل میشد رهبران این حزب سلیمان میرزا و میرزا شهاب کرمانی بودند. عناصری از برخی معلمین کارمندان دولت و برخی از پیشه وران در حزب بودند. بیشک این حزب متری مخالف امپریالیسم، طرفدار آزادی و استقلال ایران و عده ای هم دوست ارشوری بودند (از قبیل سلیمان میرزا) مشکل بشود این حزب را انقلابی دانست.

فعالیت آنم اخیلی مدد و دوا بد ا روح انقلابی درین نبود. این عناصر افراد حزب بورژوا بودند. از لحاظ ایدئولوژی اکثر ارجح ملی و موکراتیک داشتند. سرمد ما بعد اری در این حزب دیده نمیشد. اما در باره "حزب ایران نو" که بعد ستور رضا شاه ساخته شد و در او تیمورتاش این حزب را میچرخاندند. حزبی بود برای تقویت رضا شاه. حزبی بود ارتجاعی و طرفدار امپریالیسم، ولی بهیچوجه این حزب را حزب فاشیستی نمیشود نامید. در صورتیکه در رتزه‌های کنگره "دوم" حزب "ایران نو" را حزب فاشیست معرفی کرده اند. در رتزه‌های کنگره "دوم" در راه رشد ایران را مطرح میکنند. "ترقی سرمایه داری" در ایران با بودن رژیم حاضر فقط "از طریق شمیمه شدن سیستم کلنیهای انگلیس" ممکن میباشد. راه "دوم" "راه ترقی غیر سرمایه داری ایران" است.

ایران با وجود حکومت شوروی نمیتوانست بشکل کلنی در آید. بنابراین راه رشد سرمایه داری تنها در شرایط وابستگی ایران بردنای غرب امکان داشت. اما آنچه که مهم و ارزنده است راه رشدی است که کنگره پیشنهاد کرده. یعنی راه رشد غیر سرمایه داری. پایستی گفت که این راه را مغولستان طی میکرد. حزب کمونیست ایران اولین حزب کمونیستی بوده در شرق که اشاره باین راه رشد کرده است. از این حیث حزب کمونیست ایران میتواند بخود بیاند. در این باره در رتزه‌ها آمده: "هر آینه انقلاب زراعتی ایران در تحت رهبری فرقه کمو نیست ایران فاتح شده نیز در تحت رهبری بین الملل کمونیست قرار گیرد آنوقت با وجود اتحاد جماهیر شوروی در صحنه دنیا راه ترقی غیر سرمایه داری ایران باز است." (ص ۲۴)

در رتزه‌ها آمده که وظیفه‌ای که به رضا شاه واگذار شده بود عبارت بود از: "محور سرکوب نهضت انقلابی که پیوسته در مملکت توسعه مییافت. و بتدریج محکم نمودن نفوذ اقتصادی و سیاسی انگلیس. یعنی عملاً قرارداد ۱۹۱۹ را عملی میکرد." (ص ۵۰ و ۶) کنگره اورادست نشانده انگلیس خواند. کنگره پایه طبقاتی رژیم رضا شاه را چنین بیان میکند. ایران را در تقسیم نمود: "در یک طرف ملاکین یعنی طبقه حاکمه و طرفداران آنها و عبارت صحیح تر آنها - ثیکه در عملیات با ملاکین شریک هستند. یعنی قسمت فوقانی بورژوازی، و در طرف دیگر، کارگران، دهقانین، صنعتگران، بورژوازی کوچک و قسمت خیلی زیاد بورژوازی متوسط میباشد." (ص ۸)

اما حزب برای خود وظیفه میداند: "حزب کمونیست تکیه به طبقه"

کارگزاران و ارتباط با عناصر نرینه پرولتاریات (نیمه رنجبر) صنعتگران بزرگروازی کوچک تجارتی و دهاقین بایستی استفاده نماید" (ص ۱۱ و ۱۷) "توجه و دقت فوق العاده و رابطه خلی محکم با بین الملل کمونیستی لازم میباشد" (ص ۱۱) کنگره معتقد است "این صف آرائی که شده تصادم خونین این دو وارد و قطعی و وناگزیر است" کنگره معتقد است که راه مسالمت آمیزی درین نیست. فقط با اسلحه مسائل اساسی اجتماعی حل و فصل خواهد شد. سپس حزب، نه فقط برای سرنگون کردن رژیم سلطنت مبارزه مینماید بلکه تمام زحمتکشان و رنجبران ایران را دعوت به اتحاد و تشکیل حکومت جمهوری ملی مینماید، چرا که بدون اتحاد و تشکیل جمهوری ملی رنجبران، توده زحمتکش نخواهد توانست منافع خود را بطور موافقانه در برابر ملاکین و انگلیسها دفاع نمایند. (ص ۷۷) فورمول جمهوری انقلابی ملی در دست ولی وقتی صحبت از طبقات غیر زحمتکش برای وحدت میآید فقط صحبت از خرده بزرگروازی و بزرگروازی متوسط می آید این هم در اصل صحیح است. ولی اگر قشر بزرگروازی صنعتی بزرگتر از بزرگروازی متوسط شد، علاوه بر این سرمایه در ملی است و قاعدتا میتواند و میخورد و هسد علیه امپریالیسم مبارزه کند. تکلیف چیست؟ از اینروست که شعار بزرگروازی ملی جامع تر و صحیح تر و قطعی تر میتواند باشد. اما راه قهر آمیز یا مسالمت آمیز آن روزها چندان دقیق مطرح نمیشده است.

در نزد و صحبت از وضع جهان بیاب آمده دعوا و مبارزه امپریالیستها برای تجدید تقسیم اراضی جهان، مبارزه برای مواد خام و بازار جهانی، بد رستی آمده که امپریالیسم آماده جنگ میشود و در درجه اول جنگ علیه شوروی است. حزب زحمتکشان را دعوت به مبارزه علیه جنگ و دفاع از کشور سوسیالیستی میکنند که دفاع از شوروی و مبارزه علیه امپریالیستها و نقشه جنگی آنها معنی اش حفظ استقلال و آزادی ایران است. بخصوص که امپریالیسم ایران را مبدل به پیایگه های ضد شوروی نموده است. این روش رضا شاه خیانت به منافع ملی ارزیابی میشود. در باره کشور سوسیالیستی آمده: "وجود حکومت کارگری معالک شوروی مانند مشعل سرخی است که اشعه نورانی آن به تمام معالک زیر دست سرمایه داران دمیده توده رنجبر و زحمتکشان این معالک را برای مبارزه بر ضد اسارت و استثمار دعوت مینماید" (ص ۴۷)

در قسمت جنگ جهانی آمده که خصومت بین آمریکا و انگلیس بجائی رسیده که حالت خصومت بین مملکتی روز بروز شدید تر میشود. حکومت

امریکا تنها حریف خود را انگلیس دانسته که خود را برای جنگ با امریکام میامی - نماید . (ص ۴۰ تا ۴۶) بنظر این جانب این فورهول یکنی نادرست است . در آن دوران رقابت بین امریکا و انگلیس موجود بود بخصوص سرنفت ایران ولی بهیچوجه صحبت احتمال جنگ بین امریکا و انگلیس مطرح نبود ، بلکه اگر صحبت از جنگی میشد موضع جنگ بین آلمان و انگلیس و آلمان و امریکا مطرح بود .

مسئله ارضی جای مهمی را در رتزها گرفته . مآشعارهای اساسی کنگره را در این زمینه بازگو میکنیم . بد و صحبت از آن است که نصف بیشتر محصول دهقانان بدست ارباب میرسد . وضع دهقانان رقت بار است . در رتزها آمده که ۶۶ درصد زمینهای قابل کشت ملك اربابی است . ۴ درصد ارضی خالصه^۱ . ۱۰ درصد زمینهای موقوفه است . ۱۵ درصد زمین ها عشایری و در تحت تصرف رؤسای عشایر است . $\frac{۱}{۲}$ زمینها تعلق به خرده مالکین دارد . $\frac{۱}{۲}$ درصد زمینهای عمومی است . جمعاً % ۹۵ زمینهای قابل کشت در دست اربابهاست . اینک برخی شعارهای اصلی کنگره : ۱- تقسیم ارضی خالصه اربابی ووقتی بد دهقانان ۲- ضبط زمینهای شاه ، اشراف و تقسیم آنها بین زارعین زحمتکش ۳- ضبط چشمه های آب و قنات ها و کاربزه ها که در تحت تصرف حکومت و ملاکین است ، انتقال آنها به مزارع دهاقین لازم . سپس آمده : تأسیس بانکها ، فلاحتی ، کمک بد دهاقین در امر تقسیم بذر ، تأسیس صندوقهای کمک تأسیس کپراتیف ، بیمه ، دولتی برای حفظ مآلهای دهاقین ، داد و ماشین بآنها ، وحدت تمام سازمانهای دهاقین ، وحدت طبقه کارگر و دهاقین ، ایجاد اتحادیه های دهقانی و تأسیس حوزه های حزبی در دهات . تصریح شده است که این برنامه را در موقع انقلاب زحمتکشان میشود عملی ساخت . باینقرار ماندن اساس حکومت کنونی به هیچوجه انقلاب کامل زراعتی ممکن نیست . زیرا که شاه ، ملاکین و روحانیون با اتفاق امپریالیسم انگلیس بهر وسیله که هست کوشش خواهند کرد که وضع موجود را در دهات بطور دائم حفظ نمایند . کنگره در شرایط فعلی شعارهای روز را بدین شکل پیشنهاد میکند . ۱- لغو کار بدون اجرت (بیگاری) ۲- تخفیف تحمیلات اربابی و مال الاجاره ، ۳- سبب بود حال آبیاری در دهات ، ۴- جلوگیری از مهاجرت دهاقین که در اثر کرسنگی و ستم بخارج میروند و غیره .

در باره نهضت کارگری نکات برجسته چنین است : ۱- بیمه اجتماعی

همه، زحمتکشان در صورت ناخوش شدن، ناقص شدن اعضا، آزار افتادن وی —
کارمندان ۰ ۲- آزادی اجتماعات، آزادی میتینگ ها و تظاهرات، آزادی —
اعتصاب ۰ ۳- آزادی کامل برای مطبوعات کارگری ۰ ۴- ۸ ساعت کار در
روز ۰ ۵- دوبرابر شدن اجرت کارشبان ۰ ۶- منع کارشبان برای نسوان
و اطفال ۰ ۷- منع کار برای اطفال کوچکتر از ۱۱ سال ۰ ۸- مرخصی پس
موجب برای زنان آستان در مدت چهار هفته پیش، چهار هفته پس از وضع
حمل ۰ ۹- ایجاد کمیته های کارگری در کارخانجات با داشتن حق مداخله
در تنظیم روابط کارگرمای صاحب کار، حق تفتیش در تولیدات ۰

مسئله ملی در این ترم مقام شامی را داشته. در ترم آمده: " ایران
مملکتی است که ملل متعدد در آن سکنی دارند و این سبب توده زحمتکش
مملکت ما باید باین مسئله توجه مخصوصی معطوف نماید " ۰

حزب کمونیست ایران ملل کرد، عرب و سایرین را از انتریکهای عمال
انگلیس برحد رهنموده معتقد است که تمام ملل اقلیت با تمام عناصر دموکرات و انقلابی
بی ایران یکجاده مبارزه میتوانند به هدف ای خود برسند. حزب طرفدار آزادی
اقلیتهای ملی تا حد جدائی است، ولی در عمل پیشنهاد وحدت آنها مطرح
است تا با هم متحد شده تمام ایران را از چنگ ارتجاع داخلی و خارجی آزاد
نماید. ۰ لازم است که ملاحظا طرد است که بدون اتحاد همه قوای انقلابی فتح
و غلبه بر دشمنان طبقاتی، بر طبقه ملاکین و خوانین غیر ممکن و محال بوده ۰
بوسیله اتحاد و جمع آوری قوای انقلابی همه ملل ایران ممکن است با استخلاص
کامل از تحت ظلم جبارهای خود نائل شود ۰ — در ترمهای حزب صحبت
از انترناسیونالیسم پرولتری از همکاری و همبستگی با ملل مستعمرات سخن رفته
که شعار همیشگی حزب کمونیست ایران بوده است ۰

در ترمها شعار جمهوری انقلابی فدرا ل در بین آمده، بد یکرسخن هد
از حکومت فدرا ل تمام خلقها در یک کشور دموکرات و مستقل است. فرمول حکومت
ست چنین است: " حکومت جمهوری فدرا ل ملی " (آزروگرام عملیات حزب
کمونیست ایران، از تصمیمات کنفره دوم) ۰

پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

سندی تحت عنوان: "قطعنامه پلنوم دوم کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران درباره فعالیت هیئت سیاسی بتاريخ بهمن ماه ۱۳۰۸ (ژانویه - فوریه ۱۹۳۰)" (۱) چاپ شده است که متأسفانه متن فارسی آنرا بدست نیاوردیم و ترجمه آزاد از ترجمه روسی آنرا در اینجا برای اطلاع خوانندگان میاوریم. اینک مواد قطعنامه: ۱- پلنوم دوم گزارش فعالیت سیاسی و سازمانی هیئت سیاسی و دبیران را تأیید میکند. ۲- پس از کنکره دوم حزب پیشرفتهای چشم گیری در سازمانهای حزب دیده میشود. این پیشرفتهای دارای جنبه های کمی و کیفی است. از آنجمله تاسیس سازمانهای حزبی در مراکز کارگری مثلا در خوزستان، مازندران، خراسان، اصفهان و غیره. همچنین تصفیه حزب از عناصر غیر کمونیستی و عناصر خرده بورژوازی. ۳- طی این دوران حزب از دو امتحان مهم گذشته است. و در تاریخ حزب این دو حادثه قابل ذکر است: اول؛ نمایش اول ماه مه سال ۱۳۰۸ (هدف از نمایش پرپسا داشتن جشن اول ماه مه در تهران است. مولف) دوم؛ اعتصاب کارگران نفت جنوب در سال ۱۹۲۹. ۴- در همین دوره حزب تصمیم گرفت در خارج از کشور شروع به انتشار جراید حزبی خود بنماید. (مجله "ستاره سرخ" انتشارات سایرنشریا - حزبی روزنامه "پیکار" پس از پلنوم منتشر شد. مولف) ۵- موضوع تربیت سیاسی افراد حزبی در برخی مراکز سازمانی مادرتبریز، خراسان و غیره این عمل پس از کوششهای هیئت سیاسی پیش آمد، که از طرف پلنوم ارزشیابی مثبت میشود. ۶- در همین دوره سازمان جوانان کمونیست ایران دو باره احیاء و فعالیت خود افزوده است. ۷- در همین دوران در حزب و میان افراد حزبی تحول مهم از لحاظ ایدئولوژی و تاکتیک مشاهده میشود. حزب توانست نقائص و اشتباهات ایدئولوژیک افراد حزب را رفع نماید (مانند اشتباهات بولتن جراید "شرقی وسطی" شماره ده و یازده سال ۱۹۳۱ چاپ تاشکند. ضمناً بایستی گفت که در آن ایام واژه "فرقه بجای" حزب "بکار میرفته است.

هنگام انتخابات مجلس دوران هفتم) از طرف دیگر پلنوم کمیته مرکزی با وجود پیشرفت‌های فوق نقائص فعالیت هیئت سیاسی و سازمان‌های حزبی را در زیر می‌آورد:

- ۱- توجه کافی به اتحادیه کارگران نشده؛ ارتباط مرکزی سازمان‌های محلی هنوز درست حفظ نمی‌شود؛ ۲- سواد سیاسی افراد حزب بحد کافی نیست؛ ۳- نشریات حزبی در کشور اندازه کافی نیست. پلنوم معتقد است که کار و وظیفه فوری هیئت سیاسی و سازمان‌های مربوطه حزبی عبارتست از: ۱- ۰۰۰۰۰۰ (ماده اول از لحاظ پنهان کاری چاپ و منتشر نشده است)؛ ۲- کوشش برای تأسیس سند و قهای تعاون اتحادیه‌ها لازم است. ۳- ۰۰ (ماده سوم نیز از لحاظ پنهان کاری منتشر نشده)؛ ۴- بایستی در تمام ایران بخصوص در مراکز کارگری اتحادیه‌های کارگری تأسیس نمود. ۵- بایستی برنامه فعالیت حزبی برای مدت معین از پیش تنظیم و عملی کرد. ۶- لازم است بودجه ثابتی برای کمیته مرکزی و سازمان‌های محلی تنظیم و تصویب کرد. ۷- تمام افراد حزب موظف اند؛ وضع سیاسی اقتصادی و اجتماعی محل را خوب مطالعه و درک نمایند. سپس در این زمینه گزارش‌هایی به کمیته مرکزی ارسال دارند. (اصل سند در مجله "ستاره سرخ" شماره‌های ۷ و ۸ سال ۱۹۳۰ چاپ شده است.)

در باره سومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

پس از سومین پلنوم کمیته مرکزی، بیانیه ای تحت عنوان "خطاب کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران بتمام کارفران و زارعین و زمینکشان ایران" منتشر شد. این خطاب در روزنامه "نهضت" شماره یک بجای رسید. (۱) خطاب فوق اطلاع میدهد که جندی قبل از این سومین جلسه عمومی کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران جمع کردید و تصمیم گرفت که در روزنامه "نهضت" شماره یک ابلاغیه زیر چاپ نماید. در این خطاب (۲) از جمله گفته میشود که حکومت رضا شاه یک حکومت سرپا ارتجاعی است. در حال حاضر صد ها کودک عزیزان خود را ز دست داده اند. صد هاتن از پادشاهات ترین اولاد وطن در جبرها زندانی هستند و طی ۱۵ یا ۱۶ ماه اخیر ده هاتن افراد زیر شکنجه جان داده اند. رژیم جاسوس در زندانها مردم را مسوم میکند. اعزام سربازها بدات و تهاجمات سربازها به قبایل ادامه دارد. هیچکس به فردای خود مطمئن نیست مسوم کردن مردم بهرتاب کردن افراد سیاسی از تویوسها و انواع دیگر جنایات انجام میگردد. ملت غارت میشود، راه آهن بنفع امپریالیسم ساخته میشود. اسلحه از بیرونیازی چکوسلاواکی برای ایران خریده میشود. بانک انگلیس ایران را غارت میکند. لیره انگلیسی را ترقی دادند و از این راه انگلیسها در حدود ۳ میلیون لیره هستی ملت ایران را غارت کردند. اداره نفت جنوب سه فقط تعداد کارگران را کم کرده بلکه بانها کوچکترین کمکی نکرده. سابق بر این اداره نفت سالی ۲ میلیون لیره برای حقوق کارگران وارد ایران میکرد و حالا لیره را گران کرده و یک و نیم میلیون وارد میکند. دولت ملاکین، تجار بزرگ با انگلیس یکی شده و مملکت را غارت میکنند، رژیم تحت نفوذ انگلیس است. کارمندان دولت، مجلس، جراید آلت دست انگلیس اند. با انحصار تجارت میخوانند تجارت با شوروی را ضعیف یا از بین ببرند. محصولات نفتی را انبار می نمایند تا موقع جنگ

(۱) پس از توقیف "پیکار" روزنامه "نهضت" بجای "پیکار" چاپ و منتشر میشود.

(۲) از روزنامه "نهضت" شماره ۱ خرداد ماه ۱۳۱۰ مطابق ۱۰ ماه مه ۱۹۳۱.

علیه شوروی بکار برند . تصرف بحرین ایجاد تنگه گاه هوایی برای آماد کسی
چنگ، علیه شوروی است . مرکز مهمی در بند شاه میسازند . اتصال راه آهن
ایران باره آهن حیفا بغداد نیز از نقشه های امپریالیسم است . این استحکام -
مات و موسسات جنگی را تا سرحد شوروی رسانده اند . مثلا از بودجه دولت
۵٪ برای معارف خرج میکنند ولی قسمت عمده بودجه خرج خریداری اسلحه
میشود . نقی زاده در مجلس تمام این عملیات را عادی و خود را فرد ملی ، وطن
خواه معرفی میکند . آقایان جمهوری خواهان حقیقی و کارگران و تمام کسانی که
علیه امپریالیسم اند زندانی کرده اند . تمام جمهوری خواهان واقعی - کار -
گران ، دهاقین و ملیون واقعی را با سوس ، نوکروس ، معرفی میکنند . در صورتی
که خود آنها آلت بد و ن اراده امپریالیسم هستند . این آقایان حربه کثیف
شبهت رایبکار میبرند . وزیر ، و کلا ، در بارهها برای روزیها اطلاع ، در لارذ خیره می -
کنند . از طرفی هم ارتش و پلیس را تقویت میکنند . یکی از مستشاران آلمانی
پیشنهاد کرد که تمام اسبازد ولت را از این آقایان گرفته بد ولت تحویل دهند .
اوراد یوانه جلوه داده و مجبورش کردند استعفا دهند .

وضع دهات پیشه ایت رقت بار است . آب در دهات نیست . کارگرها
با وضع بدی زندگی میکنند . نمیشود این وضع را تحمل کرد . نمیشود با وضع
کردن ین سلسله توانین کشور را اصلاح کرد . شورشیان دهقان در شمال و
ایلات جنوب باید درک کنند که بد و ن سرنگون کردن رژیم جاره ای برای این
وضع نیست .

۸ ساعت کار برای کارگران بایستی رسمی شود . جمهوری کارگران و
وزارین باید برپا شود . از طرفی هم اشاره میکند که : شاه ایران نیز مانند
الفونس یا د شاه اسپانیا باید برکنار گردد . حزب کمونیست ایران امروز گانه
حزبی است که بد و ن ملاحظه تلفات در مبارزه علیه امپریالیسم و مرتجعین ،
پیکار میکند . این رژیم فئودالی نمیتواند دوام داشته باشد . انقلاب اساسی
برای کشور لازم است یعنی انقلابی زراعتی علیه فئودالیسم .

کارگران از طلوع آفتاب تا غروب کار میکنند . بایستی ۸ ساعت کار برای
آنها برقرار شود . رفتای کارگر در شرایط کمونی بر شماست که انقلاب ملی را
در مملکت به عهده گیرید . اتحادیه های سری خود را قوی کرده توسعه دهید .
کمیته های تولیدی در هر کارگاه که پیش از ده نفر کارگردارد تاسیس نمائید .
برای ۸ ساعت کار ، اضافه مزد ، محو کردن جراثیم و بهبود زندگی خود مبارزه کنید .

د هفتانان اِکمیته های سری برای مبارزه برضد مالکین، برضد مالیاتهای سنگین علیه مامورین غارتگریی بدست آوردن زمین و آزادی تشکیل د هید. کارگران و د هفتانان همکاری شما واجب است. سرایان اِشما فرزندان ملت، فرزندان کارگرد هفتان و کسبه هستید. علیه ملت قیام نکنید. حرف فرماندهان خود را قبول نکنید. در قشون علیه د هاقین و ایالات اطاعت از افسرها نکنید. هنگام اعتصاب کارگران همانطوریکه در آبادان در سال ۱۹۲۹ دیده شد علیه آنها اقدام نکنید. کمیته های مخفی در ارتش انتخاب کنید. سپس خطاب به تمام جمهوری طلبان ایران گفته میشود: کمیته های مخفی برای مبارزه برضد رژیم پهلوی تشکیل د هید. برای آزادی قلم، اتحادیه و مجامع مبارزه کنید.

جمهوری خواهان همراه کارگران باید عفو تمام محبوسین سیاسی را طلب کنند. اخراج انگلیسها از بحرین و سواحل جنوب، مصادره کلیه معادن نفت جنوب بنام ملت و وظیفه حتمی است. بالاخره الغای تمام امتیازات استعمار لازم است. برای اینکار به اقدامات و تبلیغات عمومی شروع نمائید اِبیروق سرخ را سرفراز نگاهدارید آزادی ملت، فتح انقلاب و ترقی سریع اقتصاد و خاتمه دادن به استعمار انگلیس وظیفه ما است. براقند ه باد حکومت منحوس پهلوی تکیه گاه اِمپریالیسم انگلیس اِ پست باد حکومت یک مشت ملاک و رباخوار اِ زنده باد انقلاب ملی حقیقی و جمهوری کارگران و زارعین اِ زنده باد بین العلیل کمونیستی ستاد انقلاب دنیا و پیشقدم رنجبران - اتحاد جمهوری شوروی (امضا) کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران : ۲۴ خرداد ماه ۱۳۱۰ مطابق ۱۵ مه ۱۹۳۱

این بیانیه در خرداد ماه ۱۳۱۰ تنظیم و منتشر شده یعنی درست هنگامیکه سازمانهای حزبی ماد رخواستان، تهران و آذربایجان تارومار شده و سازمانهای دیگر تارومارشان ادامه داشت.

در سندن در باره جنایات رژیم نسبت به زندانیها بیش از حد غلصو شده. درست است که رژیم طی مدت طولانی باعث مرگ خیلی از رفقای ما شده ولی نه در ماههای اول. زجر و شکنجه جسمی و روحی اسلحه رژیم بوده. بنظر نویسند ه این سطور (که در آن ایام در زندان بسر میبرد) وضع ایران را درست ارزیابی نموده. بد رستی گفته شده که رژیم باد ستورا استعمار طلبان انگلیسی آماده جنگ علیه شوروی میشد. بیانیه توده ها را از این جنایت آگاه نموده در فکر تجهبیز توده هاست. در بیانیه بد رستی شعارهای ضد اِمپریالیستی

داده شده است مانند مصادره کلیه معادن نفت جنوب بنام ملت * * اخراج امپریالسم انگلیس از بحرین و سواحل جنوب الغاب * تمام امتیازات حق شکنانه استعماری * بایستی گفت در آن ایام حتی قبل از آن یثانه حزب انقلابی که شعار ملی و ضد امپریالیستی میداد همانا حزب کمونیست ایران بود که نشان داد حافظ واقعی حقوق ملی ایران است * این فقط در حرف نبود ، بلکه با جان و دل بود ، با از دست دادن افرادی زیاد از حزب برای منافع ملت ایران بود * صد هاتن در سیاه چاله امپریالیستی نذراندند و عده ای هم تلف شدند *

در عین حال حزب کارگران ، دهقانان حتی جمهوری خواهان را به مبارزه و وحدت ملی تشویق میکند تا در واقع یک جبهه همگانی ملی بسازد استقلال و آزادی ایران بوجود بیاید *

در این بیانیه با اینکه شعار وحدت ملی یعنی همکاری با عناصر جمهوری طلب داده شده که معنی اش همکاری با عناصر ملی ، مترقی ، دموکرات است یک شعار چپ مربوط به جمهوری کارکرد همانان نیز آمده است که درست نیست *

لغو قرارداد نفت جنوب

مظفرالدین شاه قاجار نفت جنوب را به داری نامی امتیاز داد و او در مقابل متعهد شد سه ساله مقدار ناچیزی بپول ببرد از د. شاه و مشاورانش درک نمی کردند. این نفت چه اهمیتی در اقتصاد جهان دارد. این امتیاز از طرف مجلس ایران اصلاً تأیید و تصویب نشد. در واقع در حد و بدبست سال انگلیسها بطور غیرقانونی ثروت ایران را به غارت میبردند. پس از مظفر - الدین شاه هیچ وزیر و نخست وزیری جرئت تأیید و تصویب این امتیاز نداشت لغو قرارداد از طرف رضاشاه نه بمعنی لغو بود بلکه او این امتیاز اسارت آمیز را قانونی کرد که این خود خیانتی بود بزرگ ب مردم ایران. هنگامی که در اواخر ۱۹۳۳ رضاشاه قرارداد را لغو کرد، نیک میدانست که نفت چه کتج بزرگی است که کیانی نفت انگلیس آنرا غارت میکند. او نقش نفت را در چپنا درک کرده بود. برای پوشاندن این خیانت خود تبلیغات گسترده ای بنفع خود برآورد. او وضع متزلزل خویش را تحکیم بخشد و خود را "قهرمان ملی" وانمود کند. علی دشتی دستیار امپریالیستها حتی این عمل رضاشاه را عملی "انقلابی" نامید. کاسه لیسان بخصوص جراید خائن میخواستند بگویند رضاشاه چنان قائد مقتدر و مبین پرستی است که باد ولت بزرگی مانند امپراطوری انگلستان بنبرد برخاسته است. اما این همه عوام فریبی ها برای آن بود که خیانت رضاشاه را بپوشانند. در مجلس دوران چهاردهم دکتر مصدق گفت: که تقی زاده وزیر مالیه وقت خیانتی به ایران کرده که هنوز ما در هر تظلم او خائنی نژائیده بود. این درست است که قرارداد را تقی زاده خائنانسه امضا کرد. اما البته مسئول شماره یک در این خیانت رضاشاه است و پس از او تقی زاده. و هدف دکتر مصدق هم از بیان این تلویحاً همین بود. مخبر السلطنه نخست وزیر سابق در کتاب خود بنام "خاطرات و خطرات" اشارت به مطلبی میکند که کم اهمیت نیست. در آنروزها رضاشاه دستور جمع آوری تمام اسناد مربوط به نفت جنوب را میداد تا با اصطلاح "پدر انگلیسها را با این اسناد در

آشنا سازیم. عنوان بیانیه بقرار زیرین بود "خطاب به کارگران! بجموع زحمت -
کشان ایران! رفقا! برادران"

در بیانیه گفته شده که دو ماه پیش حکومت ایران قرارداد نفت جنوب را لغو کرد. سپس "درد و رازان جنگ انگلیس خواست ایران را مستعمره" خود کند "ولی نهضت انقلابی نگذاشت". فرقه کمونیست ایران بشما مینویسد: "فقط قوه" محجزه آسای ملت، فقط توده" زحمتکش در مبارزه بی امان انقلابی خود برضد امپریالیسم انگلیس قادر است مبارزه به آخر برساند". سپس کمیته مرکزی اشاره بدان میکند که "حالا موقع آن رسیده که در مقابل فشار امپریالیستی انگلیس یک کمیته عامل ضد امپریالیستی تشکیل شود تا بتواند توده زحمتکشان را در زیر بیرق خود جمع نماید مبارزه مستقیم توده را برضد استعمار انگلیس رهنمائی کرده توده را در اطراف خود شعارهای زیر گرد آورد:

۱- تصرف فوری موئسسات نفتی که حالیه در تصرف کمپانی نفت انگلیس است. ۲- تا موقعیکه کشتی های جنگی انگلیس در خلیج فارس است تا موقعیکه پلیس مخصوص کمپانی در نواحی نفت وجود دارد هیچگونه مذاکره با انگلیسها نباید بیان آید. ۳- تحویل دادن جزیره" بحرین به ایران و خارج شدن قشون انگلیس از آنجا. ۴- الغای کل دیون ایران بانگلیس. ۵- قطع عملیات بانک شاهنشاهی که یکی از اعمال عمده" امپریالیسم در ایران است. ۶- تحریم امتعه" انگلیسی و تشکیل کمیته" تحریم امتعه" انگلیسی."

بیانیه پیشنهاد میکند که برای عملی کردن این شعارها که یگانگیه طریقه" مبارزه" مؤثرتر رشد انگلیس است، تمام زحمتکشان ایران به مبارزه و وحدت دعوت بشوند. در بیانیه شیوه و عمل رضا شاه چنین تشریح میشود: "اگر مساعدت و چشم پوندی حکومت رضاخان که منگی به ملاکین و تجار معمول است در بین نبود، امپریالیسم انگلیس هرگز نمیتوانست مقامات مهم اقتصاد خود را در ایران حفظ نماید. در اعتصاب کارگران نفت جنوب پلیس و قشون رضا شاه دوش بد و ش اعمال انگلیس بروی کارگران ایران تیر خالی نموده آنها را حبس و تبعید نمود. رضا شاه حافظ منافع لرد های انگلیسی است و برای این راه جلادی نسبت به کارگران ایران را پیش گرفته است. رضا شاه ظاهرا" خود را مبارز علیه شرکت نفت جنوب اعلان میکند اما او حافظ منافع ملت ایران نیست. او با انگلیسها "چانه بازی" راه انداخته و ملت هم آنستکه حکومت رضا شاه در زیر فشار توده و بحران اقتصادی و تنگدستی خزانه" دولت از یاد آورده.

آورده آنها را محکوم کند. ولی روزی دستور داد همین اسناد را بسوزانند. ظاهرًا میخواست بگوید که "من آنقدر معتد رهستم که این اسناد" و حتی خود انگلیسها را میتوانم بسوزانم. اما هدفش در واقع از بین بردن این اسناد محکوم کننده بود. این داستان است که در ایام توقف نگارنده در زندان قصر، تیغور تاش آنرا منتشر کرده بود و او در این مسائل اطلاعات زیادی داشت. بزرگترین دلیل خیانت رضا شاه آن بود که موافق قرارداد تازه ای که منعقد نمود، مدت امتیاز زیاد کرد، وضع جهانی طوری بود که امپریالیستها آماده حمله به شوروی میشدند. در سال ۱۹۲۰ حزب با اصطلاح "صنعتی" را مزین عامل پیروزآوری در شوروی مورد محاکمه قرار گرفت. در آن ایام فاشیسم بوسیله امپریالیستها تقویت میشد. در ایران نیز ارتجاع مشغول فعالیت شد. با همکاری و دستور انگلیسها و امپریالیستها رضا شاه حزب کمونیست ایران را تار و مار کرد. زندانها را کمونیستها پرید. یعنی با این عمل میخواست عناصری را که می توانستند علیه این سیاست ویر ضد سیاست جنگ طلبانه علیه شوروی مبارزه کنند از سر راه بردارد. بنابراین امپریالیستها بهترین و مناسبترین فرصت را پیدا کردند تا امتیاز نفت خود را هم قانونی و هم تعدید کنند. انگلیسها جنگ را پیش بینی نموده میخواستند از حیث نفت که برای آنها اهمیت حیاتی داشت خود را تأمین نمایند. اتفاقاً این دردوران بحران جهانی سرمایه داری بود ظاهرًا مرآن بود که شرکت نفت مقدار ناچیزی سهمیه برای ایران تعیین کرد. با اینکه ایران سهمیه ناچیزی از نفت بدست میآورد ولی در این سال این مقدار هم بطور عجیبی پائین آمد. آنروزها یگانه سازمان مشکلی که می توانست علیه رژیم رضا شاه و سیاست خیانت آمیزش مبارزه آگاهانه و موثر کند حزب کمونیست ایران بود. ولی کمونیستها اکثرًا در زندانها بسر میبردند. با اینکه تمام مردم ایران علیه شرکت نفت انگلیس بودند ولی چون در کشور رژیم پلیسی سختی حکمفرما بود، قادر به تظاهرات و نمایشات نشدند. گروه کمونیستها تکیه هنوز زندانی نشده بودند و کمونیستهای ایرانی که در خارج بسر میبردند، عده دانشجویان در خارج که تحت رهبری حزب کمونیست فعالیت میکردند دست فعالیت زدند. عده زیادی کمونیست و سمپاتیها تیزانیکه در زندانها بسر میبردند بین هزاران زندانی سیاست خائنانه رضا شاه را فاش میکردند. کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بیانیه ای در این باره منتشر کرد، ماسعی میکنیم خوانندگان این جزوه را با مندرجات آن

راه دیگری برای اویاقی نمانده، رضاشاه ابتدا در فکر استقلال کامل نیست، هر قدر هم خود را بلباس "قهرمان ملی" درآورد برای او موضوع نفت حفظ موضع انگلیس مطرح است. رضاشاه در فکر آن نیست که انگلیس را از ایران خارج کند، رضاشاه در این وضع تنگنا هدفش آنستکه "مبلغی بعنوان سهم دولت دریافت دارد، دلیل عمده ما آنستکه رضاشاه فریاد میکند که حاضر است با کمپانی با شرایط مساعد تری قرارداد جدید به بندد" لذا او را انگلوفیل معروف را به سوی فرستاده تا مسئله نفت را در جامعه ملل ضمن معامله تازه - ای "حل کند" در این بیانیه، حزب کمونیست ایران بتوجه ها اخطار میکند راهی که حکومت رضاشاه در پیش دارد راه تسلیم محض است و راه خیانت. نظر حزب کمونیست آنست، هنگامی مبارزه علیه امپریالیسم فاتح خواهد شد که مطالبات توده، ملت بخصوص کارگران راجع به آزادی کامل تشکیلات سیاسی، آزادی کامل نطق، آزادی کامل مطبوعات، آزادی اجتماعات و نمایشات، آزاد کردن محبوسین سیاسی انقلابی، لغو قانون راجع به تعقیب انقلابیون عملی شود. لازم است کارگران و دهقانان در تمام نهضت های ضد امپریالیستی اشتراک ورزند و مبارزه برای بهبود وضعیت اقتصادی خود دست زنند. کارگران و دهاقین باید بدانند که فقط با فتح آنها یعنی با اوژنونی حکومت رضاخان و برقراری حکومت کارگران و دهقانان استقلال کامل ایران با برچیدن نفوذ و مظلالم امپریالیستها تعیین خواهد نمود.

مبارزه بر ضد امپریالیسم ارتباط کامل با مطالبات روزمره توده ایران دارد. سپس کمیته مرکزی شعارهای مخصوصی برای کارگران و دهقانان پیشنهاد میکند مانند: تقلیل ساعات کار، ازدیاد اجرت کار، قانون حمایت از حقوق کارگران، تشکیل اتحادیه های کارگری، بهبود وضع مسکن کارگران، تساوی حقوق کارگران ایران و کارگران غیر ایرانی، پرداخت مدد معاش پسرای بیکاران.

در بیانیه آمد است: دهقانان ایران که در اسارت زیست می کنند در ضمن مبارزه خود علیه امپریالیسم برای بهبود اقتصادی خود، برای کسر مال الاجاره اربابی و تخفیف مالیات کوشش می نمایند، دهاقین لغو قروض را به مالکین و رباخواران را لغو و رسومات و تعارفات فئودالی را مطالبه می نمایند.

در بیانیه تاکید میشود: "مهمترین رل را در این مبارزه قهرمانان

کارگران نفت جنوب سال قبل بر ضد امپریالیسم انگلیس و سپس ارتجاعی رضاخان نشاء دادند. شما داری نقد رتی هستید و میتوانید شجاعانه حقوق خود را مطالبه نمائید و بایستی مبارزه خود را ارتجدید کرده قوت دهید، شما داریان پیشقراول با افتخار نهضت انقلابی میباشید. شعرا اصلی ما اینستکه باید کارگران نفت جنوب را زیر یک بیرق جمع نموده یک صف واحد تشکیل داد. شعار مهم کمیته مرکزی عبارت از اعلان اعتصاب عمومی، و این فقط وظیفه کارگران نفت جنوب است. با اینکه کمپانی نفت جنوب برای کارگران هندی، عرب و ارمنی برخی برتری قائل است، معبدا آنها را هم بیرحمانه استعمارینماید. کمیته مرکزی باین کارگران خطاب نموده یاد آور میشود: "منافع شماها هم با کارگران ایرانیست توام و یکسان است، زیرا گذشته از اینکه شما را هم سرمایه داران انگلیسی استعمار میکنند، ممالک شما هند و عراق هم در تحت رقیبت امپریالیسم انگلیس است بدین جهت هر ضررت به امپریالیسم انگلیس، قدمی برای آزادی ملی ممالک شما نیز میباشد." در خاتمه گفته میشود: "زحمتکشان ایران با فرونت واحد ضد استعمار کمپانی نفت جنوب و استقلال کامل مملکت مبارزه نمائید، کمیته های عمل ضد امپریالیستی ایجاد کرده شعارهای فرقه کمونیست را شعار خود ساخته در عملی کردن آنها جاد و جهد نمائید." محو یاد خائنین سرسپرده که مشغول قرارداد و گفتگو مخفی هستند تا منافع ثروت ایران را از نیوفروشند. زنده باد حکومت کارگران و دهاقین. (۱)

این بیانیه که ما آنرا با کمی تلخیص آوردیم، هنگامی تنظیم و منتشر شده که اکثر سازمانهای حزب کمونیست ایران، اتحادیه های کارگری کسه تحت نفوذ این حزب فعالیت میکردند تا رومارشد بودند. صدها و صددها اعضای حزب و همین مقدار شاید هم بیشتر سمپاتیهای حزب در زندانهای ایران بسر میبردند و مبارزه میکرد. یعنی هنگامیکه وضع کشور بحرانی و مردم را ترسانده بودند، کسی جز کمونیستها در مقابل ارتجاع یارای اعتراض و مقاومت نداشت. از همه مهتر آنستکه هیچ حزب ملی یاد موکرات دیگری در ایران اظهار وجود نمیکرد مگر کمونیستها.

کمونیستها در آنروزها چه در ایران و چه زندانهای ایران وجه در مهاجرت (بخصوص نهضت کمونیستی ایرانیان و نهضت دانشجویان در اروپا)

(۱) مطالب بیانیه با کمی تلخیص از روزنامه "پیکار" شماره ۲۱ بهمن ماه

۱۳۱۱ (۱۵ فوریه ۱۹۳۳) نقل شده است.

پرچم مبارزه را بلند نگه داشته مردم را برای مبارزه همگانی دعوت میکردند. این بیانیته ظاهرا مربوط میشود به امتیاز نفت جنوب و يك مبارزه ای بود اقتصادی بنفع مردم ایران علیه امپریالیسم انگلیس. اما در درجه اول مبارزه ای بود سیاسی برای استقلال، آزادی و دموکراسی ایران. لبه تیز این مبارزه علیه امپریالیسم انگلیس از يك طرف و علیه رژیم دست نشانده امپریالیسم یعنی حکومت رضا خان از طرف دیگر بود. آنچه جالب و ارزنده است آنستکه این مبارزه جنبه همگانی ملی داشت و افتخار مبارزه ملی و رهبری آنرا کمونیستها کسب کرده بودند. در واقع مبارزه فقط برای بهبود وضع طبقه کارگر نبود بلکه منافع تمام ملت مطرح بود، از این رو این حزب کمونیست ایران بود که مظهر مبارزه و بصورت سخنگوی تمام ملت درآمده بود.

درست است که تمام ملت روحا علیه امپریالیسم بود، اما در عمل نیروی متشکل ملی دیگری وجود خارجی نداشت مگر حزب طبقه کارگر ایران. نه فقط در این بار بلکه در دوران اعتصاب کارگران نفت جنوب که در دوران کنگره دوم حزب کمونیست و قبل از آن هم این کمونیستهای ایران بودند که با اشکال مختلفه شعار ملی کردن نفت جنوب را مطرح و روی این پایه عملا مبارزه کردند و در این راه صدها قربانی داده اند.

روح بیانیته نشان میدهد که تنظیم کنندگان معتقد اند که این مبارزه مربوط به تمام ملت ایران بوده. در اینصورت لازمه این کار آن بود که خطاب نه فقط زحمتکشان بلکه به تمام ایران هم خطاب میشد. متاسفانه در بیانیته این کمبود بچشم میخورد.

با اینکه در برخی جاهای بیانیته صحبت از وحدت تمام ملت بیسیان آمده و این اندیشه درستی بوده ولی نتیجه گیری از آن نمیشود، لازم بود بطور مشخص شعار جبهه واحد ملی مطرح و پیشنهاد میشد که در این جبهه نه فقط کارگر و دهقان بلکه طبقات متوسط بورژوازی ملی نیز میتوانند وارد شوند. ما دیدیم در اعتصاب کارگران جنوب مردم شهرنیز به اعتصاب پیوسته اینان همان طبقات متوسط جامعه بودند. پس چرا در بیانیته شعار جبهه واحد ملی مطرح نشد.

حزب ما بد رستی شعار تحریم امتعه انگلیس را در بیانیته مطرح کرده است. این شعار درست و مهم بوده، بنابراین خود این شعار معنی جبهه واحد را میرساند. در همین حال اشاره میشود کدام طبقات و قشرهای جامعه

بایستی در این جبهه، واحد دعوت بشوند. این برخی نقائص بیانیه بود. ما میبینیم باز اینجا مانند اکثر اسناد حزبی شعار چپ و خلاف تصمیمات کنگره دوم حزب "حکومت کارگری و دهاقین" مطرح شده. در بیانیه شعارهای روزگارگری درست مطرح شده است. ولی در باره دهاقین خیلی ضعیف اشاره شده. حزب بطور صریح شعارهای خود را مطرح نکرد، در صورتیکه در اغلب اسناد حزبی اشاره بدان شده است. از قبیل مصادره املاک مالکین و تقسیم مجانی بین دهاقین، لغو اصول و مناسبات فئودالی و غیره. بعلاوه شعارهای محدودی که برای دهقانان داده شده شیوه طرح آن روشن نیست. در آنجا گفته شده که دهاقین کوشش جد و جهد برای فلان شعار میکنند. در صورتیکه شعار بایستی صریح و قاطع باشد.

در بیانیه به علت لغو قرارداد از طرف دولت رضاشاه اشاره شده اما معنی این قرارداد در واقع هدف دیگری داشته. یعنی بزرگترین خیانت رضاشاه آنستکه قرارداد را بسته سپس از طرف مجلس تصویب کرده، این بزرگترین خیانت پملت و بزرگترین خدمت به امپریالیسم بوده. دیگر اینکه بزرگترین خیانت باز در آنستکه مدت قرارداد را تمدید کرده است. اما محتوی خود قرارداد داد آن بود که ثروت مملکت را بر ایگان به امپریالیسم تحویل داد. مدتها بعد یعنی پس از بیست سال پسر او محمد رضاشاه نفتی که ملت اسناد ملی شدن نفت را لغو کرد باز نفت را به امپریالیستها برای حفظ تخت و تاج خود فروخت و خیانتهای پدرش را چندین برابر تکرار کرد.

البته نقائص یاد شده در بیانیه از اهمیت تاریخی آن نمی کاهد. در آن ایام کمونیستهای ایران نمی توانستند دارای دید واقع امروزی باشند. این محدودیت دید از جهش تاریخی تا حد زیادی ناگزیر بود. برعکس بیانیه یاد شده سند بزرگ و افتخار آمیزی در دست کمونیستهای ایران است زیرا تنهاسا بانگ رسائی بود که از روی آگاهی و درک سیاسی از طرف مردم و بسود مردم بلند شده بود.

بحرین نباید مستعمره انگلیس شود

در مجله "بولتن جراید شرق" (۱) در بخش "از اسناد حزب کمونیست ایران" ترجمه "کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران" به روشی چاپ شده است. نکات عمده این بیانیه را در اینجا میآوریم. سرلوحه بیانیه "پرولتاریای جهان متحد شوید" خود بیانیه تحت عنوان "بحرین نباید مستعمره انگلیس شود" در بیانیه گفته میشود: دولت آژمند لرد های انگلیس برای دفاع از هند و جلوگیری از انقلاب در خاور زمین برای تحکیم اقتصاد و سیاست و قدرت جنگی خود تکیه به تپهای ناوگان خود داده بحرین را مستعمره خود اعلان کرده است. بحرین علاوه بر ثروت سرشارش دارای اهمیت مهم استراتژیک است. هر د ولتی که بحرین را در دست داشته باشد معنی اش آنستکه او عملاً صاحب خلیج فارس است. مردم فلك زده و اسیر بحرین تحت فشار شاه، مالکین میباشند و در حال حاضر اسیر دولت انگلیس اند. دولت بورژوازی ایران فقط بایک اعتراض تو خالی بویج شکایت به "جامعه ملل" نموده است. "جامعه ملل" آلت بد و ن اراده زورگویان انگلستان است. دولت ایران از ترس قیام ملت اجازه نمیدهد تا تمام ملت از زورگویان انگلیس باخبر باشد. تا ملت بداند که چگونه انگلیس حقوق حق و ابتهدائی ایران را پایمال و سیاست جهانگیرانه خود را میخواهد عطفی کند تا جامعه ایرانی خود دست بنمایشزند و اعتراض نماید به تمام جهالتیان اعلام دارد که ایران مستعمره انگلیس نیست و بحرین عضولاینفك ایران است. بایستی مردم بحرین را از زیر یوغ خارجی نجات داد. دولت ایران جراید ملی را تحسنت فشار قرار داده، جلسات و تظاهرات را مضموم نموده.

از اینروز حتمتگشان ایران خبرند آرند که در باره شرفائی با مقدرات خلق بحرین و تمام ملت بازی میکند. جراید که چیره خورشاند حقایق را پنهان میکنند. مجلس ملاکین، فتود الها خود را نماینده ملت معرفی میکنند در صورتیکه تمام وکلا مجلس عملاً دشمنان قسم خورد ه ملت ایرانند. آنها در مجلس ساعتها درباره

(۱) "بولتن شرق وسطی" شماره ۱۲ سال ۱۹۳۱ تا شگند.

مسائل پوچ مشغول بحث اند، اما يك بار هم نشد كه از دولت سوال كنند كه دولت در باره این ادعا و زورگوشی انگلیسها چه میگوید؟

برادران! برادران بحرینی ماطی سالهای متعددی در باره ظلم و ستم انگلیسی بدولت ایران نالایق و جنایت کارشكایت کردند ولی این دولت يك بار هم بآنها پاسخ امیدبخش نداد. حالا موقع اسارت حقیقی جزیره كوچك و خلق آن فرارسیده است. این جزیره و خلقش به اسارت و استعمار انگلیس در میآید. برادران! به برادران بحرینی ما كوش دهید! آنها از یوغ انگلیس شكایت دارند و از شما كمك میطلبند. دولت امروزه ایران كه مطیع انگلیس است جواب دندان شكنی به دشمنان استقلال مانعید هد، خود ما بایستی ابتكار رابدست گیریم: در خیابان جمع شده بانگ رسای خود را بوسيله نطقها، مقالات، اعتراضات بسع هه، جهانیان برسانیم. بگوئید كه ملت ایران هیچ وقت حلقه اسارت را قبول نخواهد كرد. نخواهند گذارد كه بحرین مستعمره انگلیس شود. سپس شعارهای زیر را: دست انگلیس از بحرین کوتاه! "

"محو باد دولت متجاوز انگلیس و تمام دولی كه در مقابل خواستهای بیجسای انگلیس تسلیم میشوند". بیانیه مورخ ۱۱ مارس ۱۹۲۸ مطابق ۲۰ اسفند ۱۳۰۶ است.

نویسنده این سطور در موقع انتشار این بیانیه در تهران در جریان كار بوده و حالا جادارد كه بگوید های خود ما نراد را این قسمت چند كلمه هم كه شده بیان داریم. اكثر این بیانیه ها را با زلاتین چاپ و منتشر میكردیم. این بیانیه نیز در تهران چاپ و منتشر شد. شكی نیست كه بیانیه در آنروزها یگانه سندی بوده كه واقعا ملی و ضد امپریالیستی بود. یگانه سندی بود كه امیال مردم ایران را بگوش مردم و جهانیان میرساند. در این سند بد رستی مردم مراجعه شد، و پیشنهاد تظاهرات اعتراضی میشود، درست است كه این نوع تظاهرات جنبه ملی و همگانی دارند، ولی در جائی كه فقط صحبت از زحمتكشان ایران بیان میآید ناد رست است و نصفه كاره است. عیب بزرگ این سند در آنستكه میبایستی خطا به زحمتكشان، روشنفكران، كسبه و بورژوازی ملی میشد كه در سند دیده نمیشود. میبایستی بطور روشن و جدی تاسیس جبهه واحد ملی مطرح میشد. ارتجاع رژیم رضا شاه مانع توجه رشد و بوجود آمدن يك نهضت توده ای علیه انگلیس شد ولی هرایرانی روحا و محتاط طرفدار ملحق بحرین بایران بود. اما مطلب دیگری كه ممكن است خواننده را جلب كند. از قرار زیر میتواند باشد. آیا آنروز بحرین مال

ایران بوده یا تعلق به اعراب داشت؟ در آن ایام ملت ایران و جهان بحرین را مال ایران میدانستند. وانگهی اهالی بحرین بارها بدولت ایران رجوع نموده طلب کمک میکردند. (حتی اکثریت ساکنین بحرین هم اینطور فکر نمیکردند) اکثریت جدی و آگاه ساکنین بحرین توجه شان بطرف ایران بوده، اکثریت تام ساکنین بحرین، عراق، کویت و سایر کشورهای عربی دشمن سرسخت امپریالیسم انگلیس بودند. بازار ایران ظاهراً استقلالکی داشت. پس مردم بحرین ملحق شدن به ایران را خود آزاد شدن از مستعمره میدانستند. آنروزها ساکنین بحرین وضعی نداشتند که خود را مستقل اعلان کنند. از لحاظ تاریخی آنروزها اگر بحرین به ایران ملحق شده بود، در واقع به مراتب متری تر بود تا ردیف مستعمرات انگلیس بماند. بنابراین شعرا حزب کمونیست ایران که بحرین را مال ایران میدانست و طلب ملحق شدن به ایران را میکرد، پایه و اساسی داشت.

در آن ایام خلقهای گوناگونی در بحرین زندگی میکردند، از آنجمله ایرانی و اعراب از مناحق گوناگون دیگر. این خلقها همگی علیه امپریالیسم انگلیس بودند. در آن ایام اعراب بحرین موضوع ایجاد کت و عربی در بحرین را مطرح نمیکردند. این شعاری از جنگ دوم جهانی یعنی پس از شکست امپریالیسم آلمان و ژاپن و پیروزی سوسیالیسم پیش آمد که معنی اش توسعه و عیسق شدن دنیا له، فتوحات انقلاب اکتبر، رشد نهضت‌های ملی و استقلال طلبی خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین و تارومار شدن سیستم استعماری جهانی بود.

اگر بحرین به ایران ملحق میشد. شکی نیست که حزب کمونیست ایران که طرفدار حل مسئله ملی در ایران در چهارچوب ایران است، مانند سایر خلقهای ایران این مسئله را در بحرین حل و فصل میکرد. امروز شرایط دگرگون شده است و طبیعی است که موضوع بیانیه نیز از جهت تاریخی کهسته است.

نوشته‌های نظری حزب در سالهای سی

از اوایل سالهای بیست تا اواسط سالهای سی حزب کمونیست ایران رسالات مارکسیستی گوناگون نظری برای بالا بردن سطح معلومات کادرهای حزبی چاپ و منتشر نمود. برخی ترجمه‌های کلاسیکهای مارکسیستی (مارکس، انگلس و لنین) نیز ترجمه و منتشر شد. ضمناً جزئیات را افراد مسئول مانند سلطان زاده، ذره و دیگران درباره مسائل گوناگون مینوشتند و چاپ میشد. کادرهای حزبی آنها تیکه بزبانهای خارجی آشنائی داشتند، طبیعی است که کتب کلاسیکها را باین زبانها میخواندند. خود حزب دستگامی برای پخش این ادبیات دایر کرد که بطور مخفی وارد ایران میساخت و یا در غرب منتشر مینمود. در عین حال حزب تأحد و امکان در جرأید و مجلات خود برخی مسائل نظری را مطرح کرده است. از قبیل: محتوی انقلاب ملی ایران، مسئله ملی، برنامه حزب، مسئله جنگ جهانی، وظایف حزب و غیره. متأسفانه مادر شرایط فعلی نتوانستیم تمام نوشته‌های چاپ شده را بدست بیاوریم مگر برخی از آنها را.

نباید فراموش کرد در شرایط سخت ارتجاعی چاپ و انتشار کار مشکلی بود از همه مهمتر آن بود که در آن شرایط غیر ممکن بود آثار مارکسیستی را بطور منظم و همه جانبه منتشر نمود. بخصوص وقتی در نظر بگیریم با وضع مالی کسبه داشتیم امکان توسعه زیاد در این کار غیر ممکن بود. در خود ایران هم اکثر آبیانیها (که ما آنروز شبانه مینامیدیم) منتشر میشد. در تهران، مشهد و تبریز سه مجله که با دست نوشته و یا کاغذ کپی تکثیر میشد، نشر میافت. امروز برای ما مطالعه و ارزیابی این آثار از آن لحاظ مهم است که با تجزیه و تحلیلی این اسناد سطح آنروزی حزب را درک نموده و روند رشد حزب را ملاحظه خواهیم کرد. حزب کادرهایی از لحاظ علوم مارکسیستی نسبتاً سواد دی داشته ولی آنها نیز بیایستی سواد کادرها را در نظر گرفته و در سطح متوسطی مطلب بنویسند.

در "پیکار" مقاله ای تحت عنوان: "انقلاب ملی عبارت از چیست و چرا ما طرفدار آن هستیم؟" چاپ شده در مقدمه این مقاله آمده است:

" ما امید داریم که انقلاب آتیه ایران باید انقلاب با روح بورژوازی باشد .
و بعد از چنین انقلابی لازم است که تحولات دموکراتیک را اجراء نمود . چنین
تحولاتی نه تنها مانع رشد اصول سرمایه داری نخواهد بود بلکه بالعکس
برای اولین مرتبه راه جهت رشد سرمایه داری باز می نماید . صرف نظر از اینکه
رشد مزبور بمنافع طبقه بورژوازی تمام میشود ، ولی در عین حال مشاهده می-
نمائیم که کارگران هم از این ترقیات بی نصیب نخواهند ماند و آنها نیز در این
کار دارای منافع می هستند . سپس درباره انقلاب بورژوازی چنین توضیح داده
میشود : " انقلاب فلاحی و تقسیم کردن اراضی در بین دهاقین اولین قدمی
است برای ترقیات بورژوازی در انقلاب ملی . کارگران و زمینداران و طبقه
بورژوازی هر یک بنحیه خود ذینفع و علاقه مند هستند . معذالک مشاهده می-
شود که طبقه بورژوازی در عین حال طرفدار بقای يك قسمت از اقطاعانده های
اصول دوره فئودالی میباشد . از قبیل سلطنت و امثال آن . مخصوصا بورژوازی
در دوران امپریالیسم طرفدار جدی بقایای فئودالیسم میباشد . اما برعکس
کارگران همیشه طرفدار يك انقلاب ملی قطعی و يك مبارزه بی امان برای محو
کامل حتی کلیه آثار و غلایم اصول کهنه و فئودالی میباشد . این
است که هرگاه انقلاب ملی در تحت رهبری کارگران پاکمک و مساعدت زارعین
ایران صورت بگیرد آنوقت میشود با تمام معنی يك حکومت جمهوری ملی برای
خود ایجاد و تاسیس کند . "

سپس در مقاله سؤال زیر می کند : " چرا يك حکومت در تحت رهبری
کارگران و کفک زارعین ممکن است ایجاد کرد ؟ و پاسخ را چنین میدهد :
" برای اینکه این انقلاب بر ضد حکومت فئودالی و علیه ملاکین امروزه
ایران و بالاخره علیه اصول حکومت شاهي و خانخانی میباشد . طبقه بورژوازی
فوقانی ایران امروز اغلب علاقه و سستی تامی با زمین دارد . با واسطه راخوایز
علاقه مند به استثمار زارعین و بیگاری دهاقین میباشد . این است که طبقه
مزبور ابدان نمیتواند رهبر وقائد انقلابی بشود که نتیجه آن بر علیه منافع
خویش است . بنابراین چنین انقلابی را جز کارگروزارع نمیتواند رهبر و قائد
واقع شود . از طرف دیگر انقلاب ملی باید برای مملکت فایده بدهد یعنی هر
گونه آثار فئودالی و سلطنتی را محو و نابود کند بر ضد هرگونه سلطه و اقتدار امپری-
الیسم خارجی باشد . وسیعترین نمونه آن برای ثبوت این ادعا وجود خود
بانگ شاهنشاهی و عطلیات اود را ایران است . " سپس برای تأیید حرف خود
چند آماري از استثمار بانگ شاهنشاهی می آورد .

در مقاله آمده که سرمایه اولی بانک شاهنشاهی یعنی بانک انگلیس درید و تاسیس ۶۵۰ هزار لیره انگلیسی بود و از قرار سرمایه اش حالا هم همین است ولی طی این مدت ۳ میلیون لیره فایده برده . این بانک به خیلی از سرمایه داران انگلیسی اعتبارات زیادی داده . آنها در انگلستان کارخانه های زیادی تاسیس کرده اند . از سال ۱۸۹۰ تا سال ۱۹۳۰ بانک ۵،۶۲۲،۰۰۰ لیره بانگلستان فرستاده . از سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۸ بانک ۲۳،۱۸۵،۰۰۰ لیره بهره برده . نویسنده مقاله در خاتمه از آمار بالا ایسن نتیجه را میگیرد : " این پولها میتواندست برای ایجاد صنایع ایران بکار رود ، ولی متأسفانه به انگلستان رفت " . (۱)

بنظر نگارنده این سطور . اگر کشوری عقب مانده ولی نه مستعمره و نیمه مستعمره در آن کشور شعار انقلاب بورژوا دموکراتیک مطرح است اما اگر کشور مستعمره یا نیمه مستعمره بود در صورتیکه حامله انقلاب باشد ، در آنجا محتوا باید شعار انقلاب دموکراسی بورژوازی جمله ملی هم اضافه میشود . این جمله از آنجا برمیآید که در این کشور مبارزه ملی هم اضافه میشود چون کشور از طرف امپریالیسم استعمار میشود . بنابراین در کشور دوم جنبه وسیع تر از اولی است چرا که غیر از مسائل اجتماعی (انقلاب ارضی ، محو فئودالیسم) مبارزه علیه امپریالیسم نیز اضافه میشود . این شعار ملی قشرهای زیاد تری را بخواه جلب میکند . متأسفانه ما در خیلی از استان گذشتہ جمله " ملی " را فراموش می - کردیم قید کنیم در صورتیکه يك جمله " ملی " اهمیت و محتوی دیگری نداشته باشد . حتی در این مقاله که محتوی ملی در کار بوده باز واژه ملی گنجانده نشده است . حزب کمونیست بد رستی از کنگره دوم شعار رهبری طبقه کارگر را در انقلاب بورژوا دموکراتیک مطرح میکند . و این علل تاریخی دارد . اولاً ایران همسایه روسیه بوده و هست . در گذشته صدها هزار دهقان ایرانی در روسیه تزاری سپس در شوروی مشغول کار بودند . تاثیر انقلاب در این عناصر زیاد بوده . حتی در انقلاب مشروطه در صورت فقدان کارگر صنعتی در ایران تاثیر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در ایران کم نبوده . عده زیادی از کارگران ایرانی که در روسیه کارگری میکردند به ایران برگشته در نهضت اشتراک نمودند . وانگهی

(۱) روزنامه " پیکار " شماره ۸ سال اول ۱۹۳۱ . متأسفانه ما نویسنده این مقاله را شاید در آن تاریخ شناخته بودیم ولی حالا بکلی از حافظه ما محو شده است . امکان آن هست که این مقاله را رفیقان دهراد (حساسی) نوشته باشد .

سوسیال دموکراتهای قفقاز در انقلاب مشروطه نقش مهمی داشته اند . تا -
سیس انجمنهای ولایتی و ایالتی تأثیر مستقیمی از شوراهای (سوتها) انقلاب
۱۹۰۵ بوده است . در انقلاب کیلان نقش کمونیستها و طبقه کارگر کم نبوده ،
(کارگرانی که در روسیه مکتب انقلابی را گذرانده بودند) پس از انقلاب کیلان
باز طبقه کارگر ایران مبارزات برجسته ای در سیاست داشته (در تهران نهضت
کارگری ، اعتصاب نفت جنوب ، نهضت کارگری در خراسان ، اعتصاب کارخانه
وطن در اصفهان ، اعتصاب کارگران راه آهن شمال در مازندران و غیره) .
نیروی منظم ملی غیر زحمتکش در میدان مبارزه در این دوره بچشم نیخورد .
قهرمان مبارزه در این سالها فقط حزب کمونیست ایران بود که به طبقه کارگر
تکیه داده بود . نهضت ملی غیر پرولتری مربوط میشود به دوران پس از انقلاب
اکتبر . یعنی نهضت جنگل (تادورانی) ، نهضت خیابانی در آذربایجان و
نهضت کلنل محمد تقی خان در خراسان است . سپس قیام پادا شیستها
(لهاک خان) که خود قیامی بوده ملی - انقلابی تکیه به طبقات زحمتکش ،
البته مبارزه خلق علیه قرارداد و وثوق الدوله نیز قیام همگانی ملی
بوده . پس از شکست نهضت خیابانی و کلنل محمد تقی خان تادوران حزب
توده ایران راستی راستی نهضتی را که بورژوازی اداره کرده باشد بچشم
نیخورد . از طرف دیگر وضع جهان عوض شده بود . انقلاب اکتبر در نیای سر -
مایه داری را متزلزل و یک ششم دنیا را از سیستم سرمایه داری رها ساخت . پس
از انقلاب اکتبر ، نقش طبقه کارگر در جهان سوم به مراتب مهمتر شد .
بنظر اینجانب در این مقاله بد رستی انقلاب بورژوازی مطرح شده .
چه بهترین "دموکراتیک" نیز اضافه میشد . مولف محتوی راطوری نوشته
که میرساند اوجه محتوی دموکراتیک معتقد است (لغو فئودالیسم ، لغو سلطنت
و غیره) . برخلاف خیلی از مقالات دیگر نویسنده قبول دارد که در این انقلاب
عناصر ملی نیز ذینفع اند . در صورتیکه در خیلی مقالات دیگر شعارهای چپ از
قبیل "جمهوری کارگروزارع" مطرح شده ، نویسند "در مقاله خود درباره انقلاب
بورژوازی نوشته "با روح بورژوازی" . چه بهتر که جمله "با روح بورژوازی نوشته
نمیشد با اینکه انقلاب بورژوازی دموکراتیک ملی است ، ولی روح آن - روح انقلابی
است چون طبقه کارگر رهبر این انقلاب است نه بورژوازی . پس در جمله عبارت
"روح بورژوازی" از جهت فرمولبندی بی دقتی شده نه از جهت محتوی . با اینکه
روح مقاله بازندگی وفق میدهد و شعارها زوی هم رفته صحیح بکار رفته است

و یا خیلی از شعارهای مقاله موافقم، ولی بنظر اینجانب جاداشت برخی مسا-
ئل نظری را درباره انقلاب بورژوازی توضیح میداد. درست است که انقلاب
بورژوا دموکراتیک در درجه اول انقلابی است زراعتی، ولی جاداشت گسه
نویسنده توضیحاتی درباره انقلابهای بورژوازی میداد. مثلا در سال ۱۷۸۹
در فرانسه انقلاب بورژوازی بود. راه رشد بورژوازی پروسی در پروس وجود
داشت. در چین و ترکیه انقلاب بورژوازی بود و غیره. در سال ۱۹۰۵ در روسیه
انقلاب بورژوا دموکراتیک رخ داد که رهبری آن با طبقه کارگر بود. نویسنده تا
حدودی اعتراف دارد که بورژوازی ایران ضعیف، صاحب زمین و کاملا طرفدار
رأدیکال انقلاب نیست. یک موضوع هم در این مقاله فراموش شده، «ارد و گناه
سوسیالیستی بخصوص با بودن همسایه ای مانند شوروی طبیعی است درباره
شعار جمهوری ملی حتما لازم بود که صفت دموکراتیک» اضافه شود. چون شعار
جمهوری ملی - با جمهوری دموکراتیک زیاد با هم فرق دارند. با اینکه نویسنده
بورژوازی قشربا را شرح داده که آنها وابسته بزمین اند. در عین حال بایستی
یاد میکرد که وابسته با امپریالیسم هم هستند.

چه بهتر اگر نویسنده مقاله بطور مشخص نشان میداد قشرهای ملی
که دارای یک جنبه واحد ایدئولوژیک با بورژوازی ملی میتوانند تشکیل بدهند
کدامند؟ بنظر ما اینها میتوانند قشرهای زیر باشند: خود سرمایه دارهای
ملی که برای اقتصاد ملی علیه امپریالیسم مبارزه میکنند. چه قشرهای دیسگر
جامعه میتوانند با آنها ملحق شوند؟ این قشرها عبارت بودند از طبقات
متوسط: کسبه، پیشه وران، صنعتگران، روشن فکران. بنظر ما باید که بهتر
بود نویسنده مقاله بطور واضح و روشن ارد و گناه ارتجاع را نشان میداد. مثلا طبقه
ملاکین، فئودالها، رزاس آنها شاه و اطرافیان بورژواکمیراد و رها، روحانیون
مرتجع و امپریالیسم. درجائی نویسنده مقاله مینویسد که طبقه کارگر نیز در انقلاب
بورژوازی «ذینفع و ملحقند است» چه بهتر اگر می گفتیم که طبقه کارگر ایران پیش از
هر طبقه و قشر دیگری علاقه با انقلاب ملی و دموکراتیک دارد. سالهای بعد کار -
گرایان نشان داد که طبقه مبارز، پیگیر رهنهضت انقلابی و انقلاب دموکراتیک
اوست. خیلی بعد ها (در سالهای جهل) طبقه کارگر عملا جنبش ملی را رهبری
میکرد.

درباره ارزیابی حزب

بمناسبت انتخابات مجلس هفتم

دوسند درباره انتخابات مجلس هفتم بدست آمده یکی از این اسناد بیانیه‌ای است با مضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران درباره انتخابات مجلس هفتم. سند دوم بازسندی است از طرف کمیته مرکزی تحت عنوان "نامه سرکشاده کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بتعام افراد حزب، بعلاوه این سند هم تا اندازه ای وضع ایران و هم برخورد ارزیابی حزب را در برخی مسائل سیاسی واید ثولوی نشان میدهد. از این لحاظ آشنا شدن به این سند سطح معلومات آنروزی رهبری حزب را نشان میدهد. مقاله ای تحت عنوان: "ما از مجلس هفتم چه میطلبیم" با مضای "کمیته" مرکزی فرقه کمونیست ایران منتشر شده. (۱) در سند چنین آمده: "باینکه در هیچ کشور جهان پارلمانها - ریسم (منظور کشورهای سرمایه داری است) (۲۰) احتیاجات اصلی طبقات زحمتکش را تامین نمیکنند. باینکه در رژیم فعلی اشرافیت از مالکین و روحانیون در مسایل اجتماعی، سیاسی و حیات اقتصادی حاکم مطلقند و کارگران، دهقانان و تجار خرده پان توانستند نمایندگان خود را به مجلس بفرستند، معذاما میخواستیم از کرسیهای مجلس استفاده نمائیم و نابین برآنیم که بایستی در انتخابات مجلس اشتراک نمود. وظیفه هر کارگر، دهقان و آزاد یخواه واقعی آنست که در انتخابات مجلس اشتراک نماید تا وکلای نمایندند خود را برای مجلس انتخاب کنند و آنها حقیقی ترین نمایندگان پرولتاریا خواهند بود. بایستی مبارزه کرد و نگذاشت کسانی به مجلس بروند که دشمن آزادی و حقوق و منافع توده‌های زحمتکشند. بنابراین ما از وکلای مجلس هفتم اجرای مواد زیر را میطلبیم. (۲) دفاع از استقلال کشور، مخالفت علیه دخالت دول سرمایه داری که در امور داخلی و خارجی ایران دخالت میکنند. توسعه و تحکیم دستانه ایران با کشور جماهیر شوروی. مبارزه علیه جنگهای امپریالیستی. لغو قرارداد های غیر مساوی و غیر عادلانه و امتیازها نیکه

(۱) "بولتن جراید شرق وسطی" شماره ۴ و ۵ ژوئن و ژوئیه ۱۹۲۸ چاپ تاشکند.

(۲) مامتن روسی را بقارسی ترجمه نموده ایم و لذامتن فارسی عینا اینجا با زکونیشود.

دول امپریالیسم با ایران دارند. اجرا و تأمین آزادی نطق، جراید، اتحادیه‌های کارگری و ده‌ها حقین و احزاب سیاسی. در درجه اول لغو سامنور جراید. اجرای مواد قانون اساسی درباره انجمنهای ایلتی و ولایتی. تنظیم و تصویب قانون کار در امر دفاع از کارگران، جلوگیری از زورگویی صاحبان کارخانه‌ها (برقرار کردن ۸ ساعت کار در ۲۴ ساعت، تأمین حداقل حقوق کارگران، قدغن کار برای خردسالان تا ۱۲ ساله، زمینهای خالصه، املاک ملاکین بزرگ و موقوفه بایستی بلاعرض بین زارعین تقسیم شود، دولت موظف است به خرده مالکین کمکهای مادی نموده تا جلوی ورشکستگی آنها را بگیرد. لغو تعام مالیاتهای غیر مستقیم تنظیم و تصویب قانون مالیاتها طبق عایدات.

احیاء و بهبود ثبوت اسناد بفتح توده‌های دهقان. تأسیس بانکهای دهقانی. کوشش در تهیه وسائل و سرمایه برای تأسیس بانکها و سپهر برداری از معدن با کمک سرمایه داران داخلی. تأسیس بانک دولتی که بتواند استقلال مالی ایران را حفظ نماید، مبارزه با عملیات مضر بانکهای خارجی به خصوص علیه اختیارات انحصاری بانک شاهنشاهی (بانگ انگلیس). کمک مالی و اخلاقی برای تأسیس شرکت‌های تعاونی تولیدی زراعتی و مصرفی. تنظیم و تصویب قوانین برای حفظ تجارت ایرانی، محافظت تجار علیه بانکهای که بسا آنها مبارزه میکنند، کوشش در تأسیس و تمرکز سرمایه ملی و تأسیس شرکت‌های نیرومند. قطع ورود اشیاء لوکس، تصویب مالیاتهای سنگین، کمری برای اجناس وارداتی از خارج. اجناسی که امکان ساختنش در ایران موجود است. کمک به سرمایه داران داخلی برای تهیه اجناس ارزان قیمت. واردات آزاد برای تأسیس کارخانه‌های ملی با کمک سرمایه داخلی بدون دریافت امتیازات از دولت. بایستی امکاناتی بوجود آورد که تجار خرده پا و متوسط بتوانند در تجارت و در مؤسسات ملی و دولتی دخالت داشته باشند. اجناس ورودی از جمهوری شوروی به ایران بایستی عادلانه بین تجار خرده پا و متوسط تقسیم شود. خلاف قاعده و معمولی که تا بحال حکم فرما بوده، یعنی تا بحال اجناس ورودی از شوروی بد لایان و تجار بزرگ میرسیده است. کوشش در جستجو و ایجاد امکانات برای کارگران که تخصص بدست آورند. لازمه این کار افتتاح و تأسیس مدارس تکنیکی و صنعتی در داخل کشور و علاوه فرستادن کارگران بخارج برای بدست آوردن تخصص. کمک به کارگران، صنعت کاران و دفاع از حقوق کارگران صنعتگر در مقابل رقابت سرمایه خارجی. تأسیس بانکهای صنعتی برای صنایع ایران. تنظیم و تصویب قانون برای تحصیلات همگانی مجانی. تأسیس

کلاسهای اکابر، قرائت خانه و کتابخانه، سینما و تئاتر که تمام شهرها و دهها قریب بتوانند استفاده کنند. تأسیس مدارس تجاری و زراعتی در ولایات بسیاری زحمتکشان. بهبود وضع شهرهایها و استقلال بیشتری برای آنها. قطع دخالت حکام و مأمورین دولتی در امور شهرداری و تأمین انتخابات انجمنها و افراد مسئول شهر در امورهای پایه. انتخابات مساوی و مستقیم مخفی و از روی تناسب جمعیت. تجدید قانون بنفع مستخدمین دولتی، اموراتاری بایستی به اشخاص باسواد، جوان و آزادخواه سپرده شود. رفم ریشه ای در امور دادگستری، ثبت اسناد، تأمین انتخابات قنات از طرف مردم. مجلس و حکام حق دخالت در این امور نباید داشته باشند. قطع دخالت آنها در محاکم و امور سیاسی، ساده نمودن امور محاکم. جلوگیری از تارت و زورگویی که از طرف افسرهای ارتش بعمل میآید. لغو وضعی که حکومت نظامی اعلان میشود. جلوگیری از زدن و توهین سربازان. تأسیس مدارس قرائت خانه، کتابخانه برای سربازان. تأسیس بیمارستانها در شهرها و دهات، مبارزه علیه اپی دمی بیماری های مسری. این سند با مضافه "فرقه کمونیست ایران" است. سند دیگری تحت عنوان: "نامه سرگشاده کمیته مرکزی فرقه کمونیست

ایران به اعضای فرقه" (۱)

در نامه آمده: "رفقای عزیز! کمیته مرکزی توجه شما را به مسائل زیر جلب میکند. هنگام انتخابات مجلس هفتم کمیته مرکزی اعلامیه ای صادر کرده تحت عنوان: "ما از مجلس هفتم چه میطلبیم؟" در این اعلامیه بخیر از خواستههای انقلابی که مطابقت با منافع زحمتکشان ایران دارد در عین حال برخی موادی دارد که مخصوصا مربوط میشود به دفاع از سرمایه داران ایران که تازه بوجود میآیند. کمیته مرکزی این اعلامیه را همه جانبه بررسی نموده و باین نتیجه رسید که بخش چنین اعلامیه ای که بطور واضح سند اپورتونیستی و خود اشتباه بزرگی بوده، خیلی ساده لوحی است. اگر فکر کنیم که مرتجعین مجلس از تمام مجالس گذشته که تحت فشار انگلیسها و رضا شاه انتخاب شده اند بتوانند کوچکترین عمل مترقی را از پیش ببرند. هر حزبی که هدفش فرستادن وکیل بمجلس باشد بایستی اشکارا بدون هیچ شرطی اعلان کند از چنین مجلسی هیچگونه انتظاری نباید داشت، که این مجلس ابزارستم و فریب تمام زحمت

(۱) بولتن جراید شرق وسطی شماره ۱ تا شکند (این نامه پس از انتشار در نیویارک چاپ و منتشر شده.)

کشان ایران است. وظیفه اساسی وکلای حزب، فاش نمودن استعمار و حقه -
بازیمهای طبقه حاکمه نسبت بزحمتکشان است. طبقه حاکمه بوسیله مجلس
میخواهد سیاست غارتگری و خیانت خود را بملکت ایران تحمیل و ثروت ایران را
خائنانه به امپریالیسم تسلیم کند. کمیته مرکزی معتقد است که تمام مواد اعلامیه
میه که بطور غیر مستقیم از تجار صاحبان صنایع دفاع میکند اشتباه خشنی است.
اینها عیار تند از مواد ۱۴ - ۱۶ - ۱۸ - ۲۰ و غیره (سپس در نامه
محتوی این مواد را توضیح میدهد ۱۰ - ۱۰ آ) . سپس در نامه آمده که اجرای
این نوع مواد ذکر شده در برخی کشورهای سرمایه داری عمل میشود. ولی در
رژیم ارتجاعی، فئودالی این روش معنی ندارد، چون رژیم آلت بدون اراده
امپریالیست انگلیس است.

کمیته مرکزی میبایستی شعارهایی را میداد که در عمل هیچگونه مغا -
یرت با منافع توده های زحمتکشان نداشته باشد. سپس در نامه اشاره میشود :
"بگذر خود بورژوازی از منافع اش دفاع کند ! هنگامیکه اقدامات بورژوازی لیبرال
کا را کتر انقلابی داشته باشد، هنگامیکه او علیه رژیم ارتجاعی پهلوی و انگلیس
مبارزه کرد حزب کمونیست حاضر است به بورژوازی لیبرال کمک کند. کمیته مرکزی
به افراد حزب و به تمام زحمتکشان اخطار میکند که در وقایح حساس و وقتی که
دهقانان سلاح بدست گرفته شروع به تصرف املاک مالکین نمایند، هنگامیکه
کارگران و صنعتگران کوچک رژیم پهلوی را که پشت سرش انگلیسها پنهانند،
واژگون نمایند. در آن ایام بورژوازی که گویا امروز تشنه آزادی است با ارتجاع
سیاه متحد شده علیه انقلاب توده بیرحمانه مبارزه خواهد کرد. حزب در اقدامات
مات و کارهای جاری خود هیچ وقت نباید این اصل را نادیده بگیرد. امضا"
سند "کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران"

در گذشته بارها اتفاق افتاده که تمام ترکیب کمیته مرکزی هنگامیکه
لازم آمده تصمیمی جدی یا بیانیه ای منتشر کنند همه در جلسه حاضر نبوده اند
عده ای از آنها یاد رمحل دیگری گرفتار امور جاری، یاد رزندان یا اینکه در خارج
از کشور بودند. بنابراین همیشه عده حاضر چنین مسائلی یومیه را انجام میدادند
و سند و اسناد بخصوص بیانیه ها بنام کمیته مرکزی منتشر نمیشد است. در باره
سند اولی که آمده است: "ما از مجلس هفتم میطلبیم راستی راستی خود بر -
داشت باین شکل اپورتونیسم خالص است. خود بیانیه طوری تنظیم شده که
گویا ما تمام این مطالبات را از مجلس میخواهیم. آیا نویسندگان معتقد بودند که

میشود از این مجلس این همه اصلاحات را طلبید یا نه. مهم نیست. مهم آن است که خود نوشته گویاست و مسئولیت شدیدی بگردن نویسندگان این سند است. در صورتیکه میشد تمام این خواستهها را مطرح کرد و گفت که این شعارها - نیکه ما پیش نهاد میکنیم این آن چیزی است که ملت میخواهد و مجلس میتواند این مطالبات را عملی کند تا یک مجلس مرفعی، مجلس ملی، مجلسی واقعاً در موکرات باشد. پس در اصل برداشت و روح بیانیه اپورتونیستی که ما پاسند دوم از این صحت صد در صد هم عقیده ایم. موضوع دیگری که در اعلامیه آمده صحبت از این است که گویا ما در انتخابات فقط یک وظیفه داریم، وکلایی بمجلس خواهیم داد. در صورتیکه در آن شرایط برای هر کارگرساده روشن بود که حتی یک وکیل هم که انقلابی و دموکرات باشد باین مجلس راه نخواهد یافت. تازه اگر زحمتکشان یک یا چند وکیل میتوانند وارد مجلس نمایند، و وظیفه آن نمایندگین رسوا کردن طبقه حاکمه، مبارزه با رژیم ارتجاعی و امیرالیسم میتواند باشد و پس نه اینکه آنها میتوانند اجرا کنند. این برنامه باشند. و انکهی حزب انقلابی (مثلاً حزب کمونیست ایران) وقتی تصمیم به اشتراک در انتخابات مجلس میگردد درست هم تصمیم گرفته، در آن حال وظایف متعدد دی در این انتخابات هست که عبارت است از بسیج توده ها در حین تبلیغات انتخاباتی تربیت آنها با روح مبارزه ترویج افکار ملی و مارکسیستی حزب. خود این مبارزه تأثیر زیادی نه فقط در زحمتکشان بلکه حتی توی سایر عناصر متوسط ملی میکند. آنم ادرك میکنند که حزب انقلابی وجود دارد که بی پا کانه افکار خود را رواج داده برنامه عمل برای احیای اقتصاد کشور، برای تحکیم استقلال کشور و مبارزه علیه امپریالیسم را در مردم پخش میکند.

مبارزه تبلیغاتی در زمان انتخاباتی هزاران و هزاران مردم را روشن کرده آنها را بمبارزه دعوت و خود توده ها در عمل آبدیده میشوند. دشمن را نیک درک میکنند و وظایف خود را بخوبی درک میکنند، آنها در مبارزه آبدیده می شوند تا فردا اداره اداره کشور باشند.

برنامه اصلاحاتی که از طرف حزب انقلابی پیش نهاد میشود باید قابل درک برای توده ها باشد، آنها باید تشخیص دهند که کدام برنامه حزب بنفع زحمتکشان شهرزده میباشد. شعارها نیکه در اعلامیه اولی آمده اکثر درست و جنبه ملی و مرفعی داشته است. مثلاً شعارهای تأسیس بانک زراعتی، بانک دولتی، تأسیس کارخانه ها و سایر شعارها که خواننده با آنها آشنا شده ملاحظه

میشود که در میانیه دفاع از بورژوازی ملی در امر تأسیس صنایع ایران، تجارت پایاپای، تأسیس بانکها و این نوع شعارها معنی اش رشد اقتصاد ملی است که در عمل علیه امپریالیسم است. هم چنین شعار ۸ ساعت کار برای کارگرها، تصویب قانون کارروما ده ای در باره تقسیم بلاعوض زمینهای خالصه، ملاکیسن بزرگ که جای خود دارد.

اماناه سرکشاده ای که از طرف کمیته مرکزی تنظیم و منتشر شده در آن انتقاد از خود شده عملی است مثبت.

کمیته مرکزی بحق سند اولی را سند اپورتونیستی اعلان کرده. اما ما نمیتوانیم با تمام نوشته های نامه سرکشاده موافق باشیم بلکه در این نامه سرکشاده مطالبی گفته شده که در اصل اشتباه و چپ روی است، و خود اشتباه در نامه سرکشاده کم اهمیت نیست. مثلا در نامه سرکشاده آمده است: "بگذر بورژوازی از مافعش دفاع کند" این نوع برخورد در اصل اشتباه محض است. چرا؟ اگر ما کمونیستها دفاع از صنایع ملی خود میکنیم، اگر طرفدار رشد سرمایه داری ملی هستیم، این نه بدان معنی است که میخواهیم جیب بورژوازی ملی پر شود! خود بورژوازی ملی نیز کارگران را استثمار میکند. اما آنچه برای ما مهم است، آنست که ایجاد صنایع کشور نفوذ امپریالیسم را در کشور ضعیف شرکده از این راه استقلال کشور تحکیم مینماید، و موکراسی قویتر میشود، وقتی امپریالیسم در ایران ضعیف شد، معنی اش آنست که ارتجاع ایران نیز ضعیف میشود. این آن اصلی است که کمونیستها بد رستی بقصد نزدیک شده رشد اقتصاد ملی ایران بفتح تمام ملت و موکراسی و بیضرارتجاع داخلی و امپریالیسم است. نیاستی فراموش کرد که ایران نیمه مستعمره بوده و سخت تحت نفوذ امپریالیسم قرار داشت. طبیعی است که کمونیستهای ایران جبهه واحد ملی را اساس مبارزه قرار داده در راه استقلال ملی و موکراسی مبارزه میکردند، از اینجا نقش عناصر ملی مترقی و موکرات در همکاری با طبقه کارگر و جنبش مقام و اهمیت خاصی پیدا میکنند. در این مبارزه بورژوازی ملی نیز نقش داشته و هنوز هم خواهد داشت.

این درست است که بورژوازی ملی ایران آنروزو حتی امروز کارهای نیم بند انجام میدهد و در مبارزه خود پیگیر نبوده و نیست، ولی تا آنجا که حاضر به همکاری با طبقه کارگر نمیشد بایستی همکاری کرد. نباید فراموش کرد که نهضت‌های ملی خیابانی، کلنل محمد تقی خان، مبارزه علیه قرارداد و وثوق -

الدوله، با اشتراك بورژوازی ملی انجام گرفت. درست است که وجود انقلاب اکتبر و حکومت شوروی نقش تعیین کننده ای در این مبارزه علیه امپریالیسم انگلیس داشته است و اگر حکومت شوروی نبود قرارداد و شوق الدوله حتماً عملی میشد. در هر صورت در مبارزه تمام ملت ایران در این راه، نقش بورژوازی ملی هم کم نبوده. درست است که امروز هم راه رشد غیر سرمایه داری شعراصلی ماست ولی در هر حال عناصر ملی از آن جمله بورژوازی ملی در این مبارزه میتواند و بایستی اشتراك کند.

در دوران اولین انقلاب روسیه یعنی در انقلاب ۱۹۰۵، لنین معتقد بود که انقلاب روسیه انقلاب بورژواذ موکراتیک است. لنین معتقد بود که طبقه کارگریش از هر طبقه دیگر ذینفع در انقلاب بورژواذ موکراتیک است. منشوریکها معتقد بودند که چون انقلاب بورژواذ موکراتیک است، بگذارد بورژوازی این انقلاب را اداره کند. تاریخ زندگی نشان داد که در روسیه انقلاب بورژواذ موکراتیک و انقلاب سوسیالیستی با رهبری طبقه کارگران انجام گرفت. چه آنروزها چه امروز ایران در قبال انقلاب ملی و موکراتیک قرار گرفته است. چه آنروز چه امروز پیش از همه طبقه کارگر ایران علمدار انقلاب بورژواذ موکراتیک است. طبقاً کارگرساکنات تاریخی در این امر دارد. بنابراین اشتباه بزرگ "نامه" سرکشاده "نادید" گرفتن نقش مثبت بورژوازی ملی در انقلاب است.

اشتباه بزرگ دیگر این نامه در آنست که نوشته شده که اگر قرارداد هقاناً ایرانی اسلحه بدست گرفته و زمینها را بلاعوض تقسیم کرد آنوقت این بورژوازی با ارتجاع سیاه یکی شده علیه انقلاب مبارزه بفرمانه خواهند کرد. امروز حزب توده ایران معتقد است که در ایران پس از گذراندن مرحله اول انقلاب یعنی انقلاب ملی و موکراتیک، هنگامیکه با مرحله انقلاب سوسیالیستی بگذاریم، نه فقط هقانان متحد پرویاقص طبقه کارگر خواهند بود بلکه حزب توده ایران در این مرحله انقلاب هم با تمام عناصر مشرقی، دموکرات دیگر همکاری بیک جامعه سوسیالیستی را بوجود خواهد آورد. هیچ معنی ندارند که در سالهای سی قرن بیستم نسبت به بورژوازی ملی اینطور بی اعتمادی نشان دهیم بخصوص اورا پیشاپیش ارتجاعی بخوانیم. آیا لازم بونه که چنین جمله ای آنروزیکا برده و چاب هم بکنیم؟ طبقاً در آنروز شرایط بطور عینی مخالف دادن چنین شعاری بوده است.

در "نامه" سرکشاده "آمده است" آنجائیکه بورژوازی ملی علیه

رژیم شاه و امپریالیسم مبارزه کند، ما با آن همکاری خواهیم کرد. ولی عیب کار در آنستکه بلافاصله پس از این جمله، صحیح ایده ای آمد. است ناصحیح ناد رست چپ و غیرعینی. آمد است: هنگامیکه دهقان اسلحه بدست گرفت و زمین را بین خود تقسیم کرد، این بورژوازی با ارتجاع سیاه یکی شده علیه انقلاب مبارزه خواهد کرد. خوب ما دامیکه بورژوازی ملی را دعوت به همکاری میکنیم و قبول داریم که اگر او علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم باشد ما حاضریم با او همکاری بکنیم، بعد هم میگوئیم که او فردا با ارتجاع سیاه یکی شده علیه انقلاب مبارزه خواهد کرد، معلوم نیست وقتی زمین بین دهقانان تقسیم شد کدام قشر بورژوازی ملی ارتجاعی و کدام قشرا توده ها همکاری خواهد کرد. پس چرا بیجهت و بیوقوع پیش گوئی کنیم. حقیقت همیشه مشخص است.

نمونه ای از زندگی بیاریم. روزگاری حزب کومیندانگ با کمو نیستها همکاری میکرد. سپس در سال ۱۹۲۷ زنیال چانگایشک با انقلاب خیانت کرد و شد دشمن توده های چین. ولی هنگام جنگ دوم جهانی کمینترن همیشه نهاد همکاری با همین زنیال جانی کرد و این سیاست درست بود. چرا؟ چون ژاپن به چین حمله کرده بود. بنابراین تمام نیروهای چینی متحد شده علیه ژاپن جنگیدند، برای اینکه در آنروز منافع تمام ملت چین مطرح بود. آنروز صحبت از حفظ استقلال کشور علیه هجوم امپریالیسم مطرح بود. وانگهی در نامه جمله "بورژوازی لیبرال" مطرح است. درست است که در وقت میشود چنین جمله ای استعمال کرد. جمله "لیبرال" معنی خاصی دارد ولی بعد هماما کمونیستها جمله "ملی را بکار میبریم" چون معتقدیم که جمله "ملی هم عملی تر و هم مناسب تر است. چرا وقتی بورژوازی ملی میگوئیم یعنی اقتصاد و سیاست بورژوازی ملی علیه امپریالیسم است که در نتیجه موضوع مبارزه برای استقلال کشور مطرح است. در همین هنگام برای تقویت نظر حزب ما در ای از تصمیمات کنگره ششم کمینترن آمده بدین شکل. احزاب کمونیست باید هرگونه ائتلاف با بورژوازی ناسیونال رفرمیست اپوزیسیون را رد کنند. اما این مانع آن نمیشود که این احزاب قرار همکاری موقت برای تطبیق عملیات در مبارزه علیه امپریالیسم را انجام دهند. اگر این همکاری با اپوزیسیون بورژوازی میتواند بفتح توسعه رشد نهضت توده ای باشد. اگر چنین همکاری بهیچوجه آزادی عمل احزاب کمونیست را در امر تبلیغات و سازمان دهی در میان توده ها محدود نمیکند، اینکار سودمند است و میتواند انجام گیرد.

بایستی گفت که در آن ایام جماعات بورژوازی ملی رفرمیست بکار برده میشد. امروز شعار مانسبت به بورژوازی (د رکشورهای دنیای سوم) منجزتر و مشخص تر شده است. ما امروز یا بورژوازی ملی داریم یا بورژوازی کمپرادور. طی نیم قرن اخیر مبارزهٔ خلقهای دنیای سوم رشد و توسعه یافته و شعارها نیز مشخص تر شده است.

کونیستهای جهان سوم طی این نیم قرن رشد و توسعه یافته آگاهی علمی و طبقاتی آنها پجدي رسیده که آنها نیزهجهزیهٔ تئوری مارکسیسم - لنینیسم شده اند، فورمولهای آنها نیز در هر موردی روشن تر شده. بورژوازی ملی بطور کلی وقتی ملی است معنی اش آنست که نتیجهٔ عملیات او بفتح ملت و بشر را مبریا لیسیم است. حالا این بورژوازی ملی دارای قشرهای گوناگونی است. قشری ملی، قشری ملی و انقلابی است. مثلاً روشن - فکran بورژوازی ملی و طبقات متوسط (خرد بورژوازی) بعراتب پیگیرتر و یا انقلابی تر از سرمایه دار ملی است. ما همیشه در هر مورد مشخص قضاوت میکنیم. وقتی بورژوازی ملی حتی يك قدم هم علیه امپریالیسم ورژیم ارتجاعی شاه بر داشت. بیشك ما از امپشتیبانی و همکاری خواهیم کرد. این بدان معنی نیست که بورژوازی ملی را رهبرانقلاب بدانیم. این بدان معنی نیست که ما این یا آن قشر بورژوازی ملی را برای همیشه ویا انقلابی بدانیم. حزب کونیست همیشه حوادث و مسائل را بطور مشخص و در شرایط مشخص حلاجی نموده، تصمیم میگیرد.

حزب کمونیست ایران و مسئله ملی

د "پیکار" مقاله ای تحت عنوان "ملل اقلیت و رژیم پهلوی" (۱) چاپ شده است. در مقاله چنین آمده: در ایران چند گروه ملل اقلیت از قبیل کرد، عرب و ارمنی که اصلاً فارسی زبان نیستند سکونت دارند. اگر زحمتکشان ایران گرفتار ظلم و فشار رژیم پهلوی هستند، توده رنجبران مسلل اقلیت ایران بیش از سایرین زیر بار سنگین اسارت زجر میکشند. در مقاله آمده است که چند ماه پیش اهالی کردستان کرد جعفر سلطان جمع شده با قشون دولتی زد و خورد میکردند. سپس نوشته که اعراب خوزستان که گرفتار قحط و غلا هستند علم شورش را بر ضد قشون دولتی برافراشته اند. سپس گفته است که روسای اقلیت های ملی از قبیل خزل، قوام الملك و والی پشتکو روزگاری با رژیم دولت در بربرید بودند. سپس دولت پهلوی همینکه تمول واقتدار آنها را با تأمین نمود آنها را زد و مصالحه درآمده و تبعیورتش آنها را "وکیل اقلیت" انتخاب کرد.

روسای دیگر کردستان (وکلای کردستان) از قبیل آصف، حیدری و غیره نوکرد ولت شده اند و میگویند: "ما ایرانی هستیم و پهلوی پرست. جامعه کردستان امروز شاهنشاهی پهلوی را یک سلطان بزرگ میدانند که اطاعت از او واجب است." مقاله سیاست خشن و وحشیانه دولت را راجع به فارسی نمودن نواحی غیر فارسی نشین انتقاد میکند و مینویسد که در سر تا سر کردستان حتی یک موسسه وجود ندارد که بزبان کردی عمل کند. یک مدرسه یا مکتب کرد زبان در تمام کردستان یافت نمیشود. یک ملیون نفوس کردستان ده نفر طبعیب ندارد. روزنامه سیاست به دولت در مسئله مستحیل کردن ملت با اعتراض نموده مینویسد "دولت و دریا را ضرر دارند که در ایران ابد مسئله ملیت وجود ندارد. دشتی در مقاله ای تحت عنوان "آینده کردستان" مینویسد "دولت ایران هیچگونه معامله اقلیت با کرد ها ندارد، در ایران مسئله کرد موجود —

(۱) روزنامه "پیکار" ۱۵ فوریه ۱۹۲۲ بهمن ماه ۱۳۱۱

نیست" • سپس روزنامه "پیکار" از سیاست حزب کمونیست ایران در مسئله ملی سخن میگوید و مینویسد که "امروز اهالی زحمتکش کردستان بواسطه فقدان تشکیلات و نداشتن رهبرانی از خود خواهی نخواهی در جعفر سلطان جمع میشوند ولی فردا آنها ملتفت خواهند شد که جعفر سلطان و امثال او هرگز قادر نیستند که از حقوق اکراد دفاع نمایند • ما بین جعفر سلطان که ملاک بزرگی است و اکراد زحمتکش هیچگونه منافع مشترک سیاسی و اقتصادی موجود نیست • مالکین و تجار بزرگ این ولایت در فکر حفظ منافع خود میباشند" • سپس "پیکار" شعار سیاست حزب کمونیست در مسئله ملی را بدین شکل مطرح میکند •

"اکراد ایران باید بدانند که آنها بایستی دارای آزادی کامل برای خود باشند • فقط زحمتکشان ایران طرفدار حقیقی آزادی اکراد و سایر طرفداران اقلیت ایران میباشند • امروزه در تمام جهان طبقه کارگر و توده طرفدار حقیقی آزادی ملل و وحدت کارگران تمام ملل است ، چنانکه در تحت رهبری طبقه کارگر در روسیه امروزه در مملکت شوروی مسئله ملیت بطور تمام کامل حل گردیده و در آنجا تمام ملل از قبیل ترک ، گرجی ، ارمنی ، تاجیک ، اوزبک و غیره مساوات حقیقی و آزادی کامل در زبان و تمام امور و ترقیات اقتصادی خود را دارند • ما نیز مساوات کامل تمام کردها ، عربها ، ترکها و غیره را در مملکت ایران مطالبه میکنیم • در ایران هیچ امتیازی برای هیچ یک از ملل و بین هیچ یک از زبانها نباید موجود باشد • ما طرفدار استقلال کامل هر ملت یعنی طرفدار آزادی کامل آنها و حتی تجزیه و تشکیل دولت مستقل برای آنها میباشیم • برای ما آشکار است که دولت قادر نیست این نهضت ملی را خفه کند • دیری نخواهد گذشت که زحمتکشان کردستان ، لرستان ، خوزستان و آذربایجان ، اقلیت های ایرانی تحت رهبری کارگران و توده انقلابی ایران اساس پوسیده رژیم پهلوی را سرنگون و حکومت جمهوری متحد و تمام ملل زحمتکش ایران را برقرار خواهند نمود • آزادی کامل اکراد و سایر ملل اقلیت ایران فقط با دست حکومت انقلابی کارگران و زارعین ایران عملی خواهد شد" •

حزب کمونیست ایران از بدو تأسیس خود بارها در باره مسئله ملی در ایران مطلب نوشته • این حزب اولین حزبی بوده که حقوق تمام اقلیت ایران را مساوی دانسته و طرفدار جدی بدست آوردن حقوق حتی این ملل بود • حزب معتقد بوده که خلقهای ایران با وحدت و یگانگی خود قادرند دست آوردن حقوق حقه خود میباشند ، البته بار رهبری طبقه کارگر و حزب او •

اگر در آن مشروطه مجلس حقوقی برای برخی خلقهای اقلیت قبول داشتند • این حقوق ناقص و تقسیم بندی نیز بر پایه ملاک مذهبی بوده (از قبیل زردشتیان، آرامنه و کلیسیا) و حقوقی برای خلقهای کرد، آذربایجان و سایرین قایل نبودند • در این مقاله به برخی فوهمول بندها توجه نشده ولی پایه آن روی اصل لنینی در مسئله ملی قرار گرفته • ما در گذشته دیده ایم که قیام و شورش برخی ایلات علیه دولت مرکزی که پایه های کوناگونی داشته (پایه اقتصادی، سیاسی و غیره) در عین حال ستم ملی نیز در این شورشها نقشی داشته، این ایلات که در اصل اقلیت های ملی اند در شورش خود علیه دولت مرکزی رهبران طرفدارتوده زحمتکش نداشتند • بلکه روسای ارتجاعی ایلات میتوانند تحت شعار همبستگی ملی توده های وسیع ایلاتی رألت قرارداد یعنی توده ها را فریب داده به مقصد طبقاتی خود برسند • سرانجام این روسا توده های ایلات را گول زده بآنها خیانت کرده اند •

برخی اوقات انقلابیون ایران توجه خاصی و همه جانبه به وضع نهضت ایلات نکرده و آنها را بطور کلی ارتجاعی ارزیابی نموده منافع توده های وسیع ایل را نادیده گرفته و از همه بدتر نکوشیدند که با توده ایلات تماس گرفته آنها را متشکل و از نفوذ ارتجاعی روسای ایلات آزاد نمایند • غالباً این نهضت ها را "ارتجاعی و انتریک انگلیس" خوانده اند • شکی نیست که امپریالیسم بساری مقاصد خود روسای ایل رألت قرارداد داده است •

امپریالیستها برای هدف های محین خود ایلات را علیه دولت مرکزی می شورانده اند • این یک طرف موضوع است • اما مردم ساده ایل که تحت فشار اقتصادی و سیاسی دولت بودند با دولت ارتجاعی مبارزه میکردند • اگر انقلابیون به توده های وسیع ایل نزدیک میشدند و آنها را متشکل مینمودند ممکن بود کار نتیجه دیگری بدهد • از همه مهمتر وظیفه انقلابیون در آن بوده که مسئله را بطور عینی و دقیق بررسی نموده، نتایج سازدانی و سیاسی صحیحی می گرفتند • این عیب کار ما بوده است •

حزب میبایستی طرفدار روشنیان گروهی از ایلات باشد که حاضر بودند تکیه به نهضت همگانی خلق ایران کند تا ایران واحد و متحد بتواند به هدف های دموکراتیک خود برسد • حزب کمونیست بد رستی هعیسه مخالف شدید نهضت های اقلیت ها برهبری ارتجاعیون و مخالف تجزیه طلبی بوده است •

بایستی متذکر شد که نهضت میان اقلیت های ملی ایران در سالهای

بیست و سی قرن رشد یافته نبود، وانگهی تمام این نهضت‌ها نیز در يك سطح آگاهی قرارند داشتند. برخی نهضت ملی داشتیم که مترقی — دموکراتیک و علیه ستم ملی بودند و نیز نهضت یا سازمان‌هایی بودند ملی که رهبری آنها با عناصر و طبقات مترجع بود. این گروه دوم طرفدار تجزیه طلبی بودند و تکیه بر سه امپریالیسم میکردند. حزب کمونیست ایران همیشه طرفدار گروه اولی بود که با وحدت و همکاری تمام خلقهای ایران موافقت داشت و مخالف گروه دوم بود. ولی کم کم توده‌های ایل به حقایق پی برده اینجا و آنجا با سایر عناصر ملی نزدیکی نموده بمسائل طوری دیگر برخورد میکردند. در رساله‌های بعدی روشن فکران ایلات بهتر از دیگران باین حقایق نزدیک شدند. در دوران جنگ دوم پس از جنگ آنها نتوانستند تا حدودی بانهضت همه خلقی ایران همکاری کنند. حزب کمونیست ایران سپس حزب توده ایران نقش مهمی در این کار عهده داشت. در عمل چنین از آب درآمد که ملل اقلیت ایران در درجه اول بایستی وحدت ملی در ایران بوجود آورده علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم مبارزه نمایند سپس پس از فتح بتوانند بحقوق خود برسند. در این مقاله اشتباهی بچشم می‌خورد و شکل جمهوری تمام خلقهای ایران، حکومت کارگزاران اعلام میگردد. اینکه صحبت از جمع‌وری متحد تمام ملل بعین آمده درست است ولی این جمهوری بایستی ملی و دموکراتیک باشد که اساس آن طبقه کارگر است. در این طبقه است بویژه دهقانان، عناصر ملی و مترقی دموکرات نیز باید در این حکومت جمهوری دموکراتیک ملی اشتراک داشت باشند.

خود این شعار بایه دموکراتیک و ملی دارد. و عملاً میتواند جمهوری دموکراتیک تمام خلقها باشد در عین حال جمهوری مبتنی بر وحدت تمام عناصر مترقی، دموکراتیک انقلابی است و این جمهوری میتواند جمهوری فقط طبقه کارگرو دهقانان باشد.

www.iran-archive.com

اعتصاب کارگران نفت جنوب

سال ۱۹۲۹

این اعتصاب در نهضت انقلابی ایران دارای مقام خاصی است. در مجله: "اقتصاد جهان و سیاست جهان" (۱) مقاله ای تحت عنوان: "طبقات و احزاب سیاسی ایران معاصر" که از ایران به مجله رسید، به بود منتشر شده است. در این مقاله درباره "وضع کارگران نفت جنوب چنین میخوانیم: "تعداد تمام کارگران از آنجمله دستوربان به چهل هزار نفر میرسد. تعداد نفتگران در تمام نواحی نفت خیزه ۲۴ هزار نفر بالغ است. از این عده ۱۷ هزار نفر در رشد ستگاه پالایشگاه و سایر دستگاههای آبادان مشغول کارند. در حدود ۱۴ هزار نفر در میدانهای نفت خیز کار میکنند. ۱۸۰۰ دکل نفت بریاست. کارگرها در روز ۹ ساعت کار میکنند مزد روزانه کارگرهای ایرانی یک ریه (در حدود د و قسرا ن) است. از کارگران بطور وسیع جریه اخذ میشود. ساکنین آبادان در خانه های حصیری یا حلیی زندگی میکنند و بابت این کومه ها هر ماهی دو ریه مالیات به شیخ خزعل میپردازند. این فئودال جنوب سالی دست کم پنجاه هزار تومان از این بابت مالیات دریافت میکند. دهاقین جنوب و نواحی مرکز ایران سیل وار باین مراکز نفتی هجوم میاورند. این دهاقین گرسنه، ستم دیده برای لقمه نانی باین ناحیه سفر میکنند. اما سطح زندگی آنها بخور و نمیزی بیش نیست. کار در این ناحیه شباهت زیادی به کار اجباری نظامی دارد. شرکت نفت قیمت هر نفتگری که تلف شد چهل تومان تعیین کرده است. شرکت نفت انگلیس دایما عده زیادی را از کارگران اخراج میکند تا بر تعداد بیکارها بیافزاید و از این راه امکان اجیر نمودن کارگر رزاشتری باشد."

شرکت نفت دولتی درد و ملت محسوب میشود. این شرکت نه فقط شیخ خزعل و تفنگچیانش را در دست داشت، تمام ماورین دولت این ناحیه و خانهای بختیاری نوکر شرکت بودند. این شرکت وزیر را اعرض میکرد در واقع وزیر تراش و وکیل تراش بود و قادر بود اشخاص برجسته کشور را نابود سازد و در اثر شرایط کار و فقدان مصونیت عده زیادی از کارگران زیرهاشین رفتیاد رکنسار (۱) مجله "اقتصاد جهان و سیاست جهان" شماره ۲ سال ۱۹۲۶ ص ۸۴

جاههای نفت آسیب میدیدند و جان یا اعضای بدن خود را از دست میدادند. شرکت عده‌های از رجال را "قبوه" قاجار میخوراند و آنها را تلف میکرد. تاریخ فعالیت این شرکت پراز جنایات و ظارت بیمسابقه ملت ایران است. حتی مصطفی فاتح این جاسوس مارک دار انگلیس که روزگاری معاون رئیس کل شرکت و یکی از عاملین این جنایات بود خیلی بعد ها برای عوام فریبی اقرار کرده که "شرکت نفت هرچه کمتر مزد به کارگراها میپرداخت، وحد اکثر از آنها منفعت میرد." در صورتیکه "شیوه" کیف استثماردتهای میدیدی در جهان ترك شده بود. (۱)

اوتائید میکند که حقوق ناچیز آنها، نبودن مسکن برای کارگراها، محدودیت آزادی، کرنای، عدم رضایت از شرکت نبودن قانون کار، همه اینها شرایطی برای قیام کارگران بوجود آورد، و اینکه شرکت از خلقهای گوناگون جلب بسکار میکرد تا آنها را بجان هم اندازد. ماهه میدانیم که آتروزها آذ رایجانی و گیلانی آزد ویران مشروطه در نهضت آزادی فعال بودند. در شرکت نفت اداره پایی بنام "سکیوریتی سرویس" برای مبارزه علیه عناصر انقلابی مشغول فعالیت بود. در این مؤسسه کارگرهای عراقی، هندی، فلسطینی و سایرین بمراتب بیش از ایرانیان حقوق میگرفتند. در آنجا اصل "تفرقه بیانداز، حکومت کن!" حکمفرما بود. در آن ایام چه در ایران وجه درهندستان و کشورهای عربی توده‌ها میبایستی اتباع انگلیسی را "صاحب" بنامند، که خود نشان آن است که آقایان مردم محلی را غلام حساب میکردند. مسکن کارگرها بیشتره طولیه حیوانات شبیه بود. الویل ساتون که مدتی در نفت جنوب سپس در سفارت انگلیس در تهران خدمت نموده در باره* وضع کارگهانوشته که انگلیسها به تمام ایرانیها از لانگاه میکنند. آنها خود را نژاد عالی پنداشه ایرانیها را "تقاله" و "شپشو" مینامیدند و معتقد بودند که بایستی همیشه یا آنها بشوند و آنها را بر سرانند تا آنها تسلیم شوند." (۲)

کارگران نفت جنوب آزد و تا سیس این مؤسسه پارایبان "نفت خوار" در مبارزه بودند این مبارزه اشکال و دوران گوناگونی داشت. ابتدا این مبارزه بطور خود بخودی به شکل انفرادی، غیر منظم و غیر متشکل سپس گروهی، عمومی تا بشکل عالی تری رسید یعنی به اعلان اعتصاب عمومی. این مبارزه شدید جنبه اقتصادی و برای بهبود زندگی در همین حال جنبه سیاسی داشت. اولین اعتصاب

(۱) مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، تهران سال ۱۹۵۶

(۲) الویل ساتون، "نفت ایران" تاریخ قدرت سیاسی لندن ۱۹۵۶ ص ۱۳۴

منظم و متشکل در سال ۱۹۱۴ از طرف کارگرای هندی شروع شد. در مجله "اقتصاد جهان و سیاست جهان" آمده که عده کارگران هندی به شهر هزار و نصد نفر میرسد و این اعتصاب هنگامی رخ داد که ملت هند وستان در محو مبارزه خود با امپریالیسم انگلیس بود. تحریم کالای انگلیسی که برهبری مهاتما گاندی انجام گرفت، بیشک نهضت خلق هند تا تیری در مبارزه کارگران هندی در جنوب ایران داشت. انگلیسها با سر نیزه تمام اعتصابیون را به کشتی نشانند به هند وستان بردند. با اینکه سایر کارگران جنوب در این اعتصاب شرکت نکرده بودند، "قلبا" و "روحا" با آنها بودند. اعتصاب کارگرای هندی نمونه ای برای سایر کارگرا محسوب میشود.

حزب کمونیست ایران توجه خاصی به کارگران نفت جنوب مید ول نمود. در سال ۱۹۲۵ اولین افراد حزبی بطور رسمی برای کارین کارگرا بچسب فرستاده شدند. اولین افراد عبارت بودند از "میرایوب شکیا"، "علی شرقی"، "رحیم همداد" و دیگران. قبل از آن هم برخی افراد عضو حزب و بوروی موقت بآن سامان رفته بودند.

در سال ۱۹۲۷ اتحادیه ای تحت عنوان: "جمعیت کارگران نفت جنوب" که سازمانی بود نیمه مخفی از تقاضای حق سازمان دهی برای ۲۰ هزار کارگر نفت جنوب دفاع نمود. این سازمان طبق نوشته "روزنامه" "جبل العتین" (چاپ هند وستان) نامه ای به مجلس ایران نوشته: در این نامه از جمله گفته شد که کیست که بیاید و ببیند که مادر چه لانه هائی محقری زندگی میکنیم؟ کیست که بیاید و ببیند که از فرط غبار و حرارت سوزان چشمهای ما کور میشود؟ کیست که نداند که ما از گازهای مسموم خفه میشویم؟ کیست که توجهی به فرزندان عربان ما که از گرسنگی میمیرند مید ول کند؟ (۱)

روزنامه "جبل العتین" تقاضای کارگران جنوب را در همین شماره بدین شکل شرح میدهد: مجمع کارگران نفت جنوب که در سال ۱۹۲۵ بوجود آمده بود در تقاضای خود مسائل زیر را مطرح و طلب کرده است: تا سیس کیسیون رسیدگی با اختلافات کارگران و شرکت نفت (که در آن نمایندگان کارگر، دولت و شرکت نفت عضویت داشته باشند) تقاضای هشت ساعت کار در زمستان و هفت ساعت کار در تابستان، حداقل حقوق کارگرا پایستی در راه و دوازده تومان باشد، مسکن برای کارگرا یا تمام لوازم، تا سیس موسسات طبی برای کارگرا

(۱) مجله "اقتصاد جهان و سیاست جهان" سال ۱۹۲۶ نقل از روزنامه "جبل العتین" ۱۹۲۷

بیمه کارگرها در مقابل حوادث نامطلوب، در صورت صد هه اعضای بدن کارگر کمک باوویه فامیلتر وسایل لازمه برای مصونیت کار، رفتار مؤدب با کارگرها، در صورت اخراج کارگری لازمه اشپرداخت یکماه حقوق، در صورت انتصاب نقصانی به کارگر نباید اخراج شود، مگر پس از رسیدگی کمیسیون تحقیق. در ماهه ۱۲ آمده است که شرکت نفت حق ندارد مانع فعالیت فرهنگی واجتماعی کارگرها باشد. شرکت حق ندارد برای هدفهای سیاسی از کارگرها استفاده نماید (مثلا هنگام انتخابات مجلس).

در رزانه ۱۹۲۹ دو مین کنفرانس "جمعیت کارگران نفت جنوب" منعقد شد. در ماه مه شرکت نفت وضع را برای خود نامساعد و ناراحت کننده دانستند. سازمان اتحادیه در اعتصاب معروف بیست ماده تقاضا و مطرح میکنند: تقاضای عده کارگرها بقرار زیر بوده: زیاد کردن مزد تا ۱۵ درصد، برسمیت شناختن اتحادیه ها، برسمیت شناختن عید اول ماه مه بعنوان عید کارگری، دخالت داشتن نمایندگان کارگران در وقت قبول وانفصال کارگرهای تازه تاهیه معیشت کارگرانی که نوان شده اند، تامین خانواده کارگرانی که در وقت کار برای کمپانی مرد اند، ۷۴ ساعت کار در روز برای جوانان کمتر از ۱۸ سال، خلاص کردن کارگران محبوس. روزا ماه مه هنگامیکه عده ای از رهبران کارگران در زندان بودند) کارگرها دست به اعتصاب عمومی زدند، تمام محوطه "مو" مسات نفت بیدل به يك ارد و گاه جنگی شده بود. برای خفه کردن اعتصاب بحریه جنگی انگلیس از بمبره به آبادان وارد شد. دولت نیروهای نظامی خود رایه آبادان آورد، سه روز جنگ خونین علیه اعتصابیون ادامه داشت نیروهای متحد انگلیس و رضاشاه با زور سر نیزه اعتصاب را خویاندند. (۱)

روزنامه "پیکار" در رباره وضع زندگی کارگران آبادان مطالبی نوشت پسد بین مضمون که در سال ۱۹۱۰ آبادان بی پایان سوزانی پیش نبود هنگامیکه لوله نفت از مسجد سلیمان به آبادان رسید در اینجا کارگرانی پیدا شدند و آنها در زیر زمین ها (غارها) زندگی میکردند. برخی از تخته یا حلیی خانه می ساختند هنگام باران آب پاران سیل وار وارد خانه های آنها میشد، آنها روزی یازده ساعت کار میکردند. باد خانه های ساخته شده کارگران را متلاشی میکرد. کارگرها مبتلا بانواع بیماریها میشدند، آنها حتی يك معاون پزشک هم نداشتند.

(۱) مجله "ستاره سرخ" شماره نهم سال ۱۳۰۹

شتند، حتی برای خرید نان و شیرینی به محله بروند، کارکنان شرکت دوست را اید، نیدیدند، خوراکی آنها نان و خرمای بود، عریضای بدوی زیاد بایسن کارگرها حمله میکردند گاهی شده برای دوقران آنها را میگسختند، سرک-اصلا در فکر کارکنی بود، عده زیادی کارکردست یاپای خود را در بازار دست داده یا زیرماشین افتاده میمردند، هیچ کسی در فکر وضع رفعت با کارکنی نبود، (۱)

طبق نوشته، این روزنامه سرمایه، اولی این شرکت ۲۴ میلیون لیره بود ولی این شرکت فقط در سال ۱۹۳۰ پنجاه میلیون لیره نفع برد، در همان ایام اطلاعات نوشت که حقوق کارکنان انگلیسی ۶ مقابل کارکنان ایرانی است، (۲)

مجله "ستاره" سرخ مقاله ای از ایران چاپ شده تحت عنوان :

"مراحل عمده نهضت کارگران در جنوب ایران" . این مقاله را آدم واردی نوشته . در این مقاله وضع کارگران جنوب، جریان اعتصاب و مداخلی که کارگرها گذرانده اند منعکس است، مابطور خلاصه به برخی نکات مقاله راکه برای خوا-
نند مجالب باشد در اینجا قید میکنیم . در مقاله آمده است که تا سال ۱۹۱۹

وضع کارگران به مراتب سخت تر بود ترا حالا بود در اوایل عده کارکنان به منحصت هزار میرسید اکثر کارگرها حقوقشان ماهی سی رصیه بود (۷ یا ۸ تومان) حقوق کارگر متخصص ایرانی از ۷۵ رصیه تجاوز نمیگرد (۱۸ یا ۱۹ تومان) سابقا کارگرها برای رفت و آمد روزی چندین ساعت تلف میکردند . ساعت کارشان در روزه ساعت ونیم بود . آنها خواب و استراحت کم داشتند . شرکت نفاق ملی و نژادی را بین کارگرها ترویج میکرد ، قسمت عمده کارگرها ایرانی بود در شرکت به کارکنان هندی و عرب در مقایسه با ایرانیها یک ثلث حقوق اضافه میداد .

کتاب زند، دشنام، توهین به کارگرها از امور عادی بود . در سال ۱۹۲۵ کار-
گران برای اولین بار تحت رهبری رفقا شبکه از تهران آمدند تشکیل اتحادیه دادند . قبل از تشکیل اتحادیه خیلی از کارگرها هنوز عضو اجتماعین بودند و این حزب تنهاد در حرف از حقوق آنها دفاع میکرد ولی در عمل هیچ راهی برای تحصیل ۸ ساعت کار که شعار اصلی این حزب بود نشان داده نمیشد . در سال ۱۹۲۷ تشکیلات مخفی محکمی در جنوب بوجود آمد و در آن ایام روزنامه ای منتشر میشد بنام "حیات کارگر" که بیرحمی و رفتار کمپانی را جدا انتقاد می-
کرد . در سال ۱۹۲۷ کارگرها چهار پیشنهاد مهم به کمپانی ارائه کردند که

(۱) روزنامه "پیکار شماره ۶ سال ۱۹۳۱

(۲) مطلب اطلاعات را روزنامه "پیکار" ۱۵ اکتبر ۱۹۳۲ نقل میکند .

عبارت از: ۸ ساعت کار، زیاد کردن مزد، تهیه منزل برای کارگراها، برسمیت شناختن اتحادیه کارگران، کمپانی ماده اول را قبول کرد و حاضر شد برای کارگران متخصص خانه تهیه کند، تهیه منزل برای کارگران را رد کرد. روزنامه "حیات کارگر" سخت تحت سانسور قرار گرفت. کارگراها مجبور شدند با انتشار اوراق چاپی و ولاتینی بطور مخفی منتشر و جنایات کمپانی را فاش کنند. در همان ایام چندین نفر از مسئولین کارگراها را زندانی کردند، سپس در آخر سال ۱۹۲۷ تحت رهبری تشکیلات مخفی اتحادیه کنفرانس تمام کارگران جنوب (آزادان اهواز و مسجد سلیمان) دعوت شدند و دو بیست نفر نماینده در کنفرانس اشتراک کردند. در سه شهر ذکر شده بیانیه هائی چاپ و منتشر شد.

برخی از تصمیمات این کنفرانس بقرار زیرین است: روشن کردن جنبه غیر رنجبری احزاب خورد و بورژوازی و دعوت از کارگراها به خروج از آنها، مبارزه بسر ضد نفاق و اختلاف ملی بین کارگراها و تبلیغ حسن معاشرت و کمک بین آنها، محکم کردن تشکیلات و توسعه دادن تبلیغات مخفی اتحادیه و عملیات آنها، تأسیس کلوب کارگران و کلاسهای شبانه، دسته های ورزشی و کتابخانه تأسیس کویراتیف کارگری، آماده کردن کارگران برای اعتصاب آینده با شعارهای زیر: افزایش مزد، تهیه منزل برای کارگراها، موقوف کردن کتک و دشنام و جرمه پس از مدتی کلوب کارگری، کلاسهای اکا پروشعیه ورزشی و کتابخانه دایر شد. دولت تحت فشار کمپانی بد و او این مواسسات را سانسور کرد و سپس بخت نه فقط کارگران بلکه تمام اهالی باین عمل اعتراض کردند.

در ژانویه ۱۹۲۹ تحت رهبری کمیته ایالاتی، کنفرانس دوم اتحادیه ها که آن موقع در حد و سه هزار نفر عضو داشت دعوت شد. در آن کنفرانس قرار شد زهنائیزه اتحادیه جلب شوند. کنفرانس تصمیم گرفت، اعتبار کمپانی نفت جنوب مورد مطالعه و تجدید نظر قرار گیرد. تصمیم مهم دیگر آمادگی برای اعتصاب عمومی در روز اول ماه مه بود. سپس برای افتتاح کلوب کارگران با اسم دیگری تصمیم گرفته شد. در مقاله ای آمده که یکی از شرکت کنندگان کنفرانس خائن در آمده مراتب را با موریان دولت اطلاع داد. بنا بر این در آستانه روز اعلان اعتصاب عمومی عده ای از مسئولین اتحادیه را زندانی میکنند تا شاید بدین وسیله جلوی اعتصاب را بگیرند. ولی روح مبارزه در کارگراها قوی و آنها تشنه مبارزه بودند. اعتصاب که قرار بود اول ماه مه باشد در چهارم ماه مه ساعت ۸ صبح شروع شد. دستجات پلیس که در مراحل واقعه آمده بودند چون

عهه شان کم بود دست بحمله نزدند. کمپانی زورقهای بخاری خود را برای آوردن قشون ازیناد روشهرهایگارانداخت. هنگام ورود قشون به محل اعتماد "کارگران آمدن قشون راباخواندن سرودهای انقلابی وفریاد" محوید کمپانی نفت انگلیس" محوید اعمال استعمار!" "محوید امپراطوری انگلیس!" پاسخ دادند. پلیسها ونظامیان باشمشیربرهنه به کارگران حمله کردند. آنها نیز با سنگ، چوب به نوکران شاه واستعمار جواب دادند. در نتیجه بیست جوان کارگرو قریب پانزده پلیس مجروح شدند. این کیفیت اداره نفت جنوب قشون ایران را وارد کارزار کرد. آنها نیز ورود کشتی های جنگی انگلیس را از بصره صلیبند. کشتیهای جنگی وارد شدند و در آبادان لنگرانداختند. این وضع بر خشم کارگراها افزود. روز بعد جمعیت کثیری از کارگراها کیساریای پلیس آبادان رامحاصره واستخلاص فوری رفقای خود را خواستار شدند. ۹ هزار نفر از پانزده هزار کارگر آبادان در این اعتصاب اشتراک کردند. در اثر این اعتصاب تمام مؤسسات نفت تعطیل شد. حتی مردم بخصوص دکاندارها بعنوان اشتراک تمام دکانهای خود را بستند. کارگرهای بیگارا آبادان به اعتصاب پیوستند. در نتیجه بیست هزار کارگرو هالی شهردار اعتصاب ونمایش اشتراک کردند. قشون با سرنیزه توانست اعتصاب را بشکند. در آخرین روز اعتصاب آبادان در مسجد سلیمان ونواحی نزدیک کارگران شروع به اعتصاب کردند ولی به ناسبیت شکست اعتصاب آبادان وزندانی کردن ۸ نفر از مسئولین مسجد سلیمان مجال توسعه دادن به اعتصاب شهرهای دیگر نشد. روی هم رفته یکصد و هشتاد نفر کارگرسن حبس و به نقاط گوناگون تبعید وسیمصد نفر هم از کار اخراج شدند. پس از سه ماه قریب پانصد نفر زن و بچه یعنی کسان زندانی وتبعید شدگان نمایش در جلوی مجسمه رضاشاه نمایش دادند وتقاضای برکردادن کارگران زندانی وتبعیدی هارا نمودند. نمایش دهندگان از خیابانها عبور کرده در جلومجسمه رضا شاه میتینگی تشکیل دادند ونطقهای مهیجی بر ضد انگلیسیها وشاه ایران ایراد نمودند. دولت برخی روحانی نمایان را اجیر نمود تا آنها زنهار را وادار به دست برداشتن از این نمایش نماید. لیکن فعالیت آنها بجائی نرسید. سپس مامورین بزور باتون واسلحه عده ای رابازداشت وقتیه راپراکنده کردند. پس از آن عده کوچکی از کارگران پس از تحمل مشقات زیاد عازم تهران شدند تا از مظالم شرکت نفتیه دولت وقت شکایت نمایند. آنها نامه به مجلس ونخست وزیر نوشتند. نخست وزیر در پاسخ تقاضای

کارگزاران خود را نشان داده و گفت: چون کارگران برضد کمپانی قیام و اقدام نموده اند، حالاً هم باید با خود کمپانی مذاکره کنند و کنار بیایند تا کمپانی از تصحیر آنها بگذرد. و کارگران را از حبس و تبعید آزاد کند. این رفتار دولت نشان داد که کارگزاران فقط یک چاره دارند و پس یعنی آنها باید تکیه بخود دهند و سازمان خود را تقویت کنند تا حقوق حقه خود را بدست آورند.

اعتصاب کارگران نفت جنوب اعتصابی بود غیر عادی با اینکه تقاضاهای کارگران برای بهبود وضع آنها، برای آزادی سازمان دهی و غیره بود در همین حال این اعتصاب یک مبارزه سرسخت سیاسی علیه استعمار، برای آزادی و استقلال کشور بود. این اعتصاب ایران را تکان داد. این مبارزه بعد ها نتایج زیادی در نهضت انقلابی ایران داشت. در آن روزها انگلیسها و نوکران حلقه یکوش ایرانی آنها شهرت داده بودند که انگلیسها مقتدرند و هر چه دلشسان بخواهد میتواند انجام دهند. اما این بت شکست اثرات این اعتصاب تاثير زیادی در کشورهای همسایه از جمله عراق و کویت و حتی هند وستان کرد. در آن روزها مردم ایران روحاً با اعتصابیون همراه بودند. این اعتصاب در واقع مظهر مبارزه بی امان تمام مردم بود. نیروی دیگری که شریک رهبری این مبارزه باشد در میدان نبود، حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست ایران نه فقط پرچم دار طبقه زحمتکش بلکه تمام مردم ایران در این مبارزه مقدس برعلیه امپریالیسم بود. اهالی خوزستان عملاً از اعتصاب جانبداری نمودند. حتی مردم در رعایش با کارگزارها یکجا اشتراک کردند، این اعتصاب رژیم رضاشاه را رسوا کرد. برای آنها تکیه رضاشاه را "قهرمان ملی می پنداشتند ثابت شد که او دست نشانده امپریالیسم انگلیس است و این خدمت را بخلقت طبقه کارگر رهبری حزب کمونیست انجام داد. درست است که پس از اعتصاب کارگزاران توانستند برخی بهبودها بوضع خود بدهند. ولی این مرحله‌ای بود برای نبرد های بزرگتر. اگر مردم آذربایجان و گیلان و تهران در نهضت آزادی دوران مشروطه پیشرو بودند. در این ولایات طبقه کارگر مدتها پیش وارد کار برای آزادی شده بود. از همان دوران مشروطه سوسیال دموکراتها سپس کمونیستها نقش مهمی در نهضت آزادی بخش ایران ایفا کردند. اما کارگزارها تکیه در خوزستان کار می کردند (باستثنا عده خیلی محدودی متخصص) اکثر ازدهاتهای دوردست کشور عقب افتاده، زارعین تاریک دیروز بودند که ازدهات کرمان، یزد، اصفهان، گلپایگان آمده و وارد موسسات نفت شدند، اینان درید و مرافق آگاهی

طبقاتی بودند. بنابراین مراحل کوناگونی پررنج را طی کردند تا بسطح بالاتر مبارزه رسیدند. مثلا ایشها باورد داشتند که دولت "بیطرف" است. امید به دولت داشتند، عده‌ای از این کارگرها اعتقاد به حزب اجتماعیون محل داشتند؛ حتی کارگرهای عقب مانده وارد جمعیت‌های مذهبی شدند. یعنی راهی را انتخاب کرده بودند که روح مبارزه و انقلابی در آن نبود. طی مدت کوتاهی جهشی در مبارزه نمودند از شعارهای ساده زندگی به شعارهای ملی یعنی مبارزه با امپریالیسم، برای استقلال ملی و آزادی رسیدند، چیزیکه آگاهی آنها را بالا برد. در درجه اول وضع وقت با محرومیت‌های کوناگون وستم بیحدی بود که از انگلیسها امیدند از آنجمله تحقیر ملی، توهین، کتک، فحاشی، کرسنگی وغیره. از طرف دیگر رهبری حزب کمونیست ایران با روح انقلابی توانست طی مدت کوتاهی طبقه کارگر را متشکل و به مبارزه بکشد. در دوران سیاه ارتجاعی که در ایران "پرنده پررنج" ، موقعیکه ایران میدل بزنندان همگانی شده بود، کمونیستها بودند که برای نجات ملت دست به جانبازی زدند و انواع محرومیتها را متحمل شدند و در عمل صدها و هزاران نفر از آنها نشان دادند که حاضرند برای حرف حق و کار حق جان خود را فدا ای مردم میکنند و در این راه قربانیهای زیاد دادند. این کارزار مبارزه ای بود اقتصادی، سیاسی، برای بهبود وضع توده ها، برای آزادی دموکراسی و استقلال ایران، علیه امپریالیسم و رژیم پوسیده، فتودالیسم برهبری رضاشاه. در این مبارزه متاسفانه هیچ حزب یا سازمان دیگری سیاسی به میدان مبارزه نیامد.

فعالیت حزبی در خارج از کشور

دردوران دشواری اجتماعی سالهای بیست و سی سده، ماکیمته مرکزی حزب کمونیست ایران توجه خاصی به فعالیت در خارج از ایران داشت. هدف استفاده از همه امکانات برای ترویج افکار مارکسیستی - لنینیستی و تحکیم حزب از لحاظ سازمانی و ایدئولوژی بود. در درجه اول اهمیت خاصی به اروپای غربی داده میشد، زیرا در غرب عده زیادی دانشجوی ایرانی مشغول تحصیل بودند. عده زیادی از این دانشجویان از طبقات متوسط و اکثر امیابن دست و دشمن سرسخت امپریالیسم ورژیم پوسیده مالاکی - کمپراد و پهلوسوی بودند. دولت ایران بطور رسمی در اواخر سالهای بیست دانشجوی پسرای تحصیل به اروپای غربی کسبل داشت. طبق خبر روزنامه "پیکار" در سال ۱۹۳۱ در حدود یک هزار نفر دانشجوی ایرانی در غرب تحصیل میکردند. بنا بر این حزب اهمیت خاصی به کار در میان دانشجویان ایران مبذول داشت. کار دیگری که در غرب اهمیت داشت چاپ و نشر جراید و کتب مارکسیستی بود. در عین حال حزب میکوشید در جراید و موقرات غرب درباره اوضاع ایران مطالبی چاپ و منتشر کند. حزب با احزاب براد غرب تماس داشت و خود این موضوع دارای اهمیت فوق العاده بود. احزاب براد رسمی و کوشش زیادی در امر کمکهای معنوی و سیاسی به حزب مامبذول میداشتند آنها حتی در تربیت کمیونیستی برخی قشرهای جوانان ایرانی شرکت مینمودند.

حزب بطور غیر مستقیم در برخی مجامع بین المللی شرکت داشت، تا علیه امپریالیسم که دشمن دموکراسی و استقلال ایران است برای رسان نمودن رژیم ارتجاعی رضاشاه فعالیت نماید. جراید احزاب براد در غرب کمکهای شایانی به حزب مامیکردند. از آن جمله حزب کمونیست آلمان، فرانسه و اطریش. مثلا نماینده حزب ماد رکنفرانس سازمان بین المللی ضد امپریالیستی شرکت جست. از طرفی خود محیط سیاسی در برخی کشورها یعنی نهضت انقلابی بسی خواه ناخواه تاثیر در تربیت افراد جوان ایرانی داشت. بجاست نام چند تن

از رفقای که فعالیت‌های زیادی داشته‌اند ذکر شود. مثلا رفقا دکتر تقی اراچی، مرتضی علوی در آلمان، ایرج اسکندری در فرانسه، از طرف کمیته مرکزی اسطغان زاده بیش از دیگران در این زمینه کار کرده است.

در این دوران نهضت دانشجویی ایرانی در آلمان جای خاصی را داشت. این عده هم سازمان دانشجویی نسبتاً چشم‌گیری داشته‌وهم در سیاست جدی بودند. سازمان حزبی داشتند و اثر مهمی از خود باقی گذاشته‌اند. از آنجمله است اشتراک آنها در جاب و انتشار جراید حزبی. از طرفی خود دادرسی روزنامه "پیکار" و تبخید کارکنان "پیکار" از آلمان غوثی علیه رژیم رضاشاه در غرب پراخ انداخت. حزب در این دوران در شوروی هم فعالیتش متوجه تربیت کادرهای حزبی بود. عده ای در مسکو - لتین گراد، پاکو و تاشکند مشغول تحصیل بودند. آنها با ایران برگشته و کمک‌های چشم‌گیری به نهضت انقلابی نمودند.

یکی از فعالیت‌های دانشجویان ایرانی مقیم غرب را اینجا می‌آوریم. (۱) از جمله سندی است تحت عنوان: "شرح مذاکرات کنفرانس محصلین انقلابی ایران" که خود این کنفرانس در اوایل فوریه ۱۹۳۱ در شهر کلن منعقد شد. در این سند گفته شده است که در اوایل ماه فوریه کنفرانسی از محصلین انقلابی اروپا در شهر کلن تشکیل گردید. در این کنفرانس نماینده جمهوری طلبان ایران شرکت نمود: "نمایند هم‌ذکور فقط برای شرکت در این کنفرانس که از زمانی باینطرف مقدمات آن فراهم گردیده بود، با مشکلات بیشماری مواجه بود. خود را با اروپا برساند. برای تشکیل کنفرانس نیز توانی در بین بود ولی کنفرانس منعقد شد. در این کنفرانس چند نکته مهم و اساسی درباره ایران مورد بحث و مطالعه واقع گردید، بدو "هرمز" نماینده جمهوری طلبان گزارش مبسوطی از اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران و نیز راجع به وضعیت و مذاقین و اوضاع فلاحتی ایران بیان نمود. رفیق هرمز در گزارش خود مخصوصاً اوضاع کارگران نفت جنوب وضعیت زندگی آنها و شرح اعتصاب سال ۱۹۲۹ و اقدامات حکومت رضاشاهان برای سرکوبی اعتصاب و سایر مسائل محلقه را بطور جامه شرح تشریح نمود. مشارالیه در گزارش خود مخصوصاً ترقی نهضت کارگری و نفوذ فرقه کمونیست را بیان کرد و این مسئله را خاطر نشان نمود که در مبارزه با حکومت رضا خان در آتیه ایالت خوزستان که مرکز نهضت کارگری ایران است اهمیت‌شایانی (۱) شرح کنفرانس دانشجویان در جراید حزبی آنروز منعکس شده (پیکار)

را حاضر خواهند شدید. بعلاوه رفیق هرمز مشاهدات اخیر خود را از تعدیات
واجحافات مامورین دولتی آنچه که در این زمینه مشاهده نموده بود بسرای
کنفرانس تشریح کرد. (۱)

این قسمت عمده گزارش هرمز در خصوص وقایع اخیر و دستگیری هزاران
افراد زحمتکش بود که در اشرار انتخابات مجلس هشتم که حکومت ایران از هیچ طرفی
کمان مخالفت و مقاومت را نمیبرد برخلاف انتظار خود و تمام شهرهای ایران،
در استیجاب مخالف، علی رغم مداخلات علنی و تروریستی تأمینات و ایجاد صندوق
های قالی و حیلله های دیگر حکومت، مخالفت خود را ابراز داشته و عملاً آنرا
نمایان ساختند. مثلاً در سبلوی اهالی متفقاً در صد در صد برآمدند صندوق آرا
قالی را آتش بزنند و در تبریز و مشهد هم نظیر اینگونه وقایع اتفاق افتاد. در این
مخالفت علاوه بر دستجات جمهوری طلب فرقه کمونیست ایران همه جا مقام
رهبری را دارا بود و در حقیقت بیشتر از پیش اراده محکم خود را برای مبارزه بسا
حکومت رضاخان ثابت و خود را بتوده معرفی نمود. درقبال این مخالفت های
تدید که حکومت در موقع انتخابات با آن مواجه گردید سپس در تمام شهرها
شروع بدستگیری افراد بیگناه نموده بدون هیچ مآخذی هرکس را که جاسوس
ها اسم میبردند فوری دستگیر نمود و به زجر و عقوبت مبتلا کرد. مثلاً در عرض
یک هفته بیش از سیصد نفر تارکوکا سب را در شهر تبریز دستگیر نمودند، چنانچه
تعداد دستگیرشدگان و محبوسین به بیش از سه هزار نفر رسید.

نکته قابل اهمیت، مکتوبی بود از اصفهان که بعنوان یکی از اعضای
کنفرانس رسیده بود. در مکتوب مذکور مخصوصاً در ضمن سایر نکات ذکر شده که
محبوسین را بعداً در محل مرطوب بدون تخت خواب و جای نشیمن سکنی داده
(۱) نگارنده این سطور شکی ندارد که هرمز همان سلطان زاده است، به دو
دلیل. در خاطراتی که در مجله "دنیا" چاپ شده در باره جلسات برخی از
اعضای ک.م. حزب کمونیست ایران آمده که جلسه آن سلطان زاده را مامور
رسیدگی با محور حزبی در غرب نمود. این تصمیم در اواخر سال ۱۹۳۰ بود و در
فوریه ۱۹۳۱ در کنفرانس حاضر شد. دلیل دوم در جزایر حزبی بازمقالاتی
داریم با عنوان "آ. هرمز که نام کوچک سلطان زاده یعنی آوادیل است" و در مورد
هائی دارد که نام مستعار آن "هرمز است" اما چرا نمایند "جمهوری طلبان"
در کنفرانس نطق کرده؟ البته این کار برای پنهان کاری انجام شده. در عین
حال بایستی قید کرد که چندی قبل از این حزب کمونیست با عده ای جمهوری طلب
حزبی وارد تماس شد. بیانیته معروف این جمعیت بنام "بیان حق" در اروپا منتشر شد.

نان خشک به آنها میدهند. بسیاری از محبوسین در اثر شکنجه و غذای چنان
مریض هستند که در زنده ماندن آنها شك و تردید است. بدتر آنکه چون جمله
محبوسین از طبقات فقیر هستند زن و بچه آنها گرسنه مانده هر روز به نظمیسه
رفته برای خلاص آنها تضرع مینمایند، ولی البته تمام تضرعات بی اثر است. در
پایان گزارش ميسوط هر مزرّاجع به این گزارش مباحثه طولانی بعمل آمد. در
ضمن مباحثه جمله "رفقا متفق القول بوده که امروزه وقت آن رسیده است که در
مقابل ارتجاع رضاخان مبارزه جدی وی امان را شروع نموده تا با وسائل ممکنه
را بگارد. در ضمن مباحثه چنین شد که گزارش ميسوط و جامع هرمز بخوسی
ثابت مینماید که در ایران کنونی برخلاف نظریه منورالفکرهای سست عنصر
ایران، جنبش آزادی کاملاً در حال جریان است و کمال امیدواری را با انقلاب
آینده ایران میدهد. در خاتمه کنفرانس تصمیم گرفت که اعلامیه ای شامل
اوضاع کنونی ایران خطاب به محصلین ایران وتوده کارگران و دهاقین و عموم
زحمتکشان ایران صادر و منتشر نماید.

قبل از همه چیز میبایستی در ضمن اعلامیه مذکور ظلم و تعدی حکومت
استبدادی رضاخان و تسلط اصول فئودالی و امپریالیسم انگلیس و اینکه حکومت
رضاخان کاملاً دست نشانده انگلیس است بمعرض افکار عمومی ایران گذارد.
شود. سپس اعلامیه مذکور طرح و در جلسه بعد کنفرانس تصمیم بابتشار آن گردید.
نکته مهم دیگر که در کنفرانس موضوع مذاکره واقع گردید، مسئله محبوسین و رفتار
سیعانه حکومت رضاخان نسبت بآنها بود.

حکومت رضاخان از یک طرف سعی مینماید که خود را در انظار مالک
ارواح حکومت متعین و متحد نشان بدهد از طرف دیگر شکنجه و غذایی که نسبت
به محبوسین بعمل میآورد کاملاً نظیر عقوبت های دوره قرون وسطی است.
از این جهت کنفرانس تصمیم گرفت که با تمام وسائل ممکنه صدای محبوسین سیاه
ایران و طرز رفتاری را که با آنها میشود، بگوش تمام مالک ارواها رسانده مطبوع
عات کارگری و آزادی خواه ارواها برای اعتراض بر ضد عملیات وحشیانه حکومت
بصدد آورده. بنابراین تصویب شد که اعتراض نامه ای از طرف کنفرانس انتشار
یابد و زبانهای فرانسه، انگلیسی و آلمانی بتامم جراید اروپا و امریکا فرستاده
شود. در اعتراض نامه مذکور میبایستی جمع قتلهای مخفی وطنی حکومت ذکر
رفته شود. یک موضوع بسیار مهم دیگر که در کنفرانس مورد مذاکره واقع گردید
بقیه ازم قبل - سلطان زاده در اوایل سال ۱۹۳۰ در بلنوم دوم ک. م.
حزب کمونیست ایران در تهران نیز شرکت جست بود.

مسئله انتشار يك روزنامه بود • سانسورد اخلى وكتت وكشتارهاى بى علت و رواج جاسوسى بلكى مانع ازآن است كه حقايق را بتوان در داخل ايران چاپ و انتشار داده از اينجهت موضوع انتشار يك روزنامه در خارج از ايران امر بسيار مهمى بوده و پيشنهاد انتشار يك روزنامه در خارج ايران از طرف جمع رفا باكمال شادى تلقى كرديد • وظيفه عمده اين روزنامه اين خواهد بود كه تمام جنايات حكومت رافاش نموده و افكار عمومى را برضد حكومت براى مبارزه با اصول استبدادى آماده نمايد • هرچند كه اين روزنامه در خارج ايران طبع ميگردد ولى ميبايستى بهر وسيله كه شده آنرا در داخل ايران انتشار داد • البته اين روزنامه كه در خارج ايران طبع ميشود موظف است كه نيز به محصولين توجه كامل داشته باشد • بين آنها تبليغ نموده محصولين جدى را بپيش انقلابى جلب نمايد • اين روزنامه نيز موظف است كه افكار عمومى اروپا را با اوضاع كنونى ايران آشنا ساخته از اين سبب از تبليغات در روى و تقلىبى حكومت در اروپا جلوگيرى نمايد • چون وسايل براى چاپ روزنامه فقط و فقط منحصر مساعدت داخلى ايران است، اين است كه متاسفانه روزنامه ميتوان فقط در هر دو هفته يك شماره انتشار يابد ولى براى ما يقين كامل است كه تمام عناصر آزاد بخواه زحمتكش ايران حتى القدر و ارز و رونزد يك از هر نوع مساعدت هاى مادي و معنوى به روزنامه ما كوتاهى ننموده وسايل دوام و انتشار اين روزنامه انقلابى را فراهم خواهند آورد • پس از بحث و تذكار بعضى نكات متفرقه كنفرانس چند نفر را بسمت هيئت عامله بين خود انتخاب نمود و آنها را مسئول اجراء تصميقات فوق الذكر نمود • اين بود مطالب اعلاميه كه ما باكمى تلخيص نقل کرده ايم •

بنظر نويسنده اين سطور خواننده پس از خواندن اين نوشته تا حد ودى روحيه دانشجويان انقلابى مقيم اروپا را مجسم ميكنند • روح انقلابى و آمادگى براى مبارزه بخصوص در امر فاش كردن جنايات رژيم رضا شاه در جرايد اروپا و ضرورت چاپ و انتشار روزنامه كه همان "بيكار" است چشم ميخورد • ما از موقع استفاده نموده ميخواهيم فقط يك تذكار لازم بد هيم اينكه در انتخابات مجلس هشتم تقابلاتى بوده درش حرفى نيست • اينكه دولت عمده كثيرى را در اين امر زندانى نموده باز شكى نيست • ولى تنظيم كنندگان اين نوشته دو چيز را بهم مخلوط كردند • در جايى آمده كه سه هزار زندانى سياسى در ايران محبوسند • و اين موضوع را با انتخابات مجلس هشتم مربوط ميكنند • اين مطلب نادرست است • نبايستى فراموش كرد كه چند ماه پيش از كنفرانس عمده زيادى كه گونيست —

در خوزستان، تهران و آذربایجان گرفتار شده بودند. این نه برای انتخابات بلکه ناشی از سیاست دولت بوده که حزب کمونیست ایران را تاروا بر نماید. مقدمات این کار در آستانه کنفرانس شروع شده بود که ادامه پیدا کرد.

سودمند میدانیم که متن بیانیه کنفرانس دانشجویان راد راینجا بیا -
وریم که در "پیکار" شماره ۱ سال ۱۹۲۲ چاپ شده :

"رفقا و هموطنان! قریب ده سال است که حکومت استبدادی رضا -
خان در ایران بسلطه و حکمفرمایی مینماید. تاریخ سلطنت این جلاد خون -
خوار و ظلم و جور نسبت بتوده زحمتکش ایران توأم میباشد. جنگلهای انبو ه
کیلان و صحرای وسیع خراسان و آذربایجان و فارس یا خون بهترین فرزندان
ایران که بدست این غارتگران جبار کشته شدند رنگین است." در عرض این
ده سال عده افرادی که مخفی و وطنی یابهای دار رفته و تیرباران شدند ،
بیش از سه هزار نفر است. تنها در شهر کوچک سلما س در سال ۱۳۰۵ بیش از
دویست و پنجاه دهقان زاده ایرانی را که بلباس ننگین سر یازی حکومت رضا -
خان راد برداشتند در صحن مسجد با کمال قساوت و جلادی تیرباران نمودند .
در شهر رشت در سال ۱۳۰۶ شصت نفر از قهرمانان آزادی را که در تحت رهبری
ابراهیم خان بیرق آزادی را برافراشته بودند اعدام نمودند ، از این شصت نفر
۲۵ نفر از آنها راد رسبزه میدان رشت بدار آویختند . اهالی مشهد و تبریز و
رشت و شیراز مگر شاهد این گونه خونریزیها نبودند ؟ برهه کس واضح و آشکار
است . این قتلها و جنایات علنی بوده به قتلهای مخفی و اعدام پنهانی نیز
متوسل میشوند . در عرض این مدت کوتاه چندین هزار افراد زحمتکش ایرانی
در سیاه چالهای نظمیة تهران ، مشهد ، رشت ، تبریز و کرمانشاه دچار زجر
و شکنجه واقع شده و وسیله زجروستم مهلك كشته شدند . چقد راز محبوسین
سیاسی را که در هنگام فرستادن تحت الحفظ به تهران درین راه سر بسه
نیست نموده اند . در سال ۱۳۰۸ که کارگران نفت جنوب اعصاب نمودند ،
حکومت چند نفر از آنها را که بهترین عناصر کارگری بودند در راه خرم آباد تیر -
باران نمود ، بقیه آنها را در خرم آباد با اعمال شاقه واداشتند . بمنا سیمت
"انتخابات" هشتم بیش از ۱۵۰۰ نفر دستگیر گردیده و بیش از سیصد نفر از
انقلابیون که توانسته اند خود را از جنگال خونین جاسوسهای نظمیة نجات
بدهند تحت تعقیب و مامورین نظمیة در تمام شهرها رجسجوی آنها هستند .
اکثرت این محبوسین دچار زجر و شکنجه هستند که هیچ امید اینکه

زنده و سالم از محبس بیرون بیایند نیست. تنها در شهر مشهد بمناسبت واقعه انتخابات چهل نفر کارگرفالی با فزاد ستگیر نمودند. و تا کنون (در این موقع که ما این سطور را می‌نویسیم) پنج نفر از آنها در اثر زجر و شکنجه مأمورین تأمینات که میخواستند آنها را مجبوره لودادن سایر رفقای خود نمایند جان داده اند. با وجود اینکه هزاران محبوس سیاسی در دست نظمی گرفتار هستند تا با امروز حکومت رضاخان هیچ یک از محبوسین سیاسی را محاکمه رسمی ننموده و تمام محبوسین مطابق دلخواه مأمورین تأمینات و امرای لشکر مجازات میگردند. هر دزد معمولی را رسماً محاکمه میکنند ولی از ترس اینکه مبادا محبوسین سیاسی در محاکمه رسمی جنایات حکومت را علناً بر رخ آنها بکشند برای آنها هیچ نوع صفا که در کار نیست. ۰۰۰۰ از تمام آثار مشروطیت ایران که بخون هزاران فداکار انقلابی بدست آمد امروز هیچ باقی نمانده است. ۰۰۰۰ جیره خواران روزنامه نویس بوجود آورده اند که از رژیم تعریف کنند. سر بازارهای مشهد جار میزنند که وهاب اوف قاچاقچی مشهوریوسله پرداخت ده هزار تومان وجه به تیمور - تاش وکیل مجلس گردید. ۰۰۰۰ عده زیادی پول غارت شده را به بانکهای خارجی رجی انتقال میدهند. تنها شخص رضاخان پیش از صد و پنجاه ملیون دلار در بانکهای خارج ذخیره دارد. سرتاسر خاک مازندران و گیلان را ملک شخصی خود نموده است.

بعد از جنگ بین العلی تزار و روسیه از صفحه روزگار محو شد و طبقه زحمتکش روسیه مظفر و منصور بیرق آزادی را برافراشته چنانچه شایسته زحمتکش است. شیوه ظلم و جور را نسبت بغل زبردست برانداخته و دست خود را بطرف ملل زبردست دراز نمود. ۰۰۰۰ حالا موقع آن رسیده است که ایران از این موقعیت استفاده نموده راه ترقی را پیش گیرد. اما عملاً حالا برعکس اصول فتوای دلی پیش ازین محکم گردیده، امروز زمینهای حاصل خیز ایران در دست دوالی سه هزار ملک و مملکت جمع است.

وضع دهقانان با عایله اش بخورنمیراست. سرتاسر ایران علاوه بر اینکه دهقانان نصف تا هفتاد درصد محصول خود را به ارباب میدهند و برای بی مزد هم کار میکنند (بیگاری). سالی ده ها هزار دهقان گرسنه شهرها برای گدائی میروند یا بخارجه مهاجرت میکنند. با روزی ۱۲ و ۱۴ ساعت کار مزد کارگران ایرانی کفاف معاش روزانه آنها را نمیکند. وضع آنها هزار مرتبه بدتر از غلامان دوره قرون وسطی است. در کارخانه های قالی بافی بچه های

هشت ساله برای چند شاهی مزد روزی ۱۲ ساعت متوالی کار میکنند، در تمام نقاط ایران اطفال ده ساله را برای شوشه و جاده کویی بهار میبرند. چهل هزار کارگر ایرانی در نفت جنوب با زندگی بخور و نمیر برای خوشگذرانی لردها و سرمایه داران انگلیسی جان میکنند. در اعتصاب ده هزار نفری سال ۱۳۰۸ برای سرکوب آنها دولت ایران از هر طرف قشون جمع آوری نموده و با خون و آتش اعتصاب را خاموش کرد. دست نفر از محصولین ایرانی در فرانسه فقط در قسمت کارهای جاسوسی و تأمینات تحصیل مینمایند. حالا بیش از ده هزار محبوس سیاسی در سیاه چالهای ایران گرفتارند، توی این عده صد هانفسر انقلابی هستند که "جان در کف دست پاکمال فعالیت با حکومت جابر رضاخان مبارزه میکنند".

بودجه معارف ۲ درصد است. در روز مالیاتهای تازه ای وضع میکنند، بحران شدت پیدا کرده. عده بیکاران زیاد شده. طی این ده سال هیچ مالیاتی برای پولدارها وضع نشد. همه سنگینی این مالیاتها بگردن زحمت کشان است.

انگلیس در ایران مراکز نظامی بخصوص در جنوب برای مبارزه با انقلاب ایران و جنگ با اتحاد شوروی بوجود میآورد. دولت ایران ابتدا قادر بدفاع بحری نیست. انگلیسها کار بحری را بنفع خود یک طرفه نمودند. باید در مقابل انگلیس زانورد یا مبارزه نمود. راه سومی نیست. رضاشاه راه زانوردن را اختیار کرد. راه آهن سرتاسری ایران بنفع اقتصاد ایران نیست، بلکه ایمن نقشه استراتژی انگلیس است.

سپس بیانیه (خطاب) به کارگران و دهقانان نموده مینویسد "دانشجویان برای آزادی و استقلال علیه امپریالیسم مبارزه میکنند شما نیز خود را برای این مبارزه آماده کنید! شما نیز ثابت کنید که سر را آزادی هستید نه غلام ارتجاع زحمتکشان ایران که امروز برای مبارزه با اصول غارتگری و نفوذ الیسم و سلطه اجنبی با خون خود بازی مینمایند، هر محصل با سرفی حاضر است صادقانه در راه آزادی با آغوش باز قدم بردارد! کارگران! دهقانان! زحمتکشان! ما محصولین انقلابی صدای خود را بلند نموده دست اخوت و برادری را بطرف توده زحمتکش ایرانی دراز مینمائیم. ما به مبارزانی که در سیاه چالها هستند قول میدهم که بیرق آزادی و انقلاب را که آنها برافراشته اند پابرجا نگاهداریم برای سرکوبی این اساس غارتگری که مایه ذلت و فلاکت توده رنجبر ایران است

کوتاهی نمائیم، وکلای حقیقی ملت آن کسانی هستند که امروزه درکنج محبس های نضیه بحقوقت و شکنجه گرفتار هستند." در آخراین سند آمده است:

"بنام خود شهیدان راه آزادی و آنهاشیکه در زندان مرده اند قول میدهم ایران را از عناصر کثیف تمیز نمائیم! محو باد حکومت استبدادی رضا - خان و سلطه ملاکین! محو باد اصول فتوای امپریالیسم انگلیس را زنده باد انقلاب زحمتکشان ایران. زنده باد جمهوری کارگران و دهاقین ایران!"

ما کوشیدیم تقریباً تمام نظریات دانشجویان، آه روز و قطعنامه و بیانیه دانشجویان را در این نوشته بیاوریم. تا خواننده روح واقعی دانشجویان ایرانی آنروز را که در غرب میگذراندند بخوبی درک کنند. البته روح انقلابی و هیجان آمیز آنها بچشم میخورد و خیلی هم طبیعی است. چون آنروزها رژیم رضاشاه دست جنایات وسیعی زده بود. مبارزه خود دانشجویان ایرانی ساکن غرب ارزنده و پیرا احساسات بود. ارزیابی آنها از رژیم درست و کامل بود. در آن دوره چه در ایران و چه در غرب مردان مبارز کمونیستهای ایران بودند. اینان مترقی، پیشرو و پیکان حزب انقلابی بود که علیه ستم و ارتجاع داخلی و خارجی مبارزه میکرد. مبارزه آنها ملی و اجتماعی بود، متأسفانه گروهی دیگر ملی، دمکرات بچشم نمیخورند. یا آنها جسسه گریخته بطور ضعیف اضاها وجود میکردند یا اصلاً وجود خارجی نداشتند. در غرب اگر گروهی ملی دیگری از دانشجویان ایران وجود داشتند آنها یا پای سیف یا اصلاً به ثابته نیروی سیاسی بچشم نمیخورند.

نهضت دانشجویی در غرب از طرف حزب کمونیست ایران اداره میشد. فعالین دانشجویان افراد حزب کمونیست ایران بودند. بایستی بد و چییز هم اشاره کرد. اولاً در باره جنایات رژیم گاه غلو میشد. است. در اصل هر چه از جنایات رژیم گفته بشود حق است ولی غلو هم بوده است. علت اصلی غلو هماننا دوری ایران بود. بعلاوه خود رژیم سخت ارتجاعی بوده که مردم حتی در داخل ایران قادر نبودند بطور دقیق بدانند حدود جنایات رژیم تا چه حد است. از طرفی هم اینجا نیز مانند خیلی اسناد صحبت از جمهوری زحمت کشان است. یا اینکه زحمتکشان بخصوص طبقه کارگر پرچم دار انقلاب بود، ولی محتوی انقلاب آنروز بورژوازموکراتیک بوده نه انقلاب سوسیالیستی در این باره در جای دیگر صحبت کرده ایم، و در اینجا تکرار آن مطالب را لازم نمی شمیرم.

بحران اقتصادی جهان و اثرات آن در ایران نتیجه دیگری هم بار آورد، بدین معنی که رایالات، توی دهقانان هیجانان، شورشهای پیش آورد. در نتیجه عده زیادی از دهاتیها و کوهها جنگلها پناهنده شده و با اسلحه یاد ولت در مبارزه بودند. این شورشهای محلی که جسسه گرفته بدون نقشه و مرکزیت و بدون رهبری سیاسی انجام میگرفت ادامه داشت و در اثر این حوادث عده ای از این دهاقین گرفتار، زندانی یا اعدام شدند. در عین حال عده ای از کارگران نیز در این مبارزه زندانی شدند. البته این عده ابداً مربوط به زندانی شدن افراد کمونیست نبودند بلکه کمونیستهارا از آن لحاظ تا رومار کردند که آنها با عملیات خود رژیم را متزلزل و از طرفی هم خطرسرایت کمونیسم از ایران به هند و کشورهای عربی مطرح بوده است.

ما از جراید حزبی در باره ترویدرژیم علیه این دهقانان زندانی و سایر زندانیهای دیگر مطالبی چند که جسسه گرفته آمد به بازگو میکنیم و وضع آنروز را مجسم کنیم. این خبرهای گوناگون مظهر فشاری است که رژیم رومیداشت.

نشریه "نهضت" شماره ۱ سال ۱۹۳۲ مقاله ای تحت عنوان: "ما

در رژیم مرتجع پهلوی": چاپ کرده است. در این مقاله آمده است ارتجاع ایران چنان توسعه یافته که "حتی کلبه های ادبی را هم بسته اند" کسی قادر به جمع شدن نیست" اگر کسی جرئت این کار را داشته باشد جای او زندان و همیشه تحت تعقیب است. بقول روزنامه های نوشته بود از مشروطه و قانون اساسی يك چیز مانده است و آنست که پایتخت ایران تهران است، در واقع از مشروطه چیزی نمانده است. در آخر مقاله آمده: "ما برای آزادی توده ایران، برای دفاع از حقوق کارگران و دهقانان، برای آزادی ملل مظلوم اقلیت، برای رسوا کردن خیانتهای حکومت حاضر، برای سرنگون کردن حکومت استبداد، برای استقرار حکومت جمهوری دموکراسی علم مخالفت را بلند کرده قدم بیدان مبارزه میگذاریم و تنها پشتیبان ما توده نیرومند زحمتکش است."

در مکتوبی از امضایان، در باره وضع زندانیها چنین آمده است:

"ملاق، حبس تاریک، توهین، فحاشی در زندان رواج دارد. رئیس زندان سلطان محمد خان در زندان از عدالت عصر پهلوی صحبت میکند. پیگیران زندانیهای سیاسی، عده زیادی دهاقین در حبس اند." سپس آمده: "در روزنامه شفق سرخ" آقای دشتی گفته است که "زندان مرکزی تهران زندانیهای ارو- پائی را عقب زده است" (مضحک اینجاست که خود دشتی چند صباحی در این

زندانیهای بالاتراز زندانبانهای ارومیه (مؤلف) (نشریه نهضت شماره ۱ مارس ۱۹۳۲)

روزنامه "نهضت" (بجای پیکار) نوشت "عده کثیری از صاحب منصبان فزاق هنگام سرکوبی یاقیان دهاتی کشته شده اند." روزنامه "نهضت" این اطلاعات را از روزنامه "شفق سرخ" شماره ۱۹۴۲ ۲۲ آبان ۱۳۱۰ و روزنامه "ستاره" شماره ۶۱۴ در همان سال نقل کرده است. این شورشهای بزرگ - کنده ناهی شکل خبری بخود میگیرد که دهقانان ارباب و مامورین اورا بقتل میرسانند. اگر امکان دست دهد دهاقین دسته دسته از کشور خارج فرار میکنند تا به بدبختی خود خاتمه دهند.

"بحران وضع اقتصادی ایران را در گون کرده است. بیست هزار از کارگران نفت بیکارند، قالی بافها تعطیل، در رهنحیه دهقانان خرمن ارباب را آتش میزنند. این هم یک نوع مبارزه آنهاست که بخارج فرار میکنند. زد و خورد بین دهقانان و مامورین ارباب بحدی شده که ارباب را در این زد و خورد کشته اند. باخیر مامورین را دهاتیها کشته اند." ضمناً آمده که سه هفته پیش در سرحد خراسان بالغ بر ده هزار نفر دهاتی بواسطه سنگینی بشار مالیاتهای طاقت فرسا و تعدیات مامورین دولت رضاخان به خاک شوروی رفته - اند. آنها را در تاجیکستان جا بجا کرده و همه گونه وسایل برای آنها در آنجا فراهم نموده اند. برای پیشتر آنها موسسات ساختنایی - آرتل درست کرده اند. (آرتل یعنی کارگاه) "از روزنامه "پیکار" شماره ۱۱۲ اوت ۱۹۳۱." دهاتی بعنوان مختلف از طرف اربابها زندانی شده اند. ("پیکار" شماره ۱ اول ژوئن ۱۹۳۱)

در جنوب قحطی فراوانی است. دهقانان شورش کرده اند. شورش ایلات جنوب مربوط باین امر قحطی است. روزنامه "پیکار" اکتبر ۱۹۳۲ (مهر ماه ۱۳۱۱ شماره ۲ سال دوم).

"زلفو (سرکرده دهاقین یاغی معروف خراسان. مؤلف) بارقا پیش تیرباران ولی دهقانان دست از مبارزه برنداشتند. درقبال نهضت پراکنده پارتیزانهای دهات (در حال حاضر خراسان) حزب شعاری را میهد: "هرچه زودتر باید تشکیلات مخفی منظم دهاقین تحت رهبریت فرقه کمو - نیست ایران قوی و ارتباطا کلیه دهاقین ایران پیدا نمائیم تا یکمرتبه در همه

جاحکومت اشرافی رضاشاه را از بیخ و بن براندازیم" (از مجله ستاره سرخ شماره ده و یازده سال ۱۹۳۱).

د ر کشور از شهری به شهر دیگر رفتن جواز لازم است" (پیکار شماره ۱۸ اول ژوئیه ۱۹۳۱. در وزارت عدلیه یکی از وکلا بشاه سلام داد، چون تعظیم نکرده اورا شلاق زدند. ۰۰۰. در جای دیگری شاه بهد بیروزنامه دستور داد جلوی نظمیہ را جا روپ کند" (پیکار" اول سپتامبر ۱۹۳۱).

اما چه رفتاری بایلات میشود؟ رجوع کنیم به روزنامه "پیکار" در شماره طغیان اکراد این حادثه در روزنامه "پیکار" آمده است: "در اول طغیان از طرف دولت پانصد زن را بعنوان اسیر به صوفیان بردند (تبریز) ۰ ماورین دولت به کرد ها اطلاع دادند "اگر می خواهید زنهای خود را داشته باشید بایستی اسلحه را تحویل دهید" (در اثر فشار زیاد بخصوص توهین بزنهای اکراد) کرد ها را وادار به ساجت نمود. کرد ها بریاست "خاند آقا" هم قسم شدند تا جنگ کنند و زنهارا آزاد کنند و آزادی کردستان را بدست آورند. (مقاله تحت عنوان "طغیان اکراد و شکست ارتش دولتی" از "پیکار" شماره ۱۲ اول سپتامبر ۱۹۳۱)

در ایران معروف است که سپهد احمدی بلاشی بسرا ایلات و زنهارا نشان آورده که حدی برآن متصور نیست. صدها گوشواره زنهای ایلات را با گوشت بریده و به غارت برده اند. اتفاق افتاده که افسرهای ارتش سگهای خود را با شیر زنهای اکراد و سایر ایلات سیر میکردند!

جالب است. اگر سابق براین دهقانهای یاغی را در محاکم عادی محاکمه میکردند، در اثر فشار ارتجاع، و در نتیجه توسعه نهضت های پارتیزانی دهقانان (که در اثر فلاکت و گرسنگی رواج یافته) خواه نخواه علیه مالکین قیام میکردند. دولت تدابیر تازه ای علیه این قیام یا جنبش دهقانان که جسسه گریخته و بدون ارتباط بود، اتخاذ نمود. دولت ماده واحده ای بتصویب رساند. این قانون در ۱۰-۱۵ خرداد ۱۳۱۰ مطرح و تصویب شد. این قانون بر علیه دهقانانی است که یاغیگری میکنند این عده را در محاکم نظامی بنام "قطاع الطریق" محاکمه و اعدام میکنند. مثلا "جرم" دهقانان انواع و اقسام است. طبق اطلاعاتیکه "پیکار" میدهد در جاهائی دهقانان توانسته اند خرمن مالک را بسوزانند، در جای دیگر رزد و خورد دهقانان یا ماورین مالک اریاب یا ماشری کشته شده است. خود این زد و خورد ها بیشک صدها و صد ها

دهقان را مجبوره ترك خانه خود مينمايد . در نتیجه زن و بچه آنها گرسنه و آواره میشوند ، طبیعی است که دهقان "بایستی درد" نماند "واگرد" و مانند معنی اش زندان ، سپهر اعدام است . یا بایستی برود به کوه و جنگل و آنوقت چاره يك چیز است اسلحه برداشته روزگار تلخی را بیخاندان بگذراند . این عده رادولت بنام "اشرار" "دزد" "جاده بر" "قطاع الطريق" "یاغی" اعدام میکند . در جراید کمونیستها آرزو ده ها و ده ها این نوع حوادث مندرج شده . این دهقانان کم که اسلحه بدست میبایستی با سرازانیکه دولت برای سرکوب آنها میفرستد مبارزه کند . در حین مبارزه آگاهی طبقاتی دهقان رشد یافته ، کم کم از سیاست سرد رویاورد .

در روزنامه "پیکار" آمده که "بیش از سه هزار رنجبر ایرانی بجرم سیاه سی درسیاه چالهای پهلوی گرفتارند" . "پیکار" ۱۵ فوریه ۱۹۲۱ بهمن ماه (۱۳۰۹)

اینجادیگر مربوط میشود به زندانهای سیاسی که اکثر کمونیست بودند . در جاتی تعداد این زندانها را به ده هزار و جای دیگری سه هزار میرساند . نگارنده نظر خود را درباره تعداد زندانها در جاتی آورده . او لا در تاریخهای مختلف تعداد زندانها میتواند مختلف باشد . ثانیا عده ای از کمونیستها بطور رسمی اعضای حزب بودند ، این عده زندانهای اصلی سیاسی کشور بودند . بخیر از اینها دولت عده بهیشماري سمپاتیزان به کمو - نیسم رانندانی میکرد . زیاد اتفاق افتاده گروههای کوچک متعدد ای که گاه گاه در ورم جمع شده صحبتهای سیاسی و کمونیستی میکردند با اینکه سازمانی نداشتند نیز از طرف دولت زندانی میشدند . عده بهیشماري بحق یا ناحق مظنون و بجرم کمونیستی زندانی میشدند . مثلا روزیکه عده ای از کمونیستها را شلاق زدند (در اواخر سال سی) اتفاقا یکی در ورویس از این واقعه قورخانه آتش گرفت ، دولت از موقع استفاده کرده در حد و پانصد نفر کارگر مهاجر را "بجرم" کمونیستی زندانی و تبعید کرد .

در دوران تارومار نمودن حزب کمونیست ایران و اتحادیه های کارگری کمونیستها تیکه آزاد بودند بخصوص آنها تیکه در خارج بودند ، موضوع کمک به زندانهای سیاسی و افراد خانواده های آنها را مطرح میکردند . در "پیکار" شماره ۱۵ فوریه ۱۹۲۲ بهمن ۱۳۱۱ مقاله ای تحت عنوان : "اعداد به حبوسین سیاسی" چاپ شده است . در این مقاله سه

تبعات و نیازهای نهضت پیشنهاد جمع آوری پول، لباس و کمک مالی به "زندانی های انقلابی" میشود. در این مقاله وضع زندانیهای سیاسی شرح داده شده و وضع رقت بار خانواده های آنها را توضیح گردیده و پیشنهاد کمک می شود. در آخر مقاله آمده است: "مردم باد رژیم پهلوی، زنده باد آزادی محبوسین و انقلاب ملی ایران".

از طرف "پیکار" پیشنهادی برای تاسیس "صندوق اعانه کمک به محبوسین انقلابی ایران و کمک خانواده های آنها" شده. این پیشنهاد مهم با ماضی رفیق ذره بود که مینویسد "وضع زندانیها زیاد رقت بار و غیرتحسّل است. در اکثر این پیشنهاد های مردم اعانه برای زندانیان جمع آوری نمیشود. از همه بهتر خود متینگ های عم بستگی، مقالات یا نامه های در امر همبستگی بنفع زندانیها دارای اهمیت سیاسی بود. بدین وسیله نماینده اعتراضات علیه رژیم روحیه زندانیهای سیاسی یا انقلابیونی که هنوز زیاد است نشده و بودند بالا میبرد، و آنها را در مبارزه خود هر چه بیشتری بگیرتر میشده اند و این تشویق روحیه خود زندانیها را نیز تقویت میکند. رضاشاه و اربابانشان را وادار میکرد در عملیات ارتجاعی خود نسبت به زندانیها تاحدودی ملاحظه نمایند. در "پیکار" مقاله ای تحت عنوان "پروتست کارگران ایرانی باد کوسه برضد مظالم رژیم پهلوی" منتشر شده. در مقاله گفته شده "متینگ بزرگی از کارگران ایرانی و سایر کارگران در یاد کرد رباره" وضع ایران و جنایات رژیم داده شد. در این متینگ اشاره بدان شده که "هزاران کارگر و زارع، روشن فکر کمونیست زندانی اند، سپس در متینگ قانون ضد کمونیسم که مجلس ایران تصویب کرد و همچنین علیه امپریالیسم انگلیس در ایران اعتراض شد." در قطعنامه آمده "ما از جهت جانی و مالی هم فکرو همیشه حاضر به کمک با انقلاب ایران هستیم." زنده باد کارگران و دهاقین و آزادی ایران! زنده باد فرقه کمونیست ایران و انقلاب برضد ارتجاع و امپریالیسم انگلیس! مردم باد رژیم فوآل آسای پهلوی! زنده باد امپریالیسم انگلیس! باد کوسه اوت ۱۹۳۱ (نقل از "پیکار" شماره ۱۳ سال ۱۹۳۱)

یکی از اسناد حاضر اهمیت فوق العاده در امر همبستگی بنفع زندانی های سیاسی ایران سندی است که از طرف جمعیت بین المللی هیئت ضد امپریالیستی و مبارزین برای استقلال نشریافت نام جمعیت چنین است:

Ligue contre l'imperialisme et pour l'indépendance nationale

دراویل سالهای سی در غرب کمیته ای بین المللی علیه امپریالیسم و حمایت از استقلال کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بوجود آمد. هدف این جمعیت و کمیته اجرائیه آن مبارزه علیه امپریالیسم و کمک به نهضت های آزادی بخش ملل برای بدست آوردن استقلال و آزادی بوده. این سازمان نقش مثبتی در مبارزه با ترور و جنایات امپریالیسم در کشورهای جهان سوم به عهده گرفته بود. در آن سال های تاریخ و تسلط استعمار و استبداد همدردی با خلق های مظلوم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره خود عمل ارزنده ای به شمار میرفت.

"پیکار" مقاله ای تحت عنوان: "پروست جمعیت ضد امپریالیسم بر ضد ترور حکومت پهلوی" منتشر کرد. در این مقاله آمده (۱):
 نماندگان ۴۴ مملکت در برلن اجتماع نمودند. پس از استماع اوضاع بین المللی و اوضاع ممالک مستعمره و نیمه مستعمره کمیته اجرائیه جمعیت در ضمن یک سلسله تصمیمات و قطعنامه ها راجع به هند و -
 ستان، چین و در موضوع ایران علیه حکومت پهلوی قطعنامه ای تصویب نمود. قطعنامه در باره ترور رایران صادر و متن این قطعنامه را به تمام جراید ضد استعماری ارسال و آژورن متن آنرا تلگرافا بوزارت خارجه ایران مخابره نمود. مادراینجا عین متن این قطعنامه را میاوریم: "کمیته اجرائیه در اوایل ژوئن تشکیل و جدا بر ضد تحقیق و شکنجه انقلابیون ایران بوسیله حکومت رضاشاه پروتست مینماید. بیش از دوهزار نفر محبوس سیاسی در سیاه چال های ایران بایک طرز وحشیانه بحقوق و مجازات گرفتار هستند. حکومت پهلوی در حق این محبوسین هیچ نوع محاکمه قائل نیست. در باره تشکیلات آزاد و یخواهان و تشکیلات کارگری حکومت کنونی از هیچ نوع ترور و خون خواری فروگذارند. آزاد میطلبیم که بموجب قانون اساسی ایران حق مسلم ملت است محو نباشد. گردیده است. برای جزئی ترین مطالبات سیاسی و اقتصادی مخالفین حکومت مانند دوران قسرون وسطی در چار اعمال شاقه و سیاه چال و کتک و تیرباران میگردد. حکومت پهلوی سعی مینماید بوسیله وضع قوانین جورا جور تشکیلات فرقی زحمت کشان را خفه نموده و اعضا تشکیلاتی را اعدام و حبس آید تهدید مینماید. (قانون جدید یک در تاریخ ۲۶ اردیبهشت به

مجلس ارائه گردید) . کمیته اجرائیه جمعیت ضد امپریالیسم تشکیلات ضد امپریالیستی تمام معالک را مخاطب قرار داده جدا مطالبه مینماید به انقلابیون ایران در مبارزه بر ضد ترور حکومت استبدادی پهلوی که توده زحمتکش ملت دچار آن هستند کمک و مساعدت نموده معاونت برای استقلال و آزادی محبوبین سیاسی ایران علی الخصوص کارگران نفت که بدون هیچ محاکمه باعمال شاقه محکوم شده فروگذار ننمایند . کمیته اجرائیه خاطر نشان مینماید کسه حکومت رضاشاه آلت دست مستقیم امپریالیسم انگلیس بوده مسئول تمام بسد بختی های وارده بر ملت زحمتکش ایران است . وظیفه تمام تشکیلات ضد امپریالیستی است که بعلمت ایران در مبارزه برای سرنگونی رژیم ترور پهلوی کمک و مساعدت نمایند . " امضاء جمعیت ضد امپریالیسم از طرف کمیته اجرائیه " مونس برگه ، ساکلاتوالا ، بریج مان ، اینسما بتسرتیب عبارتند از نماینده آلمان ، هند (وکیل سابق پارلمان انگلستان) و نماینده انگلیس عضو اجرائیه این جمعیت .

این سند اهمیت بسزایی در مبارزه ضد امپریالیستی در آنروزها داشت . خود مجمع که نمایندگان ۴۴ کشور در آن حضور داشتند دارای اهمیت خاص بود . این نمایندگان که از کشورهای شرق هم بودند (از آنجمله لاهوتی از ایران در آن شرکت جست) . در برگشت به کشورهای خود تبلیغات وسیعی بنفع ملل مظلوم و علیه امپریالیسم نمودند . از آنجمله بنفع محبوسین ایران و علیه رژیم پهلوی . سه امضای بالا که در نهضت کمونیستی جهان شهرت داشتند اهمیت خاصی باین سند میدادند .

روزنامه «پیکار»

روزنامه "پیکار" که از طرف کمونیستهای ایران در آلمان منتشر میشد شهرت بسزایی پیدا کرد. این روزنامه علیه ارتجاع ایران و اربابانش سخت در مبارزه بود. افکار مارکسیستی را در میان جوانان ایران ترویج و آنها را تجهیز میکرد. نشر مهم دیگر این جریده آن بود که در غرب شهرت زیادی پیدا کرد و در سالها جنایات رضاشاه و روزنامه نگاران و افکار عامه مترقی غرب را از اوضاع ایران باخبر میساخت. رضاشاه از دولت آلمان با اصطلاح در مقابل اتهامات "پیکار" اعاده حیثیت و مجازات کارکنان "پیکار" نمود. دادگاه شهر لایپزیگ شاه را محکوم و کارمندان "پیکار" را تبرئه نمود. سپس شاه به دولت پروینسک اتمام حجت داد که اگر روزنامه "پیکار" توقیف و کارمندانش تبعید نشوند، ایران رابطه دیپلماتیک با آلمان را قطع خواهد کرد. دولت پروینسک هنگام ریاست جمهوری هیندن بورگ "پیکار" را بست و مسئول روزنامه را از آلمان تبعید کرد. سپس "پیکار" در وین منتشر میشد. جراید کمونیستی و حتی برخی روزنامه های لیبرال آلمان بنفع "پیکار" و علیه رژیم شاه قیام نمودند. دانشجویان و سایر عناصر مترقی ایرانی در خارج از ایران بنفع "پیکار" تظاهراتی کردند. دانشجویان مترقی ایرانی مقیم پاریس ورقه ای در دفاع "پیکار" تنظیم و چاپ نمودند. در این ورقه نوشته بودند: "روزنامه پیکار" تنها روزنامه ای بود که به ملت ایران روح تازه ای می دمید و امید و آری میداد. . . . از این جهت مایهی تعجب نیست اگر حکومت ایران انتشار "پیکار" را برای خود یک مسئلهی حیاتی دانست حکومت آلمان را به قطع رابطه تهدید نموده است. . . . خوشبختانه همانطور که ما انتظار داشتیم جراید آزاد بخوانه و مخصوصاً جراید کارگری آلمان " . . . ساکت ننشستند

توقیف "پیکار" و تبعید یک محصل انقلابی برای ما توفیق اجباری شد که تمام جراید آلمان به مسئله ایران توجه نمودند. . . . و ما توانستیم شعله ای از اوضاع امروزی و رژیم استبدادی و هویت شخص رضاشاه را در جراید کارگری

وآزاد یخواه آلمان منتشر نمائیم (به نقل از: عبدالصمد کامبخش "نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران" صفحه ۱۱۹)

"بولتن جراید شرق" (۱) خبری از آژانس تاس درج کرده که مابازگو میسوم ز "۴ ژوئن ۱۹۳۱ دولت برونینگ تصمیم گرفت مهاجرین سیاسی ایرانی که در نژد کارگران پرلسن مامی بدست آورده بودند از سرحدات جمهوری هیند ریورگ تبعید کند. این افراد کمونیستهای بودند که نمایندگان واقعی مردم و مدافع زجر دیدگان علیه رژیم استبداد آسیائی هستند. این مهاجرین در امور داخلی آلمان دخالتی نداشتند لکن عملیات آنها در آلمان علیه رژیم استبدادی ایران بود. لابد آنان با فعالیت خود خواب را بر دست پهلوی حرام کرده بودند. با اصطلاح "جمهوری" آلمان به حمایت دولت ارتجاعی برخاست. در آرزوهای حزب سوسیال دموکرات آلمان ضد انقلابیونی را که در رشوروی محاکمه میکردند پشتیبانی نموده است ولی ابد لازم ندانسته که از انقلابیون ایران که در آلمان تعقیب میشوند حتی یک کلمه هم بنویسد. در صورتیکه حتی برخی جراید لیبرال آلمان علیه این عملیات وحشیانه به سه دولت آلمان اعتراض کرده اند."

از آنجاکه در ایران امکان چاپ و نشر جراید وجود ندارد و برعکس در آلمان حروف عبری موجود است و متحد و دی در جمهوری آلمان امکان چاپ علفی موجود است از این لحاظ "پیکار" در آلمان چاپ میشود. در ایران اگر کسی جملات "آزادی"، "انقلاب"، "ظلم و ستم" را ادا کند مکافات او کتک، زجر، حبس ابد، تبعید به نواحی کوهراست.

روزنامه "پیکار" پس از شش شماره نه فقط در زحمتکشان ایران نفوذ پیدا کرد بلکه نفوذ "پیکار" حتی زحمتکشان افغانستان، هند و برخی کشورهای عربی نیز سرایت نمود. (۲)

وقتی دادگاه کارکنان پیکار را تبرئه کرد، رسوائی برای رضاشاه و تیمورتاش باقی ماند. "پیکار" مینویسد که کارمندان "پیکار" اسنادی علیه رضاشاه و رژیم در محکمه حاضر ارائه دادند. (۲) اسنادی که آنها در محکمه قرائت کردند عبارت بودند از: ۱- ۲۴ پارچه ملک ۶ دانگی که رضاخان در هازندران در تاریخ ۳ آذر ۱۳۰۹ در باره آنها اعلان ثبت اسناد کرد. ۲۰ -

(۱) "بولتن جراید شرق وسطی" شماره ۱۲ سال ۱۹۳۱

(۲) نقل از "پیکار" سی دسامبر ۱۹۳۲

چوب زدن مدیروزنامه "ستاره" مدیر "وطن" مدیر "اقدام" ۰ ۳ -
 تصرف املاک خان ماکو، سپهسالار، داودخان کلبه‌رئوسطرشاه ۴۰ - قتل
 عشقی، واعظ قزوینی مدیروزنامه "نصیحت" و حجازی ۰
 روزیکه کارمندان "پیکار" غارت‌های رضاشاه رادرحکمه فاش کرد رضا
 شاه در تاراجگری خود هنوز بحد اعلان رسیده بود ۰ بعد ها رضاشاه تقریباً
 تمام املاک مازندران را تصاحب نمود ۰ سپس به سایرولایات دست انداخت ۰
 همینکه دولت ایران مجبور شد دانشجو به غرب بفرستد همزمان پس
 این اقدام لانه های جاسوسی هم در سفارتخانه ها وقتسلوگری های ایران در
 غرب دایر کند ۰ از آن ایام تا بحال این کار ادامه دارد ۰ کمونیست‌های ایران از
 نزدیک‌ترین عملیات جاسوسی ایران در غرب آشنا هستند ۰ این جاسوسان از
 یک طرف متوجه عملیات دانشجویان انقلابی ایران بودند از طرف دیگر برای ساز-
 مان‌های جاسوسی اربابان امپریالیستی خود همکاری و نوکری میکردند ۰ خود
 تیمورتاش شخصاً به غرب آمده دعوی علیه روزنامه "پیکار" را اداره میکرد ۰
 بعلاوه آنها با شیوه های پست خود میکوشیدند از خود محصلین جاسوس
 بترانند ۰ نمونه های زیادی از این قبیل در آن زمان دیده میشد ۰ روزنامه
 "پیکار" نوشت که در پاریس محصلی بنام فضل اله خان غیورد در و ربینسی
 دانشگاه پاریس دزدید و او را از دانشگاه اخراج کردند ۰ سپس سفارت ایران
 او را جاسوس رسمی خود نمود ۰ تیمورتاش دستور داد که سفارت ایران ماهی
 یک هزار ریال با حقوق بدهند ۰ ("پیکار" شماره ۱ سال ۱۹۳۱)
 در بولتن "جراید شرق وسطی" شماره ۱۲ چاپ تاشکند سال ۱۹۳۱
 نامه رحیم نسیری نویسنده ایرانی به نویسندگان انقلابی شوروی بچاپ رسیده
 است ۰ او مینویسد ۰ من بنام نویسندگان جوان انقلابی در نامه سرکشاده خود
 دست دوستانه خود را بسوی شما دراز میکنم و خواهش دارم ندای بانفوذ خود
 را به کارگران انقلابی کارخانه های آلمان بخصوص به کارگران برلن برسانید
 تا آنها یکجا از روزنامه "پیکار" دفاع کنند ۰ "این فعالیت شما پاسخی است
 به اقدام ضد انقلابیون بین المللی ۰ با پرخاش انقلابی بین المللی وحدت
 انقلابی خود را تحکیم کنیم! کمیته انقلابی بین المللی برای دفاع از "پیکار"
 بوجود آوریم! زنده باد "پیکار" انقلابی ۰ با سلامهای انقلابی پرولتری
 رحیم نسیری (۱)

(۱) "بولتن جراید شرق وسطی" شماره ۱۲ سال ۱۹۳۱ چاپ تاشکند

برخی روزنامه ها از "پیکار" دفاع و علیه رژیم رضاشاه مطالبی نوشتند حتی برخی جراید غیر کمونیستی غرب از "پیکار" دفاع نمودند. در "پیکار" تحت عنوان: "انتشار روزنامه "پیکار" و مطبوعات آلمان" مقاله روزنامه "برلن آم مورگن" تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۳۱ چنین نقل کرده است: مردم ایران انقلاب کردند (منظور انقلاب مشروطه است) ولی در ایران آزاد نیست. هیچ نوع احزاب دموکراتیک وجود ندارد. نهضت کارگری سرکوب شده است. روزنامه در همین حال از وضع رقت بار کارگران نفت جنوب سخن گفته بود. روزنامه "برلینر تریبون" تاریخ ۱۸ آوریل نوشت: رضاشاه دست نشاندگان انگلیس است. این روزنامه علیه ارتجاع قیام نمود. ما اطلاع میدادیم که دانشجویان ایران منتشرکننده "پیکار" هستند. ("پیکار" شماره ۱۵ فوریه سال ۱۹۳۱ بهمن ماه ۱۳۰۹)

در روزنامه "گنگه رال آنتسایگر" درباره جوانان آزاد یخواه ایران نوشته بود: که هرگز از جوانان وطنپرست کوچکترین اعتراضی بکنند با آنها با خشونت معامله میکنند. ("پیکار" شماره ۱۱ اکتبر ۱۹۳۱)

درست است که پخش روزنامه "پیکار" ستاره سرخ" در ایران خیلی سخت بود (زیرا اولاً انتقال این نشریات با ایران یکی از مشکلات کارها بود و ثانیاً پخش این نشریات در خود ایران بسیار دشوار و خطرناک بود) ولی کمونیستها در این کار هیچگونه کوتاهی نمیکردند. تا حد امکان این نشریات پخش میشد. نامی به "پیکار" از ایران رسید که در آن باین موضوع اشاره شده است: "با اینکه اداره پلیس در خراسان سخت "پیکار" را تعقیب میکند ولی توی مردم منتشر میشود. پخش این نشریات در جنوب سخت تر است اما در تهران قیمت "پیکار" هر نسخه ای به پنج تومان میرسد. با اینکه "پیکار" زیاد در تهران پخش نمیشود ولی مطالب آن زیاد سرزنیهاست." ("پیکار" ۱۵ اکتبر ۱۹۳۱)

نویسندگان این سطور وقتی این قسمت را خوانند درست وضع روزنامه "حقیقت" را بنظر مجسم کرد که در سالهای بیست و سه در تهران هر شماره اش به پنج تومان میرسد. روزنامه کمونیستها در ایران همیشه بیش از جراید دیگر خواننده داشت. نقش این نوع روزنامه در آن بود که این انقلابی و بطور جدی و سیستماتیک از حقوق توده و مسیح زحمتکش در دفاع میکردند. مدافعین انقلابی توده ها نه در حرف بلکه در عمل بقیمت انواع محرومیتها حتی بقیمت جان خود از آنها دفاع میکردند. چرا که صدای آنها صدای میلیونها مردم ساده کشور بود.

مبارزه برای ایران شوراها

مقاله نسبتاً بزرگی تحت عنوان "مبارزه برای ایران شوراها" در مجله حزبی منتشر شده بود (۱) که جنبه رهنمودی دارد. در این مقاله آمده است: "چندی پیش بحث درباره محتوی رژیم رضاشاه بود ولی حالا برای همه واضح است که وی حکاراً مپریالیسم انگلستان و ارتجاع داخلی است. پشیمان اقتصادی روز بروز توسعه و شدت مییابد و خود این واقعه رژیم سلطنتی نوین را متزلزل، توده های وسیع را بیدار میکند. در حال حاضر نیروی مهمی از ارتش و پلیس برای مبارزه با سازمانهای زحمتکشان، علیه ملیونها دهقان و توده ها، خلقی اختصاص داده اند. رضاشاه در مبارزه خود برای غصب لقب "قهرمان ملی" باخت کرده است. شرایط بسیار سخت زحمتکشان بحران را به مراتب عمیق تر میسازد. در چنین شرایطی وظایف جدیدی در مقابل حزب کمونیست ایران قرار میگیرد. مهمترین آنها عبارت است از مبارزه برای توسعه و وحدت تمام نیروهای انقلابی توده زحمتکش، کارجندی میان کارگران بیویره کارگران نفت، توجه خاصی به روستا، تأسیس، جراید حزبی و سازمانهای پرولتری. حزب بایستی توجه خاصی به سازماندهی اتحادیه های کارگری بنماید. ایران دارای طبقه کارگر نسبتاً بزرگی است. بنا بر این مشکل نمودن طبقه کارگر فوریترین و مهمترین کار محسوب میشود. ایران دارای ۱۸۸۰۰۰ کارگر صنعتی و مستخدمین دولت است. در مقاله آمار کارگری زیرین ذکر شده است:

- ۱- کارگران نفت در جنوب و شمال سی هزار نفر.
- ۲- کارگران شیلات فعلاً ۱۵۰۰ کارگر، هنگام کار فصلی به ۳ هزار

میرسد

۳- کارگران کارخانه های نساجی تبریز، اصفهان، نزدیک به هزار نفر.

(۱) این مقاله در ریولتن جراید "شرق وسطی" شماره ۱۰ و ۱۱ سال ۱۹۳۱ از مجله "ستاره سرخ" شماره ۷ و ۸ ترجمه شده و از ترجمه روسی برخی نکات مهم را در متن آورده ایم

- ۴- کارگران کارگاههای قالی باقی صد هزار نفر *
 - ۵- کارگران بناد رجنوب و شمال د و هزار نفر *
 - ۶- کارگران ساختمان و راه آهن و غیره ۱۵ هزار نفر *
 - ۷- کارگران دخانیات، چرم سازی، شیمی هزار و چهارصد نفر *
 - ۸- رانندگان مزد بگیر و شاگرد شوfer ۱۵ هزار نفر *
 - ۹- کارگران مطابع هزار نفر * (روی هم رفته ۱۸۸ هزار نفر)
- سپس گفته میشود: مادامیکه حزب در این توده های وسیع نفوذ نکرده، غیرممکن است حزب نقشه خود را که عبارت از سرنگونی رژیم و تحویل ریشه-ای کشور است عملی کند * (۱)
- بایستی برای سازمان دادن طبقه کارگر سرمایه کارسایار مخفی کوشش جدی کرد * تا ما نتوانیم چنین تکیه توده ای داشته باشیم غیرممکن است حزب از سکنت ریسم خلاص یابد * حزب نخواهد توانست مبدل به حزب وسیع توده ای شود * در عین حال پیشنهاد تربیت و آماده کردن کادرهای پرولتری کسبه اهمیت فوق العاده برای اینکه نیروی قوی اجتماعی باشیم دارا میباشند * پیشرفت این کار متوسط است به اسلوب صحیح حزبی در مبارزه *
- برای بهبود زندگی طبقه کارگر لازم است که برای شعار ۸ ساعت کار در روز، بهبود وضع کارگران، بالا بردن حقوق آنها، تامین کار برای بیکاران، بیمه کارگران مبارزه شود * حزب کمونیست ایران بایستی هر روز هر ساعت برای بهبود وضع کارگران در هر کارخانه و هر کارگاهی بکوشد * کمونیستهای کارخانه بایستی خود پیشقدم باشند * بویژه آنها بایستی بکوشند در کارخانه ها صندوق های تعاون، کلبه های ورزش، کلاسهای درس و قرائتخانه تأسیس نمایند *
- قوانینیکه دولت برای مالیات وضع کرده است * در درجه اول به گردن دهقانان افتاده * مالکین وضع خود را رضایت بخش میدانند * در صورتی که دهقانان در همه جا بطور خود بخودی برای آزادی از این بردگی قیام میکنند * یقین است که ایران نمیتواند از این بحران خلاصی یابد مگر اینکه مسئله ارضی حل شود * شکی نیست که انقلاب آینده ایران انقلاب زراعی خواهد بود *
- از این رو حزب کمونیست بایستی بدون اتلاف وقت مشغول فعالیت درده شود تا بحال حزب در این زمینه کار نکرده است * ما بایستی برنامه عملی برای تماس با توده های دهقان تنظیم نماییم * بایستی در دهات حوزه های ابتدائی حزبی
- (۱) بولتن جراید "شرق وسطی" شماره های ۱۰ و ۱۱ سال ۱۹۳۱

دایر کنیم و دهقانان بی چیز و فقیر را به آنها جلب نماندیم. بایستی تراکت و بیانیه های ویژه در باره دهات تنظیم و پخش نماییم.

سپس گفته میشود: محاصره شوروی از طرف دول ارتجاعی از آنجمله

ایران اهمیت فوق العاده استراتژیک برای انگلیس دارد، استعمار طلبان انگلیس دست نشانده خود شاه را بر تخت نشانده اند و وظایف بزرگی به عهده او گذارده اند. بنابراین حزب کمونیست در امر کار در ارتش مهم و جلب افراد ساده به حزب را حیاتی میدانند. فعالیت نکردن در ارتش بمنزله خیانت است. شکستی نیست بایستی در میان جوانان نفوذ حزب را زیاد کرده و این خود تاثیر در ارتش خواهد داشت.

بایستی حزب برخی اقدامات ایدئولوژیک و سازمانی انجام دهد تا برخی افکار نادرست را در حزب برطرف نماید. بایستی فوراً بتمام سازمانهای حزب اطلاعات زیر را داد: هر عضو حزب یا عضو جوانان که در ارتش خدمت می کند، بایستی در ارتش بماند و منظور تقویت و توسعه تبلیغات توی افراد ارتش که اکثرشان عبارت از زحمتمکشان شهروند هستند. بایستی طوری در ارتش نفوذ کرد که رأینده این ارتش علیه رژیم ارتجاعی نوکرا انگلیس عمل و آترواژونگ نماید.

علاوه بر نشر جراید بایستی اقدامات جدی برای چاپ و پخش تراکت و بیانیه های بین دهقانان و ارتش انجام داد. بایستی به توده های کارگر و دهقانان سیاست حزب را در مسائل سیاست بین المللی و داخلی ایران روشن کرد. نهضت انقلابی توسعه میابد و در نهای انقلاب چندان دور نیست.

امروز وظایف حزب چندین بار بیشتر و وسیعتر از ده سال قبل است. باید بحزب خصلت توده ای داد. در شرایط توسعه و گسترش نهضت انقلابی با کار جدی حزب توی توده ها علیه رژیم ارتجاعی مملکت میتوان حزب را تبدیل به رهبر مبارزه تمام زحمتمکشان کشور نمود. حزب بایستی سازمان خود را تقویت نموده و توده ها را برای انقلاب آینده آماده نماید. امضا: یک بلشویک ایرانی

این مقاله چند رهنمودی و دستوری دارد. با اینکه از طرف ارگان رسمی نوشته نشده ولی روح مقاله نشان میدهد که آنرا یکی از رهبران نوشته. بایستی گفت که این مقاله با روح و هیجان انقلابی تنظیم شده از لحاظ سیاسی بطور کلی از مواضع صحیح سیاسی حزب است. در اینجادر باره لزوم مبارزه شدید علیه رژیم امپریالیسم انگلیس مطالب زیادی آمده. جنبه خائنانه رژیم فاش شده و خطر جنگ علیه شوروی را بپدید میآورد.

چون آنروزها کمونیستهای ایران مانند سایر کمونیستهای جهان زیاد از هجوم امپریالیسم علیه کشور شوروی نگران بودند و وظیفه مقدس خود می دانستند با تمام نیرو علیه این جنگ مبارزه کنند. چون دوام کشور سوسیالیستی معنی اش آزادی و استقلال کشورهای جهان سوم بود.

در شوروی پس از کشف سازمان ضد انقلابی (۱۹۲۰) "حزب صنعتی" را همین و محاکمه آنها ثابت شد که امپریالیسم حمله علیه شوروی را تدارک میدید و حتی ترکیب دولتی را که میبایستی پس از سقوط حکومت شوروی سرکار برآید به سرکردگی مهندس را همین تعیین کرده بود. از این روست که حزب کمونیست ایران با جدیت تمام میخواست است تمام نیروی خود را تجمیع و خطر این جنگ را بتوده ها حالی کند. این جنگ دامن ایران را هم بگیرد است.

اما چرا شعار "ایران شوراهای ایران سوتیک؟ درست است که ایران سوتیک معنی اش هنوز کشور سوسیالیستی نیست. شاید این جملهای که در انقلاب کیلان بکار میرفته اینجابطور مکتبکی "ایران سوتیک" بکار رفته است. در هر صورت این مقاله پس از گذر دو نوشته شده و نکته چینی شعاری برای ایران نداده بود. بنا بر این از لحاظ سیاسی "ایران سوتیک" غلط و بیجا بوده است جمهوری ملی دموکراتیک شعارانروز هنوز هم شعار امروز ماست. باز در این مقاله هم شعار چپه واحد ملی علیه جنگ زیاد رفته است.

تمام خلقهای ایران چه کارگر چه دهقان و چه کسبه صنعتگران روشن فکران و روزوازی ملی دشمن رژیم پوسیده، دشمن امپریالیسم و دشمن سرسخت جنگ بودند که در مقاله بطور منجز نیامده در صورتیکه شعار مهم ما است. درست است که تا امروز حزب بین دهقانان خیلی کم کار کرده بود ولی جمله ای که هیچ کارنکرده نادرست است. اولاد خود انقلاب کیلان حزب کمونیست بین دهقانان تا حدودی کار کرده بود. سپس در سالهای بیست و اوایل سی بطور جسته گریخته ویراکنده در کیلان، قزوین و حتی خراسان مختصر کار شده بود.

اماد ریاره آمار کارگران ایران. آمار دیگری در بین نبود. این آمار از روی مدارک (البته ناقص) تهیه شده اما صحیح ترین آمار بوده که می توانست ذکر شود. اما آنچه که در ریاره سازمان دادن اتحادیه کارگران روی پایه بسیار مخفی مطرح شده در اصل نادرست است. تمام هم مابایستی روی

کارهای وسیع توده ای بنا میشد. اگر این اصل صحیح بود آنوقت سازمان بسیار مخفی اتحادیه: یعنی عده بسیار محدود ویرا سازمان بدسیم وین. صحیح است که درید و امر زندگی کارمخفی را میطلبد، اما قدم بقدم، خواه نخواه اگر میخواست که کارروقتی گیرد، محتسازمانهای توده ای می بایست به دنبال آن بیاید. بنا براین تکیه کلام میبایستی روی کار توده ای وسیع میاد نه کارسیارمخفی.

فعالیت سازمان خراسان سالهای ۱۹۲۸ - ۱۹۳۰ در یک رشته مورد تأیید پلنوم دوم شد و در این مقاله هم بدرستی آمده. این آن چیزی بود که در مشهد عملی شد. یعنی تأسیس سازمانهای توده ای، صندوق تعاون بین کارگرها، تأسیس اکابر، تأسیس کلوب ورزشی، قرائتخانه باینکه مرکز اتحادیه ها نتیجه مخفی بود ولی تمام این سازمانها خواه نخواه یا علنی یا نیمه علنی بودند.

در مقاله آمده است که حوزه های حزبی بایستی در دهات بوجود بیاید. اشتباه در این است که ابتدا میبایست اتحادیه های دهقانان بوجود بیاید آنگاه پس از کمی امتحانات، عناصر برجسته مبارز را جمع نموده حوزه حزبی تشکیل داده شوند. ممکن است سالها اتحادیه دهقانان در ده وجود داشته باشد اما آماده کردن کسی برای عضویت حزب کاری به مراتب مشکل تر است. دیگر اینکه در مقاله آمده که بایستی کوشش نمود تا حزبی داشته باشیم توده های خود شعاری و سعی مطرح میکنند که حزب بین توده های وسیع کارکرد دهقانان نمود داشته باشد بخلاصه شرایط سیاسی مناسب باشد. در شرایط ارتجاع سیاه خیلی مشکل است حزب وسیع توده ای داشته باشیم. حتی در آلمان و ایتالیای رشد یافته هنگام آقائی هیتلر و موسولینی کشورهای صنعتی و کارگری آلمان و ایتالیای توانست حزب توده ای بوجود بیاورند تا چه رسد ایران نیمه مستعمره و رژیم استبداد شرقی که درندگان خونخواری در رأس دولت باشند. نباید فراموش کرد که ایران دارای پرولتاریای صنعتی چشم گیری هم نبود تا حزب توده ای بوجود بیاید.

بیانیه کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران

در باره مجلس هشتم

در بولتن "جراید شرق وسطی" بیانیه‌ای از طرف کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران تحت عنوان "خطاب به کارگران، دهقانان و زحمتکشان، در باره انتخابات مجلس دوره هشتم" چاپ شد^۱ است (۱) ماده اینجانبی نکات مهم آنرا می‌آوریم:

رقا! انتخابات دوره هشتم که یک کمدی بیش نبود خاتمه یافت. رژیم بازارخانه‌ای تقدیم کشور کرد و آن وکلای مجلس مرکب از ملاکین بزرگ، فئودال، کارمندان عالی رتبه و درباریان، تجار و هوچیهای وابسته به انگلیس و یاد نجان و ورقاب چین‌های رژیم پهلوی است که شعله انقلابهای خراسان، کیسلان و آذربایجان را خفه کرده‌اند و قاتل کوچک خان، محمد تقی خان، ابراهیم خان و سایر مبارزان انقلاب ایران هستند. رژیم ادعای دموکراسی میکند در صورتی که قانون اساسی را باز نیچه خود قرار داده است. رضاشاه این ضحاک نسوع جدید، خفه کننده هر نوع افکار مترقی است، سانسور شدید علیه جراید برقرار است، آزادی نقل و انتقال مردم را از شهری به شهر دیگر تحت نظارت قرار داده است. مقدار مردم زحمتکش را بدست پلیس سپرده و تمام احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و سایر سازمانهای انقلابی را ممنوع ساخته و آنها را چاره‌ فعالیت مخفی شده‌اند. سپس در بیانیه اشاره به وضع اقتصادی نموده میگوید:

صد ها کارخانه قالی باقی و کارگاههای پیشه‌وری بسته شده در نتیجه هزاران کارگر مرد و زن و کودک بیکار شده‌اند. آنها را از کار اخراج و تسلیم مرگ نموده‌اند. کارگران مسن حتی کودکان در روز ۱۱ الی ۱۴ ساعت کار میکنند. محل کار آنها تاریک مرطوب و اغلب در زیر زمینهاست. هیچ قانونی از حقوق کارگران دفاع نمیکند، کارگزارها را عملاً به حالت بردگان در آورده آنها را تحویل

(۱) این بیانیه بغیر از چاپ و در مجله "ستاره سرخ" شماره ۹ ماه ژانویه ۱۹۳۱ چاپ شده است. در مجله "بولتن شرق وسطی" (چاپ تاشکند) ترجمه آن را برپوس خواننده ایم و نکات اصلی بیانیه را از آنجا دریا می‌فارس ترجمه کرده‌ود را اینجا آورده

صاحبان نارخانه داده اند. رژیم با وضع قوانین متعدد امتیازات ملاکین را از دستبرد دهقانان حفظ مینماید. کارگر ایرانی در مسجد سلیمان، ناصری و آبادان زیر آفتاب سوزان با مشقت برده واری که تصورش محال است ملیونها ثروت برای سرمایه داران انگلیسی بوجود میآورد. حالا ماشینهای تازه ای در این معادن بکار میبرند که قاعدتاً استثمار کارگرها را به مراتب زیاد تر میکند. با این وصف شرکت نفت پانزده هزار کارگر را از کار اخراج کرده و هیچگونه کمکی بآنها نمیرسد. با اینکه این کارگرها جوانی خود را در معادن نفت از دست داده اند؛ حالا هیچگونه عایداتی ندارند و در گرسنگی بسر میبرند در صورتیکه کمپانی صدها ملیون فایده میبرد. در این بیانیه بشرح قهرمانیهای کارگران نفت پرداخته و جریان اعتصاب سال ۱۹۲۹ را توضیح میدهد.

در بیانیه تعداد کارگران نفت جنوب را پس از اخراج عده به چهل هزار تخمین زده اند. سپس در بیانیه صحبت از کار مشقت بار دهقانان به بیان آورده و گفته میشود که در حال حاضر استعمار دهنده به مراتب زیاد تر و شدید تر شده است. بیگاری، مالیات سنگین، فشار روز بروز شدید و تبعیض بخصوص از وضع دهقانان آیکه در مازندران که املاک شاهی است کار میکنند در بیانیه سخن رفته است. در بیانیه گفته میشود که بر روی اکثر دهاقین مازندران آب رانسند نموده اند و دهقانان ناراضی قیام نموده و سرایان یا شهاب حمله ور شدند در نتیجه دهقانان مجبور شدند در جنگلها پنهان شوند. مالکین تازه بدوران رسیده، افسرهای تازه یا رآمده مالک شده اند. فرزندان آنها با رویارفته و سلیقه آنها رشد کرده و دیاماد فکر ساختن کاخهای تازه، خریدن مبل جدید و وارداتی از غرب هستند. مخارج این آقایان بگردن دهقانان است. شورش دهقانان در خراسان، گیلان، فارس و سایر ولایات بهترین نمودار وضع رقت باردهقانان ایرانی است. آنگاه از وضع ایلات ایران سخن به میان آورده اشاره میشوند که مردم سیاه ایلات در زجر و آسارت بسر میبرند. حکومت با شیوه پلیسی بر کردها، لرها، قشقاییها آقایی میکند و اموال آنها را نمایندگان "محترم" دولت به غارت برده اند. مامورین دولت پس عنوان مالیات اموال دهقانان و ابزار صنعتگران را توقیف میکنند، صنعتگران و کسبه کارگاههای خود را در مقابل سیل اجناس خارجی تعطیل و در رکوپه ها از گرسنگی تلف میشوند.

بحران جهانی سرمایه داری اثرات خود را در ایران باقی گذارده است. آمریکا و اروپا از ماقالی و مواد زراعتی نمیخرند برعکس پولدارهای کشور

دایما ملیونها بخاطر خرید اتومبیل های لوکس و لباسهای تجملی و غیره بچیب سرمایه دارهای خارجی میریزند . پولدارها صد ها ملیون طلا برای روزمبادا در بانک خارجی لندن و غیره ذخیره کرده اند از آنجمله شاه یکصد و هشتاد و سه ملیون در بانکهای خارجی دارد . حقوق کارگران نفت را کم کرده اند و لسی شرکت نفت $\frac{1}{4}$ ۲ ملیون فایده اضافی برد . بانک انگلیس ارزش قران را پائین آورد و از این راه ملیون تومان فایده اضافی برد . بانک انگلیس بطور استثنای خرید اموال غیر منقول را بدست آورد . دولت میترسد که دهقانان ایران پیشرفت توده های مردم را در تاجیکستان و آذربایجان شوروی دیده و آنها را برای خود نمونه قرارداد داده و آقائی مالکان را سرنگون کنند .

در خیلی شهرها مردم رای مخفی خود را بنمایند گاهی دادند که به آنها اعتماد دارند . دولت سند و قهای انتخاباتی را عوض کرده ، در خیلی جیلا ها مردم تنفر خود را نسبت به انتخابات نشان دادند . مثلا در شهر پهلوی در مقابل اعتراض و هیجان مردم ارتش و پلیس یا آنها حمله و بیسازسی نفرسخت زخمی شدند . در شهر رشت چهل کارگری که به نمایندگان دولت رای ندادند زندانی کردند . روسپهرفته صد ها نفر زندانی شده اند . فرخ یزدی که وکیل مجلس بود در خود مجلس کتک خورد . دیگر نگذاشتند که او در مجلس هشتم انتخاب شود .

در خاتمه بیانیته آمده است بدون انقلاب زراعتی ، بدون محو مالکین و شاه هیچ راه نجاتی برای ایران متصور نیست . محو باد امپریالیسم انگلیس و تکیه گاه اود را بران - رژیم خونخوار رضاشاه پهلوی (محو باد مجلس مالکین و طفلیها) ، زنده باد جمهوری کارگران و دهقانان . زنده باد بین الملل سوم کمونیستی و جماهیر سوسیالیستی شوروی ! امضا : کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران . (از مجله ستاره سرخ شماره ۱۹ اول ژانویه ۱۹۳۱)

بایستی گفت که در این بیانیته بوضع اقتصادی ، سیاسی ایران و وضع کارگران و دهقانان بطور مشروح اشاره شده بخصوص تاثیر بحران سرمایه داری در ایران را توضیح داده نشان داده است که بیکاری ، گرسنگی ایران را فسر گرفته است . از طرفی هم فشار سیاسی به آزاد یخواهان در بیانیته نشان داده شده . طبیعی است که راه نجات آنروز ایران انقلاب دموکراتیک و ملی بوده و پس ملی در بیانیته صحبتی از تشکیل جبهه واحد ملی که همه عناصر مسلکی ، دموکرات ، عترقی و انقلابی در برگیرد بمیان نیامده . برعکس شعار چپ " جمهوری

کارگران و دهقانان مطرح شده است. در نباله این مطلب که در مجله "ستاره سرخ" شماره ۹ آمده بود یک صفحه از مجله "کمونیست" (ارگان کمیته ایالتی خراسان - حزب کمونیست ایران) در مجله عکس برداری و چاپ شده است. مقاله این مجله تحت عنوان: انتخابات "آزاد"، در مملکت "آزاد" که مربوط به همین انتخابات مجلس هشتم است، در سرمقاله "کمونیست" (مهرماه ۱۳۰۶) آمده است: ۲۰۰۰ ثابت گردید که بهیچوجه حکومت ارتجاعی پهلوی تکیه و اتکالی در میان نوده ندارد. در سالهای پیش یعنی در دوران مشروطه مردم با ذوق و شوق در انتخابات اشتراک میکردند (دوران اول و دوم مجلس) مردم سر و کله خود را برای اینکار میشکستند. با میل و جرات تا جاپطوریکه مجموع آرائی که بیک وکیل میدادند گاهی از سی و پنجاه هزار هم تجاوز میکرد. ولی حالا آنان فرستگها از اسم و رسم انتخابات فرار میکنند. دولت خجالت نمیکشید. است و مردم را با زور گرفته به انگور فروش ناد و غ فروش زورکی تعرفه داده مجبور میکند که رای بدهد. از مطبوعات مریضخانه مدرسه متوسطه کله کله رتوی کاهیهونها اتوبیلهای باری ریخته برای اخذ رای در باغ نادری پیاده کردند. با تمام این کوششها آرا از چند هزار تجاوز نکرد.

د و نیروی ران انتخابات شرکت داشتند. یکی دولت که تکیه پسر نیزه و پلیس داشت و نیروی دوم حزب کمونیست در مشهد است که در انتخابات اشتراک نمود. چند جمله هم در این باره آمده: "نیروی دوم یعنی نیروی دیگری قوای تشکیلات فرقه بود که با تانک نیروی زحمتکشان بیرون مبارزه را بدست گرفته داخل میدان شده است." در این مقاله آمده که تمام طبقات از منورالفکرهای ملی گرفته تا طبقات دیگر مثل تجار و غیره همه در انتخابات اشتراک نکردند. سپس آمده: "با اینکه تشکیلات مادر مشهد نوزاد و کم تجربه بود با این حال عده های از زحمتکشان رای انقلابی کارگران را بنمایند گان حقیقی خود دادند. در آمار رسمی دولتی گویا ۲۹۴ رای به کاندیدهای حزب کمونیست رای داده اند یعنی بد و رفیق مابعد الحسین د هزاد و فرهودی امام رواقع را خیلی بیش آرا آنها بود."

در مقاله آمده که سابق بر این ارباب با زور کار کرد دهقانان را برای رای پای صندوق آرا می آورده اند ولی این بار رفقای ما آرائی را که ارباب به زحمت کشان داده بود گرفته پاره نمودند. در عرض به عده ای آرای نمایندگان حقیقی خود را بنهادند.

حزب کمونیست ایران و مسئله جنگ

طی سالهای بیست بخصوص سالهای سی جنگ بین المللی و جنگ علیه شوروی در ایران نیز مطرح بوده . کمونیستهای جهان در این امر سیاست ثابت ، روشن و یگانه داشته اند . حزب کمونیست ایران هم نظر محکم و روشنی در این امر داشته . حزب کمونیست ایران مانند سایر احزاب برادر دشمن سر سخت جنگ بین المللی بوده چون در جنگ توده های زحمتکش اند که بیش از همه زیان می بینند و تلفات زیادی میدهند . حزب کمونیست ایران دشمن سر سخت جنگ امپریالیستها علیه شوروی بوده و وظیفه مقدس خود میداند است که در صورت بروز جنگ امپریالیستها علیه شوروی در این جنگ از شوروی پشتیبانی نماید . چون فتح کشور سوسیالیستی در این جنگ پدید آمده ای بود مرفی و برای رشد و ترقی جهان مثبت . بعلاوه فتح کشور شوروی در این جنگ معنی اش ضعیف شدن امپریالیسم و در نتیجه استقلال و آزادی کشورهای جهان سوم از آنجمله ایران بود . حزب طی سالهای متعددی در این باره مقالات گوناگونی ها ، خطاب به توده زحمتکش ایران نوشته پیشنهاد های مشخصی در امر مبارزه با سیاست جنگی امپریالیستها نمود و بطور روشن سیاست رژیم رضاشاه را که آلت جنگ جویان امپریالیستی بوده بر ملا ساخت .

حزب کمونیست ایران حتی با مبارزه عناصر و سازشهای مرفی و ضد جنگی اروپا علاقه و تماس داشته است . بخصوص کمونیستهای ایرانی ساکن غرب برای نمونه نوشته " پیکار " را می آوریم :

" . . . کنگره ضد جنگ در اواخر ماه اوت در ظل مساعی نویسنده گان آزاد یخواه فرانسه رومن رلان و هائری باربوس تشکیل خواهند گردید ، ما سلام انقلابی خود را بکنگره ابلاغ مینمائیم " . (۱)
مجله " ستاره سرخ " تحت عنوان : " بیانییه فرقه کمونیست ایران به تمام زحمتکشان ایران بمناسبت تهیه مقدمات جنگ جدید عالم گیر امپریالیستی

چنین مینویسد :

"تجهیزات عظیم ممالک سرمایه داری تنها برای مبارزه بایکدیگر نبوده بلکه طرف دیگر مبارزه آنها بطور متفق علیه یگانه جمهوری عظیم یعنی ممالک شوراها و جنگ با نهضت های ملل مستعمراتی است" (۱)

پیشرفت های نقشه پنج ساله شوروی امپریالیستهارا ناراحت می نماید آنها آماده جنگ علیه شوروی میشوند . طبق نقشه ی امپریالیستها ، ایران میدان مهمی برای جنگ علیه شوروی میشود . انگلیس مملکت ما را صحنه جنگ و میدان خونریزی هائی قرار خواهد داد . ۱۰۰۰ انگلیسها امروز دارای نفوذ فوق العاده ای در ایران شده اند که هیچوقت نداشتند . انگلستان خطوط زیاد تلگراف در ایران میسازد ، استحکامات در نواحی رود کارون می سازد . (نواحی نفوذ کمپانی نفت جنوب مراکز هوائی در چندین نقطه خلیج فارس ، خط آهن سرحدات هند و عراق ، خط کشتی رانی منظم رود کارون ، ساختمان پرت نظامی در شاهپور ، سفارشات هنگفت قورخانه بخارج . اینها همه نقشه های جنگی است و دولت ایران با انگلیسها امکان چنین کارهائی را داده است . دولت ایران با پول ایرانی راه آهن شوسه های استراتژی برای امپریالیسم ساخته بنام حفظ ایران از هجوم بلشویکیها . در صورتیکه هدف امپریالیستها "گشتار فرزندان مادر جنگ علیه شوروی است" . سربازان مابیه پیشقراولان امپریالیست در جنگ علیه شوروی میدل خواهند شد . در بیانیته بد رستی آمده : "چنانچه جماهیوشوروی در جوار سرحدات ما واقع نشد انگلیسها ایران را تا بحال بلعیده و جزء مستعمرات رسمی خویش می ساختند . سپس خطاب به زحمتکشان نموده گفته میشود : "دولت ارتجاعی میخواهد با پول شما آماده جنگ شود . در صورتیکه دولت ایران آلت دست امپریالیسم انگلیس است" . بهیچوجه در منافع ملت ایران نیست در جنگ علیه شوروی اشتراک کند . بلکه درست وظیفه ماست که علیه امپریالیسم و نقشه جنگی آنها مبارزه کنیم" . در بیانیته آمده که امپریالیستها در سرحدات شوروی پروکاسیون هائی علیه شوروی میکنند که همه اش با نقشه امپریالیسم انگلیس است . "در جنگ گذشته آنها ایران را مبدل به میدان جنگ نمودند . و در سالهای ۱۹۱۹ - ۱۹۱۴ چندین ملیون برادران ایرانی از گرسنگی هلاک شدند . باز در جنگ آینده قحطی و گرسنگی پیش خواهد آمد . در سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۱۸ انگلیس ایران را تصرف کرده بود . مبارزه

(۱) این بیانیه در باره ای در ماه اوت ۱۹۲۰ منتشر ، سپس در "ستاره سرخ" تجدید چاپ شده .

خلق ایران و وجود شوروی انگلیس را وادار به ترک ایران نمود. در خاتمه شعارهایی بدین شکل آمده: مرده باد امپریالیسم انگلیس و امپریالیسم جهانی، حیوادعامل رسمی امپریالیسم انگلیس در ایران - دولت ارتجاعی پهلوی، زنده باد انقلاب ایران و انقلاب دنیا، امضا - کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران (از مجله "ستاره سرخ" شماره ۹ بهمن ماه ۱۳۰۹ - زانویه ۱۹۳۱)

در مقاله دیگر از "ستاره سرخ" شماره ۹ بهمن ۱۳۰۹ مطابق زانویه ۱۹۳۱ حزب باردیگر مسئله صلح و جنگ را مطرح میکند و مینویسد: کارگران و دهاقین روسیه و تمام دنیا تا آخرین قطره خون خود از تکانه مملکت سوسیالیستی دفاع خواهند کرد. "هنگام محاکمه حزب صحتی را میند در آخرسال ۱۹۲۰ متینکهای همبستگی و طبعه جنگ بنفع شوروی در برلن، پاریس، لندن و غیره از طرف کارگران انقلابی برای مدافعه شوروی داده شد ۰۰۰۰" کارگران شرق هم باید بدانند که یگانه حامی و دستدار آنها دولت شوروی است. آنها با تمام قوای خود باید از این دولت مدافعه نمایند: "کارگران وزارتین ایران نیز باید با پرولتاریای روسیه و تمام دنیا هم آواز شده بر علیه امپریالیسم و جنگ امپریالیستی مبارزه نمایند." در مقاله نقش خائنانه ضد ملی رضاخان که می- خواهد باد ستور انگلیس ایران را بچنگد ضد شوروی بکشد فاش شده است. "پیکار" مقاله ای تحت عنوان: "ایران و جنگ آتیه" نوشته (۱): "جنگ امپریالیستهای شوروی در صورت انهدام شوروی یعنی محو و نسیای نهضت انقلابی جهان است. وظیفه طبقات زحمتکش ایرانی است که طرفدار حقیقی صلح و مبارزه علیه جنگ باشند. توده زحمتکش ملل بایستی نگذارند که نقشه های خائنانه و دلتهای امپریالیستی پیشرفت کند. وظیفه آنها است که با تمام قوا از رژیم شوروی دفاع نمایند. دستجات و عناصر انقلابی و پیشاپیش همه آنها فرقه کمونیست ایران و مجامع و محافل کارگری باید به توده زحمتکش بغبمانند برده از روی مقاصد خائنانه پهلوی بردارند. سپس "پیکار" اشاره بموضوع دیگری میکند: "بایستی در ارتش ایران سربازها از نظام و وظیفه فرار نکنند، بلکه در ارتش مانده، علیه امپریالیسم و رژیم غارتگر پهلوی و طبقات ملاکین و سرمایه داران مبارزه کرد." در خاتمه شعارهایی داده شده است "جنگ بر علیه شوروی باید مبدل به جنگ داخلی علیه رژیم قزاقی پهلوی شود. بایستی برای استقرار جمهوری زحمتکشان در ایران کوشش نمود." (۱) "پیکار" شماره دوم سال دوم ۱۱ اکتبر ۱۹۳۲ مهرمه ۱۳۱۱

باید با جان و دل از فتوحات انقلاب اکثراً دفاع کرد، زیرا این انقلاب مقدمه انقلاب تمام کارگران دنیا و تأمین استقلال و آزادی زحمتکشان معالک مستعمره و نیمه مستعمره منجمله ایران است.

حزب کمونیست ایران در آن سالها بارها علیه جنگ مطالبی نوشته است، حزب افراد خود را برای مبارزه و تبلیغ مردم تجهیز کرد. کمونیستهای ایران يك آن هم نشدند که مبارزه ضد جنگ را فراموش کنند.

جنگ جهانی یعنی خرابی، قحطی، کشتار، محو شدن و هزاران بلای دیگر. جنگ را طبقه حاکم، طبقات استثمار و استعمار کننده برای نارت مردم انجام میدهند. درد و جنگ جهانی ثابت شد که سرمایه داران جنگ جهانی را براه انداختند تا با تصرف کشورهای سرمایه خود را زیاد نموده مردم را غارت کنند. البته در جنگ جهانی یکی از هدفهای امپریالیستی (آلمان و ژاپن) محو کشور سوسیالیستی بود که نتیجه به عکس داد. سوسیالیسم فاتح شد، امپریالیسم بطور جدی ضعیف شد به تعداد کشورهای سوسیالیستی افزوده شد. "دنیای سوم" آزادی و استقلال خود را بدست آورد و سیستم استعمار پاشید.

کمونیستها اصولاً دشمن سرسخت جنگهای امپریالیستی بودند و هستند (کمونیستها جنگی را طبیعی و عادلانه میدانند که برای استقلال و آزادی انجام میگردد). جنگ جهانی ضد بشر دوستی است. کمونیسم یعنی بشر دوستی بمعنای عمیق این کلمه. کمونیستهای ایران هم در آن دوره بطور جدی دشمن سرسخت جنگ امپریالیستی علیه شوروی و بطور جدی مخالف دخالت ایران در جنگ ضد شوروی بودند. کمونیستهای ایران مانند تمام کمونیستهای جهان سخت مدافع کشور شوروی در مقابل دشمن سوسیالیسم یعنی امپریالیسم بودند بخصوص که امپریالیستها میخواستند ایران را مبدل به میدان جنگ کنند در این نوع موارد دشمن کمونیستهای ایران را "نوکر مسکو" نام نهاده بودند. ببینیم این موضوع را چگونه ما کمونیستها ارزیابی میکردیم.

اتهام زدن به کمونیستها این کار کشیفی است که تمام جهان سرمایه داری با انقلابیون زده و خواهند زد. با اتهام زدن نمیشود اصلی را به ثبوت رساند. اگر کمونیست "آلت دست" یا "نوکر شوروی" باشد این "نوکر" بایستی در مقابل "نوکر اش" مزدی دریافت دارد. تا بحال هیچ دشمنی نتوانسته نشان بدهد کمونیستهای ایران "مزدی" از کسی گرفته باشند، کو، کجا کادام کس دیده یا شنیده است که فلان کمونیست "مزدی" از کسی گرفته است؟

صدها هزار کمونیست ایرانی بجز حبس، تبعید، اعدام، کرسنگی و آوارگی سرنوشت دیگری نداشتند و ندارند. هنوز هیچ مرجعی در ایران نگفته و نتوانسته بگوید که فلان کمونیست وطن خود را فروخته و دارای پارک، املاک، آپارتمان و غیره شده. اما طبقات حاکمه که کارشان خیانت بوطن و مزدوری است مزد های هنگفتی که از خدمت به امپریالیسم پایدشان شده به ثروتهای کلان رسیده اند. رضاشاهی که روزی آه در مساطنداشت میلیارد رشد. پسرش ده چندان و صد چندان ثروت بدست آورد و الان عضو باشگاه میلیارد رهای جهانی است. وثوق الدوله ها و امثال این خائنین دارای ملیونها ثروت شدند. این مزدوران برای "توجیه" خود به انقلابیون تهمت میزند و حالا هم میزنند تا از نفوذ آنها کم کنند. اما چرا کمونیستهای جهان و از آنجمله کمونیستهای ایران حکومت شوروی را دستار خود میدانند؟ برای اینکه جیبه کشورهای سوسیالیستی دشمن سرسخت امپریالیسم و استعمار بوده اند و هستند. در واقع کشورهای سوسیالیستی دستار سرسخت کشورهای "جهان سوم" بودند. از آنجمله کشورهای ایران. در این موضوع منافع ملت ایران با منافع کشورهای سوسیالیستی، نهضت کارگری جهان، نهضت کشورهای جهان سوم نه اینکه مغایرت ندارند بلکه یکی است.

کمونیستهای ایران فریفته آزادی و استقلال کشور خود و دستار واقعی و از جان گذشته اکثریت ملت اند یعنی دستار خود را م زحمتکشان، پیشه وران روشن فکران زحمتکش کشورند. آنها مجهز به دانش اجتماعی میباشند کسه ایران را بسوی سوسیالیسم میبرد یعنی نظامی که در آن انسان از انسان بهره کشی و استثمار نمیکند، تا کرسنه و بیکاری در آن جامعه باقی نماند. تا استعمار و استثمار ریشه کن شود. اگر در جنگ گذشته شوروی شکست میخورد معنی اش آن بود که عالم اسیر برده سرمایه داران آلمان فاشیست و ژاپن میشد. این "فاتحین" یعنی آلمان و ژاپن قتل عامی در دنیا راه میانداختند نه کمونیست بلکه هردو کرات و آدم مترقی هرکسی که صحبت از آزادی و استقلال میکرد می کشتند. آنها قتل عامی در جهان راه میانداختند تا صد سال دنیا را بسه قهرقربانانند. اگر فاشیسم فاتح میشد امروز جهان و از آنجمله ایران مبدل بارد و نگاهاسیران کرسنه، برهنه مبدل میشد. آیا این پولداریهای بیرحم ایران مالک و سرمایه دار کمبرادورد را این باره فکر کرده اند؟ نه فقط فکر نکردند، بلکه آروزمند پیروزی جانوری مانند هیتلر بودند.

پس ببینید هنگامیکه رضاشاه نوکری از امپریالیسم انگلیس و امپریالیسم

آلمان میکرد و علیه شوروی خود را آماده جنگ میساخت، چه جنایت بزرگی را می -
خواست انجام دهد * عین همین کار را اکنون پسرش انجام میدهد * زندگسی
نشان داد که کمونیستهای ایران ذیحق بودند و حالا هم آنها ذیحق هستند
و یقین دارند که فرد امپریالیسم ضعیف شده ایران هم آزاد و دموکرات خواهد
شد *

وانگهی آیا منافع ملی ایران میطلبد که علیه حکومت شوروی ما وارد جنگ
شویم ؟ اید او باید املت ایران صلح دوست است و اید ا منافع اش طلب جنگ
نمیکرد و نمیکند * بخصوص منافع او نمیطلبد با کشوری جنگ کند که زنجیر اسارت
تساریسم را پاره کرده حکومت زحمتکشان را بوجود آورد * همین حکومت، حقوق
کاپیتولاسیون را در ایران ملغی ساخت و جاده را برای استقلال ایران هموار
نمود * پس کدام منافع رضا شاه را او دار میکند هست و نیست کشور را برای تجسیر
خرج کند ؟ او دفاع منافع امپریالیستها بود * رضا شاه و اطرافیانش دشمن سر -
سخت سوسیالیسم بودند *

www.iran-archival.com

اعتصاب در کارخانه نساجی « وطن »

در اصفهان

در سال ۱۹۳۰ اعتصاب چشم گیری در اصفهان رخ داد . این اعتصاب چندی پس از اعتصاب کارگران نفت جنوب بوقوع پیوست . بموقع خود این اعتصاب بمنظر انقلابیون امروز کم اهمیت نبود . دو سند درباره این اعتصاب در مجلات بچاپ رسیده است . در مجله " خاور انقلابی " چاپ شوروی (شماره های ۱ و ۲ سال ۱۹۳۲) مقاله ای با مضمای " رنجبر " تحت عنوان " درباره نهضت کارگری در ایران " منتشر شده است . کسانی که با آن دوران آشنائی دارند میدانند که کارگران ایران در چه شرایط سختی بسر میبردند ، در آن ایام کسی از حقوق کارگران دفاع نمیکرد (نه قانون نه دولت) ، فقط خود کارگران بودند که مراحل ابتدائی مبارزه را طی میکردند . امروزها طبقه حاکمه کلمه " کارگر " را بسا ز نپیبردند بلکه واژه ایراستعمال میکردند که از آن بیشتر در نظر داشتند توهین بکارکنان نموده باشند . آنها کارگرا " عمه " مینامیدند . معروف بود که رضا شاه و اطرافیانش از کلمه " کارگر " آزار افوری مربوط میکردند به کمونیسیم ، مانند " جن از سم - اله " وحشت داشتند . رنجبر در مقاله خود مینویسد : که در کارخانه " وطن " پانصد کارگر مشغول کارند . اکثر آنها ۶ الی ۸ سال سابقه خدمت دارند . در تابستان ۱۰ ساعت و در زمستان ۹ ساعت کار میکنند . عده ای که روزگار میکردند در این میان نیم ساعت تنفس داشتند ، ولی آنها یک شب کار بودند این تنفس را هم نداشتند . کارگرهای تاحدودی متخصص روزی ۲۰ تاسی شاهی حقوق دریافت میکنند . بقیه کارگران و کودکان از ۱۰ تا ۲۰ تاسی جریبه نقد دریافت میکنند . میشد گفت که وسیله اختناق کارگران محسوب میشد ه گاهی اتفاق می افتاد طی یک هفته میزان جریبه از حقوق کارگر هم افزونتر بود . شرایط کار رو بهد اشت رقت بار بود . در کارخانه آب تمیز وجود نداشت . کارگرها مجبور بودند از آب رودخانه بنوشند . تفتیش کارگرها با وقاحت تمام انجام میگرفت . در یک کلام : رفتار با کارگرها بیشتر شباهت به رفتار با ظالمان داشت . بقرایکه رنجبر مینویسد پنج سال قبل از اعتصاب ، کارگرها جمع شده و خواستههای در برابر صاحب کار

خانه مطرح نمودند، ولی این کار نتیجه نداد. ۸ ماه تمام برای اعلان اعتصاب کوشش شد و این کوشش را "حزب کمونیست ایران" انجام داد. یک ماه به اعتصاب مانده حزب در کارخانه اتحادیه بوجود آورد. ضمناً صندوق تعاون هم بین کارگرها سازمان دادند. حزب جلساتی از فعالین اتحادیه دعوت و مسائل را مطرح ساخت و سپس در مقیاس وسیع یعنی در هر شعبه ای در حوزه های اتحادیه مسائل مطرح شد. حزب کارگرها را برای مبارزه آماده میکرد. با اینکه صاحبان کارخانه منافع هنگفتی عایدشان میشد (این کارخانه اساساً برای ارتش کار میکرد) در همین حال در همین ایام شروع حمله به کارگران نمودند. ریاست کارخانه از کارگرها طلب کرد که هر یک از کارگرها بطور انفرادی قرارداد دی با صاحب کارخانه ببندند. طبق قراردادیکه دولت پیشنهاد عملی میکرد کارگر اجیر و اسیر صاحب کار بود. کارگر حق خروج از کارخانه را نداشت. بعلاوه اگر کارگر یک روز غیبت میکرد از او حقوق سه روز اجزیه میکردند. حزب کمونیست از طریق اتحادیه توده کارگرها را آماده و مبارزه میکرد. در آستانه اعتصاب فحاشه لین اتحادیه هاد محدود ۷ نفر روز جشن اول مه را برپا کردند. در همان جلسه فعالین تصمیم گرفته شد که بزودی اعتصاب عمومی اعلان شود. اینرا هم باید گفت که در همین ایام دادستان اصفهان و قیاحانه گفتند: در رژیم پهلوی اعتصاب ممنوع است:

چند روز پس از جشن ماه مه، ریاست کارخانه از کارگران طلبید که هر یک قرارداد انفرادی را امضا کنند. هر کس که امضا نمیکرد از کار اخراج میشدند. در اثر فعالیت حزب کمونیست توده ها بطور کلی حاضرین امضای چنین قرارداد اسارت باری نشدند. روز پنجم پس از جشن ماه مه حزب واتحادیه جلسه عمومی کارگرها دعوت و پیشنهاد اعتصاب عمومی شد. در آستانه این جلسه عمومی صاحب کارخانه یکی از کارگرانیکه قرارداد را امضا نکرده بود از کار اخراج کرد. خود روش صاحب کارخانه کارگران را بیش از حد عصبانی کرد و به هیجان آورد. کارگرها از کار دست برداشتند.

کارگرها کار را اول کرده در محلی نزدیک کارخانه جمع شدند. صاحب کارخانه پیشنهاد کرد که بروند سرکار روس پس تقاضاهای خود را به رئیس کارخانه پیشنهاد کنند. جلسه کارگرها این پیشنهاد را رد نمود. آنها در خیابانها نمایش داده خود را به حیات مدرسه ای رساندند در همان محل تمام خواستهای خود را تنظیم نمودند. پلیس وارد شد و وعده ای از رهبران اتحادیه را

بازداشت کرد. عده ای از کارگران نزد دادستان رفته از صاحب کارخانه و پلیس شکایت کردند. دادستان به کارگرها اعلان کرد که در دوران اعلیحضرت پهلوی نخواهد گذارد که کارگرها دستبندین عملیات "زشتی" بزنند. فردای روز اعتصاب کمیته اعتصاب جلسه عمومی کارگران را دعوت کرد. در این جلسه در حدود ۷۰ نفر کارگر حاضر شدند. در این جلسه پس از بحث زیاد آخرین خواسته های خود را از کارخانه تنظیم و نوشته شد. هشت نفر از این جلسه بنمایندگی انتخاب شدند. ریاست کارخانه چندین بار با شیوه های پروکاتیف خواست بین کارگرها جدائی بیاندازند ولی موفق نشد. کارگرها سفت ایستادگی کردند و قرار گذاردند: تا زمانی که خواسته های آنها اعلی نشود کار نخواهند کرد. در اواخر فشار ریاستدگی توده کارگران صاحب کارخانه مجبوره تسلیم شد.

در روزنامه "پیکار" ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران مقاله ای تحت عنوان "اعتصاب کارگران اصفهان در کارخانه" وطن یا مضای یک نفر کارگر کارخانه وطن منتشر شد. جریان اعتصاب را در این مقاله شرح داده که ما تکرار نمیکنیم اما در باره نتیجه اعتصاب جملات زیر آورده که ما اینجا اشاره بانها میکنیم.

- ۱- ساعت کار از ۱۲ به ۹ ساعت تقلیل یافت. ۲- تفتیش در کارخانه لغو شد.
- ۳- محل مخصوص برای خوردن چائی و صرف نهار تهیه گردید. ۴- هشت در صد اضافه حقوق منظور گردید. ۵- فحش و جریبه تا اندازه ای تخفیف یافت.
- ۶- ظرفهای آب یخ در تمام قسمتها جداگانه تهیه گردید. ۷- نیم ساعت تنفس و مسروروزتایک ساعت امتداد یافت. ۸- از همه مهمتر لغو قرارداد اجیر شدن است. (۱)

در جای دیگری گوید: کارگرها پس از اینکه صاحبان کارخانه مجبور به تسلیم شدند، کارگرها در ویا رجلسه عمومی دعوت کردند و قرار شد چنانچه ریاست کارخانه خواسته های آنها را اعلی نکرد بمبارزه ادامه دهند. با زیاست کارخانه توانست در این جلسه اخلاص کند. ولی وحدت، یگانگی و مقاومت شدید کارگرها که سطح آگاهی طبقاتی آنها را نشان میداد منجر به فتح کارگران شد.

در اوایل سالهای بیست و اولین کارخانه های صنعتی در ایران بوجود آمدند؛ از آن جمله تعدادی کارخانه های نساجی، مابینکه این کارخانه ها زیاد بزرگ نبودند ولی در هر صورت کارخانه های صنعتی معاصر شمرده میشدند.

البته در برخی مواقع بقایای روش اصنافی چشم میخورد ولی کم کم این بقایا در

دست زوال بود *

اگر قبل از این اعتصاب مبارزه* کارگرنحوی از آنها* وجود داشت، این مبارزه با مبارزات دیگر تفاوت داشت. اولاً رهبر و سازمان ده اتحادیه ها کمونیست ها بودند یا باید یگرسخن سطح آگاهی طبقاتی بالاتر از سابق و شیوه* سازمان دهی پی گیری تر بود، اگر سابقاً* کارگرها بطور خود بخودی، مبارزه میکردند حالاً چون يك حزب انقلابی سازمانده ورهبریود، کارگران جاده* مبارزه را روشن میدیدند و افکار سوسیالیستی در کارگران رسوخ کرده و عمق و وسعت مبارزه درجه* بالاتری بخود میگرفت و در نتیجه روح مبارزه روح انقلابی امید بخش و میزان اعتماد بنفس بعراتب بالاتر بود. حزب کمونیست ایران پس از انقلاب گیلان کم و بیش کساد ربه اصفهان برای کار حزبی و اتحادیه ای فرستاده بود، رفقا تیکه در اصفهان تا حد و دی فعالیت کرده بودند عبارت بود از حماسی (د هزاد)، سید محمد تنها (کارگر سابق مطبوعه از تهران) و کامران* کامران اصلا کارمند اداری و يك تن از روشنفکران بود و من از خاتمه* تحصیل خود در "کوئو" (دانشگاه کمونیستی مسکو) عازم ایران شد و در اوطلبانه در همین کارخانه* وطن کارگر شد. در نتیجه* فعالیت زیاد او این اتحادیه روشنی گرفت و اعتصاب برپا گردید. لذا باید گفت کامران در این جریان نقش چشم گیری ایفا* کرد *

اگر بخواهیم از نقایص کار صحبت کنیم* میشود گفت که کارخانه های دیگر اصفهان از مبارزه برکنار بودند و اعتصاب نپیوستند. اگر این مبارزه عمومی تر میشد شکی نیست که نتیجه بیشتری عاید کارگران میکردید. متأسفانه در اواخر سال ۱۹۲۰ و سالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ ارتجاع در ایران تقویت یافت و لسی کامران در میان عده ای از فعالین اتحادیه* اصفهان کوشش کرده بود. در اثر این مبارزات که ریشه در کارگران دوانده بود، در سالهای فعالیت حزب توده در اصفهان مبارزه* پرداخته ای بین حزب و ارتجاع در گرفت که سرانجام حزب فاتح شد و اصفهان مبدل به یکی از دژهای محکم نهضت انقلابی شد. ما آنروزها اصفهان را دروازه* جنوب مینامیدیم. پس از پیشرفت حزب و اتحادیه ها در اصفهان خود نهضت در اصفهان راه رابسوی جنوب باز کرد. بدنبال آن نهضت در ریزد، کرمان و سایر شهرها از قبیل بوشهر، بندرعباس و غیره بوجود آمد. البته نهضت کارگران نفت جنوب جای خود را داشت و از سنن مبارزاتی وسیع آن ماقبلا سخن گفته ایم *

اعتصاب کارگران راه آهن شمال

در سال ۱۹۳۰ اعتصاب نسبتاً چشم‌گیری در شمال ایران از طرف کارگران راه آهن بوقوع پیوست. اعتصاب برای بهبود وضع اقتصادی کارگران بود. دولت با وسائل خشن اعتصاب را فرونشاند و عده ایراد ستگیر برآکند ساخت ولی در آنروزها مرکز اعتصاب (یعنی رهبران اعتصاب) از طرف دولت شش‌ساخته نشد مگر در سال ۱۹۳۷ هنگامیکه عده ۵۳ نفر زندانی شدند. ۱۷ نفر از مسئولین اعتصاب برای یکجا زندانی کردند. اکثر آنها ماسینیست و کک ماسینیست بودند. طی سال ۱۹۳۷ گروه‌های جدیدی از اشتراک‌کنندگان نهضت دموکراتیک در ایران زندانی شدند. در همین تاریخ ۵۳ نفر از فعالان و اعضا و سمپاتی‌زانه‌های حزب کمونیست ایران و ۱۷ نفر از رهبران اتحادیه کارگران قسمت شمالی راه آهن سرتاسری ایران نیز توقیف شدند.

عبدالصمد کامبخش مینویسد: "سران اعتصاب هزارود و بیست نفر کارگران راه آهن مازندران را در تابستان همین سال دستگیر نمودند" (سال ۱۳۰۸) (۱)

رفیعی بنام رنجبر در مجله: "رولوسیونی و ستوک" مینویسد (۲):
در سال ۱۹۳۰ اعتصاب کارگران راه آهن بوقوع پیوست. هیجان و جنبشی در کارخانه کبریت‌سازی تبریز و میان قالی بافان رخ داد. در ماه مه در سال ۱۹۳۱ در نتیجه اخراج عده زیادی کارگر معادن نفت در یاره جنبشی واقع گردید. رهبری این جنبش‌ها در دست حزب واتحادیه های انقلابی بود.
متأسفانه اسناد زیادی در این باره بدست نیامد. نگارنده این‌سطور در موقع خود از نزدیک با سازمان‌های مازندران تماس داشته. حزب کمونیست ایران در آن سالها نه فقط تماس بلکه رهبری عده زیادی کارگر ساختن‌انسی راه آهن سپس کارگران خط راه شوسه را بعهده داشت.

(۱) عبدالصمد کامبخش، مجموعه مقالات "نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران ص. ۱۴۸ - (۲) مجله رولوسیونی و ستوک" (اخوار انقلابی)، شماره ۱ و ۲ سال ۱۹۳۲، در مقاله رنجبر درباره نهضت کارگری در ایران.

آب وهوای مازندران بخصوص کنار دریای خزر بینهایت مرطوب و ما -
 لاریاخیزی بود . عده زیادی کارگران آذربایجانفی در این ناحیه کار میکردند که
 اکثر مردمان سالم وقوی بنیه بودند . (اصولا آب وهوای آذربایجان سالم و
 مردم هم سالم اند) این عده در مازندران زیاد بیماری عده ای زیادی در این
 آب وهوا تلف شدند . باز عده ای هنگام ساختن تونل های راه آهن در
 این ناحیه تلف شدند ، بخصوص هنگام ساختن تونل عباس آباد . باعث
 تلف شدن این عده ای کثیر دولت ومهندسين آلمانی بودند که ساختن این
 ناحیه را بعهده داشتند . در نزدیکی بندرگز قبرستان بزرگی در اثر تلفات زیاد
 کارگران بوجود آمد . این قبرستان در کنار راه آهن وشوشه بود . چون ایسن
 قبرستان در میان مردم ساده شهرت پدید میسر مهندسين آلمانی پیدا نمود .
 مهندسين آلمانی مجبور شدند قبرستان تازه ای در جای دیگر ایجاد کنند تا
 جلوی هیجان مردم مهابگیرند . در آن ایام متخصصین خیلی از کارخانه های
 شاهي ، بهشهر ، جالوس واز آنجمله کارگران ومتخصصین بودند که در شوری کار
 وتحصیل نموده بوطن برگشته بودند . این گروه که عده شان خیلی زیاد بود
 خدمات برجسته ای به صنایع ایران نمودند . (در تبریز ، تهران ، مازندران ،
 خراسان) ۱۷ نفر ماشینيست وکفک ماشينيست همگی آذربایجانفی ودگذشته در
 شوری تخصص خود را بدست آورده بوطن برگشته بودند . "جرم" این عده
 عضویت در حزب کمونیست ایران وفعالیت در امور نهضت کارگری بود .
 در این ایام داداش تقی زاده از اهالی مراغه رهبر سازمان حزب
 کمونیست ایران در مازندران بود که سالها در زندان مرکزی توقیف سپس پس
 بیچاره تبعید شد ودرسال ۱۹۴۶ بمناسبت شرکت فعال در نهضت دموکراتیک
 مردم آذربایجان قهرمانانه شهید شد وارتنجاصیاه اورا بد آراویخت .
 در کیبودار لغو قرارداد نفت وزمینیه برای بستن قرارداد اسارت آمیز
 انگلیسها علیه شوری تحریک میکردند تا ملت ایران را از شوری ترسانده وسه
 تسلیم وادارند . روزنامه "تایمز" لندن د دولت شوری رادولت توسعه طلب
 میخواند در صورتیکه این دولت انگلیس بود که ایران راتحت نفوذ خود درآورد
 ومبدل به نیمه مستعمره کرده بود . در روزنامه "تایمز" لندن آمده بود :
 "ایران از حملات نظامی اتحاد شوری میترسد" تا موقعی که روسیه
 مشغول استحکام داخلی خود باشد ، خاک ایران از حملات خارجی مصون است
 ولی در هر موقعی که روسیه بمقصد توسعه متصرفات خود بپیفتد این توسعه فوق

ممکن است بحساب شمال ایران تمام شود " در همین شماره " پیکار " علیه پروکاسیون انگلیس و دولت ایران قیام کرده مینویسد (۱) : " برای ملت ایران هیچ شك و شبهه نیست که حکومت شوروی یگانه حکومتی است که طرفدار واقعی صلح بود ، طبقه کارگر روسیه بیک وجب خاک ایران چشم ندارد " ضمناً روزنامه از خد مآت حزب لنین به مشروطه ایران رانعونه میآورد . دیگر اینکه حکومت شوروی اموال روسیه را که در ایران داشت به ملت ایران بخشید . عنوان این مقاله عبارت بوده : " امپریالیسم انگلیس ایران را برضد شوروی تحریک میکند " . مضحک است امپریالیسم انگلیس در همین روزها قرارداد نفت که جنبه حقوقی نداشت با زور و حیل خود قرارداد خائنانه را بست و حتی مدت آنرا به مراتب طولانی تر کرد . این عمل در واقع خیانت اندر خیانت بود . چرا که خود قرار داد مظفرالدین شاه جنبه حقوقی نداشت . رضاشاه مدتی این قرارداد پو - شالی را رسمی نموده و مدت آنرا به مراتب زیاد تر کرد . روزنامه در آخر مقاله مینویسد " در سال ۱۹۳۳ تجدید امتیاز نفت و تصویب آن بزرگترین خیانت در تاریخ ایران است " . (۲)

www.iran-archive.com

بحران اقتصادی سرمایه‌داری در جهان و اثرات آن در ایران

بحران سرمایه‌داری ایران را بوضع ناهنجاری رساند. رژیم برای دوام خود دولت دست‌به‌برخی اقداماتی زد. از آنجمله "قانون انحصار تجارت خارجی" را وضع کرد. تا بتواند جلوی تاثیر بحران را در ایران بگیرد. روزنامه اطلاعات در آن ایام نوشت که تمام مواد قانون انحصار تجارت خارجی از آنجمله ممنوعیت ورود اجناسی که نباید بایران وارد شود، اجراء خواهد شد زیرا این کار از نظر حمایت صنایع داخلی لازم است (۱)

از نوشته‌های جراید ایران معلوم میشود که دولت شوروی اولین دولتی بوده که قانون انحصار تجارت خارجی ایران را قبول نموده و قرار داد تجارتهای ایران و شوروی طبق همین قانون اجراء میدهد. در صورتیکه کشورهای سرمایه‌داری غریبی با این قانون مخالفت میکردند و این قانون را قبول نداشتند. مثلا در روزنامه "ستاره" نوشته شده که دولت خارجی (غریبی) به قانون انحصار تجارت خارجی ایران اعتراض نموده اند. (۲) در همین شماره "ستاره" از دولت شوروی اظهار تشکر شده زیرا دولت شوروی اولین دولتی است که قانون انحصار تجارت خارجی ایران را قبول کرد و طبق آن با ایران قرارداد تجارتهای بسته است. روزنامه "ستاره" (پوش ۱۲۹ اکتبر ۱۹۳۱) از شوروی اظهار خرسندی و تشکر کرد که با تأیید قانون انحصار تجارت خارجی ایران موافقت نمود و این شناسایی دوستی و همجواری دو کشور را تحکیم خواهد کرد. اما جراید کشورهای سرمایه‌داری غرب برعکس مخالفت نمودند. مثلا روزنامه "هاندلس تسایونیک" در شماره ۱۸ مارس ۱۹۳۱ نوشت که امیدوار است که کشورهای سرمایه‌داری با جیبه واحدی علیه این قانون ایران مقابله کنند.

ترد یلنتکون در مجلس لردها علیه قانون انحصار تجارت خارجی ایران گفت که این قانون به منافع تجارتهای انگلیس زیانهای خواهد رساند (۳)

- (۱) مجله "بولتن شرق وسطی" شماره های ۱۲-۱۴ سال ۱۹۳۱
- (۲) روزنامه "ستاره" ۲ نوامبر ۱۹۳۷. ترجمه در مجله "بولتن جراید شرق وسطی"
- (۳) "بولتن جراید شرق" شماره های ۱۲-۱۴ سال ۱۹۳۱

درست است که دولت ایران قانون انحصار تجارت را برای تحکیم رژیم وضع کرد و ظاهراً برای حفظ صنایع ایران بوده ولی عملاً این قانون صادرات زیادی بزرگمکشان رساند. تمام سنگینی این بار بگردن آنها بود. روزنامه "پیکار" مقاله ای تحت عنوان: "انحصار تجارت صدمه آن بزرگمکشان ایران است" (۱) روزنامه اشاره به آمار مجله اطلاق تجارت نموده می نویسد:

"طبق قیمت اجناس وارداتی از تاریخ بهمن ماه ۱۳۱۰ نسبت به بهمن ۱۳۰۹ قند کلوخه ۲۵٪، قند ریزه ۳۸٪ منسوجات انگلیسی ۳۰٪ ترقی کرده اما در مقابل تنزل فاحش اجناس ایران از قرا رزیراست. در سال ۱۳۱۱ نسبت به سال ۱۳۱۰ ابریشم یک من ۴۴۰ ریال تا ۳۰۰ ریال و ابریشم باب کاشان از یک من ۴۰ به ۲۸۰ ریال تنزل کرد. همچنین برنج چهارمهر - واری از ۱۲ به ۱۵ ریال، برنج مولانی از ۱۳۰ ریال به ۱۰۰ ریال رسید. در اثر گرانی، گرگسنگی دردهات توسعه میآید. دهقانان از فرط گرگسنگی بسه مالکین حمله میکنند و دولت آنها را بنام قطع الطریق اعدام میکند. هر روز این نوع اطلاعات را در جراید میشود خواند. مثلاً در روزنامه "ایران" شماره ۲۹۱۱ همبره "۱۹ نفردهاتی را از توروا انفراز ساری اطراف آمل دستگیر و به آمل برده اند" (۲)

معمولاً در این دوران دهقانان گرسنه و ناراضی زندگی و اکثر آنها را بعنوان "غارت گر" قطع الطریق اعدام میکردند. چه در جراید دولتی و چه در جراید حزب کمونیست این نوع اخبار فراوان چاپ شده است.

مجله "ستاره سرخ" نوشت: در اطراف بندرگز، در کرد محله "مخصوصاً طوایف ترکمن غارت و دهقانان قادر به کشت نیستند. اغلب بسرحد شوروی رفته مهاجرت میکنند. شهر استراباد - شهر مرده هاشده، دهقانان گرسنه بسه شهر آمده گدائی میکنند. فرمانده این ناحیه گندم وجود دهاتیها را غارت می میکند. در خراسان بنا به تقاضای انگلیسیها کشت تریاک قلع شد. (تا از مستعمره دیگر بایران تریاک وارد و گران بفروشد) از دهاتیها مالیات کشت تریاک را دریافت میکنند در صورتیکه کشت تریاک وجود ندارد. این دهاتیها - راضی اطراف زلفویا جمع شده مبارزه پارتیزانی میکنند" (۳)

(۱) و (۲) روزنامه "پیکار" ۱۵ دسامبر ۱۹۳۲. آذرماه ۱۳۱۱

(۳) مجله "ستاره سرخ" شماره های ۱۰ و ۱۱ سال ۱۹۳۱

درست است که قانون "انحصار تجارت خارجی" مثل اینکه برای مبارزه علیه بحران بوده، برای جلوگیری از نفوذ سرمایه داری را بران وضع شده ولی اجرای این قانون در دست چه طبقه و چه رژیم بوده؟ روزنامه "پیکار" بد رستی گفته است:

"رضاشاه مجلس هشتم را مجلس اقتصاد می نامید. همین مجلس مالیات سنگینی بر دخانیات وضع کرد. طبیعی است که تمام این مالیاتهای سنگین بر گردن توده زحمتکش بوده. از طرفی هم خود قانون انحصار تجارت خارجی وسیله ای بوده برای غارت مردم. بوسیله این قانون، واحکما رجوا زوا سمسار خارجی، مثل قطاع الطرق ها مردم فقیر بد بخت را غارت کردند. (پیکار ۳۰ دسامبر ۱۹۳۲)

د روزنامه "پیکار" تحت عنوان "غوغای ضد شوروی تجارت - علل واقعی آن" مقاله ای درج شده طبق این نوشته تجار بزرگ مانع آن میشدند که موسسات شوروی با مردم - یا تجارت کوچک و خود تولید کنندگان برنج و سایر محصولات معامله کنند. وقتی سرمایه دارهای بزرگ امور را بدست خود گرفتند پس از انحصار تجارت تجارت کوچک ورشکسته شدند. بنا براین در میان مردم ناراضی تولید شد. بخصوص تجارت کوچک. تولید کنندگان برنج، پرتقال و سایر اجناس خرده مالکین دیگر قادر به معامله با موسسات اقتصادی شوروی نبودند. در روزنامه آمده که علت غوغای ضد شوروی دو چیز بود: - معامله مستقیم موسسات شوروی با تجار خرده پا و خرده مالکین کمک بزرگی به مردم بود. اما وقتی کاربرد ست تجار بزرگ افتاد بقول "پیکار" بزرگتری خود از مردم افزودند و بیش از پیش خون مردم را به شیشه کردند. تجار بزرگ بوسیله این غوغا میخواستند مردم ناراضی بفرمانند که گناه این وضعی که پیش آمده بگردن کشور شوروی است تا "بدین وسیله تجارت با شوروی را محدود کنند". در این گیرودار نقش امپریالیسم انگلیس هم موثر بوده (پیکار ۳۰ دسامبر ۱۹۳۲).

"پیکار" در مقاله ای تحت عنوان "مردم شور هم گریه میکنند!" با استناد برخی نوشته های اطلاعات که "وضعیت رقت آفر قالی بافان" را مطرح ساخت و نوشت که اداره کل صنعت بایستی این لانه هارا (یعنی کارخانه های قالی - باقی) خراب نموده جان یک عده صد هزار نفر نفوس این مملکت را حفظ نماید و بجای آنها بایستی محلهای قابل سکونت و آفتاب گیر و خشک ساخت. حقوق بافندگان قالی را مطابق احتیاجات تعیین سپس ساعات کار و امتراحت آنها را تعیین کرد. کارفرما از صبح تا تاریکی شب کار میکنند جلوی این سترا بایستی

گرفت، تحویل روزجمعه هم لازم است. قالی نباید با جان افراد و نفوذ مملکت بازی کند آنها علیل، بیمار و گرسنه اند. در خاتمه روزنامه "پیکار" پس از توضیح وضع کارگران قالی باف چنین نتیجه میگیرد: "آنها نیکه طرفدار و دوستان واقعی کارگران اند. و مطالعه حقوق حقه آنها را میکنند همان توده و تشکیلات و فرقه انقلابی توده کارگرانند." ("پیکار" سی دسامبر ۱۹۳۲)

و نیز در روزنامه "نهضت" به نقل از روزنامه "ستاره جهان" شماره ۱۶، زمستان ۱۹۳۲ آمده است: زندگی در خوزستان رقت بار است نرسنگی حکمفرماست. مردم ریخته اند و گسداشی میکنند. در برخی نواحی عده ای بیخانمان را سر-ما خشک کرده و هیچ گونه خیریه ای برای کمک مردم وجود ندارد. خیلی از کارخانه از آنجمله کارخانه نخ رسی علی آباد (شاهی) کارخانه کوچک دیگری بسته شده. روزنامه "پیکار" در توصیف وضع اقتصاد بحرانی آمیز ایران مطالبی از جراید ایران نقل میکند و مینویسد: "ایران در آتش بحران اقتصادی و مالی میسوزد." هر روز بنظر کارگران و فلاس و ورشکست شدت بحران متجدد راصفهان و شیراز و غیره میرسد. مقدار زیادی کارخانه های قالی بافی خراسان، کاشان، کرمان و غیره بسته شده. تنها ۱۵ هزار قالی باف، ۵۰ هزار ابریشم کاریکار شده اند.

در معادن نفت جنوب بهمانسبت وارد کردن ماشینهای جدید قریب ۱۰ هزار نفر بیکار شده اند. روی هم رفته آئروزینجاه هزار نفر کارگران بیکار در ایران وجود داشتند. بیکاران به بحرین، عراق، کویت و هند وستان میروند. روزنامه "شفق" نوشته بود به آنها نیکه از گرسنگی به عراق رفته بودند توهین و قحاشی میکنند. "پیکار" مینویسد: دولت ایران میتواندست با بهبود مناسبات تجارته با شوروی وضع مردم را بهبود دهد. در شوروی يك نفر هم بیکار وجود ندارد و نسفته با موفقیت پیشرفت میکند. اگر دولت رضا شاه ولتی بود ملی پیشکبا توسعه تجارت با شوروی جلوی بحران اقتصاد را میتوانست بگیرد. ولی این دولت با ساز اهریالیستها میرقصد. ("پیکار" شماره ۲ سال ۱۹۳۱)

مقاله ای از سلطان زاده درباره "انحصار تجارت خارجی" چاپ شده و خواه نخواست از وضع اقتصاد ایران نیز طلی آن مطالبی آمده است. او درباره راه نجات ریشه ای برای بهبود وضع مملکت مسائلی نظری مطرح میکند. با این که سلطان زاده عنوان مقاله اش درباره "انحصار تجارت خارجی" است (۱) اما در واقع او يك موضوع عثوریك درباره راه رشد ایران را از نظر حزب کمونیست ایران

مطرح میکند در مقاله آمده که دولت زیاد درباره قانون انحصار تجارت ظلم میکند که گویا میخواهد با این قانون صنایع ملی را تقویت و تجارت خارجی را منظم کند و تیره ۷۰۰ در صورتیکه بنظر سلطان زاده برای رشد صنایع مانع رابایستی از سر راه برداشت یعنی بساط فتود الیسم بایستی برچیده شود ۱۰ اضافه میکند که ۷۵٪ محصول ده رابایستی دهقان باریاب بدهد ۰ زارع خود قادر نیست حده بوضع ده بهسود بخشد او هیچ گونه امکاناتی ندارد تکنیک نود رده وجود ندارد ۰ محصول در ده ناچیز است ۰ برای این کار رابایستی مالک در ده سرمایه دار شود یا خیر لازم است انقلاب در کشاورزی رخ دهد ۰ راه اولی موسوم "راه پروسی" است ۰ در صورتیکه در شرایط فعلی راه پروسی یعنی اصلاح ارضی بدست مالکین مشکل است عملی شود ۰ علت هم آنست که امروز با وجود انقلاب سوسیالیستی بایودن رشد و توسعه نهضت آزادی بخش ملی مالکین خود دست به اصلاحات نمی زنند ۰ سپس سلطان زاده از ثروت ملی صحبت کرده میگوید ایران بدون معادن نفت دارای کارخانه جاتی است که ارزش آنها از دو میلیون ونیم دلار تجاوز نمیکنند ۰

سلطان زاده با این آمار میخواهد برساند که صنایع ایران ضعیف است و نتیجه بگیرد که راه شیوه انقلاب فرانسه در ایران عملی نیست چون ایران سرمایه کافی ندارد بعلاوه سرمایه دار ۰ تا جرد زمین دار هم هست ۰ در اینکه در ایران امروز شیوه رادیکال انقلاب بورژوازی مانند فرانسه عملی نبود هم کمونیستهای ایران این عقیده را داشتند و هم ۰ از همه مهمتر خود زندگی این مطلب را بشیوه رساند ۰ بعلاوه ما مبینیم که در آن دوره بعد از آنها هم بورژوازی ملی هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ ایدئولوژی و سازمانی ضعیف بوده است ۰ تجار ۰ سرمایه داران ۰ امروز وابسته زمین بوده اند و امروز نیز وابسته به امپریالیسم هستند و از انقلاب هراس داشته اند و دارند ۰ سلطان زاده نتیجه میگیرد ۰ پس این انقلاب را کارگرود ها قین و روشن فکران میتوانند انجام دهند ۰ و عقیده دارد که شعار دیکتاتوری دموکراسی کارگرود ۰ هقمان بیشتر نفوذ و طرفدار خواهد داشت تا انقلاب بورژوازی بشکل کلاسیک ۰ او میگفت ۰ ۰ سرمایه خارجی در ایران زیاد نقش بازی میکند ۰ مثلا انگلیس ۳۵ میلیون لیره در نفت جنوب بکار انداخته ۰ از سال ۱۹۱۸ تا سال ۱۹۲۵ انگلیس ها از نفت ۵۳ میلیون لیره منفعت خالص برده اند بعلاوه کمپانی ده میلیون لیره ذخیره داشت ۰ بانک انگلیس در ایران طی ۴ سال ۳ میلیون لیره منفعت

خالص بانگلستان صادر کرد . در سال ۱۹۲۹ مبلغ ۷/۸ ملیون لیره یعنی ۱۶/۱٪ تمام بالانس بانک و ۴ برابر بیشتر از سرمایه اولی بانک داشته ، یعنی پولهای ایران در دست انگلیس متمرکز بوده . بنظر سلطان زاده يك راه برای ایران موجود است . : " انقلاب توده ملت و زحمتکش بر ضد ثنود الیسم و امپریا - لیسم یعنی بحبارت دیگرراه دیکتاتوری دموکراسی کارگران و زارعین و راه غیر سرمایه داری تکامل ایران است . "

مقاله سلطان زاده جنبه نظری دارد . نویسنده کوشیده است در این مقاله تئوری انقلاب بورژوا دموکراتیک ایران را بیان کند . کمونیستها بطور موضوع انقلاب ایرانرا بهمین ترتیب درک میکردند . اینکه سلطان زاده نظر میدهد که ایران آبستن انقلاب رادیکال بورژوازی مانند فرانسه نبوده است کاملا صحیح است دلایلی را هم که میآورد کاملا بجاست و آنکهپی دردوران بعد خود زندگی صحت این اندیشه را نشان داده است . سلطان زاده در مقاله میخواهد ایده رهبری انقلاب با طبقه کارگر را ثابت کند . بطور کلی خود ایده درست است . اما اولین رهبری را بدین شکل توضیح میدهد که آن " دیکتاتوری طبقه کارگرود هقان " خواهد بود . کنگره دوم حزب و سپس پارها در حزب موضوع این رهبری طبقه کارگر را بشکل دیگر نیز فرموله شده و گفته شده است که انقلاب ایران يك انقلاب بورژوا دموکراتیک و ملی است و تا بحال همین ایده واقعیت دارد . در این انقلاب هم رهبری میتواند با طبقه کارگر باشد و پایه این انقلاب برجانبه واحد دموکراسی ملی مبتنی است که در آن طبقه کارگر ، دهقانان ، بورژوازی ملی ، عناصر خروده بورژوازی ، روشن فکران کسبه نیز اشتراک دارند ولی رهبری ، چنانچه گفتیم ، با طبقه کارگر است .

سلطان زاده در آثار و عقیده داشت که در راه برای ایران امکان دارد یکی راه اصلی انقلاب که برهبری دیکتاتوری کارگرود هقان است و راه دوم که راه رشد پروسی است . او میگوید " مشکل است در شرایط فعلی راه رشد پروسی عملی شود . زندگی نشان داد که اولین رفورم ارضی را در ایران شاه ایران یعنی نماینده مالکین بزرگ بورژوازی کبراد و رعالی کرد . علت هم چند چیز بود . در اثر رشد نهضت انقلابی برهبری طبقه کارگر و حزب او حزب توده ایران نهضت دهقانان زیاد قوی بوده . طبقه مالک و کبراد ویران با امپریالیسم امریکا از انقلاب ارضی ترسیده و اصلاحات نیم بند خود را انجام دادند . طبیعی است که آنها نمیتوانستند و نمیخواستند اصلاحات بنیادی انجام بدهند . "

بعلاوه ایران د رهسایگی کشور بزرگ سوسیالیستی واقع بود از اینرو خطرناک
انقلاب سوسیالیستی د رایران عظیم بود *
امریکا د ررفورم ارضی ایران دینفع بود زیرا اگر ررفورم ارضی د رایران نی
شد خطر انقلاب د هقانان امریالیسم امریکارانی زنا راحت میکرد * امریکا محتساج
به بسط بازار داخلی د رایران هم بود و این بازار موقعی بوجود میاید که ررفورم
ارضی د رایران عملی میشد *
آنچه پیش از همه د راین مقاله قابل توجه است شعار راه رشد انقلاب
غیر سرمایه داری مطرح است که کمونیستها این شعار را بوقوع خود مطرح کردند *
موسس این شعار لنین بزرگ بود که موافق نظر او این راه رشد د رمخولستان هم
عملی شده بود * بعد اد رزندگی این راه رشد غیر سرمایه داری د رده هسا
کشورهای جهان سوم عملا مطرح میشدند و زیادی هم کرده است *

قانون ضد کمونیسم یا قانون سیاه

متأسفانه نگارنده به متن قانون بفارسی دسترس نیافتم ولی متن ترجمه شده‌ی روسی آنرا در مجله "بولتن جراید شرق وسطی" شماره ۲۲ سال ۱۹۳۱ بدست آورده‌ام. مامحتوی مواد اصلی این قانون را اینجا بازگو می‌کنیم.

اولین بار طرح این قانون تحت عنوان قانون مجازات اخلا لکران نظم عمومی بمجلس پیشنهاد شد. محتوی قانون بدین شکل بوده: اشخاصی کسه فرقه یا جمعیتی در ایران ایجاد کنند یا باین امر کمک برسانند و هدف این فرقه مرام اشتراکی و قیام و اقدام علیه حکومت مشروطه و تقسیم قهری وضع سیاسی و اقتصادی کشور باشد، از ۳ تا ۱۰ سال به حبس مجرد محکوم میشوند. این مطلب نقل بمعناست و البته عین عبارات قانون نیست.

"قانون" در ماه تیر ۱۳۱۰ (زوشیه ۱۹۳۱) در مجلس فرمایشی "تصویب" شد. هدف اصلی این قانون مبارزه علیه هرگونه سازمان حزبی (کمونیستی) و تبلیغات کمونیستی بود. این قانون مواد مختلفی دارد که در درجه دوم قرار میگیرد. از آنجمله اگر کسی در خارج از ایران چنین سازمانی تشکیل دهد محکوم به حبس مجرد خواهد شد. اما در این قانون دنگه است که لازم است در باره آنها توضیح داده شود. این قانون ماده ای دارد که اگر کسی قبل از گرفتاری و لو رفتن سازمان وجود چنین سازمانی را اطلاع بد هد از محکومیت معاف است. اگر چنانچه در خود زندان اسرار این سازمان را فاش کند باز از محکومیت آزاد است. یک کلام رژیم رضاشاه که خود نوکرد ستگاه جاسوسهای اجنبی بودند، اعضای حزب را باین مواد میخواستند جاسوس و خبرچین بار بیاورند که هیچوقت موفق نشدند. جادانند اینجایک ننگه دیگران نیز قید کنیم اکثر عده‌ای افراد حزب کمونیست در آن دوران که گرفتار شدند، سازمان شان قبل از تصویب قانون وجود داشته است و چون قانون عطف به ماسبق نصی شود لذا انیشتد آنها را باین قانون محکوم کرد. رضاشاه این عده‌ی کثیر را سال‌های متعادی بلا تکلیف نگاه داشت و در مواردی هم عده ای را برخلاف قانون

محکوم کرد. محتوی و هدف چنین قانون برای خیلی ها روشن بود. ما می خواهم علت پیدایش چنین قانونی را در اینجا قید کنیم.

اولا تصویب این قانون بطور صریح علیه قانون اساسی کشور بوده که مردم خوشنهای زیادی برایش ریخته بودند. بقول یکی از چرایید در دوران رضا شاه عملا از قانون اساسی چیزی باقی نمانده بود مگر اینکه یکتوئیم پایتخت ایران کفاکان تهران باقی مانده بود. در زمان پسرش این وضع بدتر شده است. قانون اساسی مردم کشور حق اجتماعات، حزب، آزادی قلم و نطق، تجمع و تظاهر میدهند.

رضاشاه تمام حقوق مردم را یکی پس از دیگری زیر پا گذاشت. علت اصلی تصویب این قانون پیدایش و رشد نهضت کمونیستی بود که از دوران انقلاب گیلان تقویت یافته بود. پس از کنگره دوم حزب کمونیست روز بروز نهضت انقلابی و کمونیستی در حال رشد بود. از آن جمله نمایش بزرگ اول ماه مه ۱۹۲۸ در تهران، اعتصاب بزرگ کارگران نفت در سال ۱۹۲۹، اعتصاب کارگران کارخانه کازرونی در اصفهان (۱۹۳۱)، جنبش کارگری کمونیستی در خراسان بخصوص انتخابات کمونیستها در سال ۱۹۳۰ در مشهد، اعتصاب کارگران راه آهن شمال در سال ۱۹۳۰ و یک سلسله نهضت های دیگر. (مانند پارتیزانهای گیلان و خراسان قبل از کنگره، نهضت سرهنگ لهابک خان - پاوند که به "پاداشی ها" شهرت داشتند و کنگره دوم حزب).

علت دوم پیدایش و پیش بیسابقه ادبیات و چرایید کمونیستی در اروپای غربی، نهضت دانشجویان ایرانی در غرب بود. تمام این نهضت ها رژیم ارتجاعی رضاشاه و اربابانش یعنی امپریالیسم انگلیس را متوحش نموده بود. امپریالیست های انگلیس مخالف جدی رشد جنبش کمونیستی در ایران بودند. آنها وحشت داشتند که این جنبش به عراق، هندوستان و سایر مستعمرات سرایت کند. دغدغه برای منافع نفتی امپریالیسم انگلستان در جنوب ایران (خوبن زمین) به ویژه پس از مبارزه کارگران نفت ایران نقش مهمی در مقابله خشن آنها با کمونیستها داشت.

مطلب مهم دیگر آن بود که امپریالیست ها علیه شوروی آماده جنگ میشدند و برای آنها لازم بود که نهضت کمونیستی ایران را خفه نمایند تا در صورت بروز جنگ در ایران کسی سر بلند نکند. دلیل دومی از اولی کمتر بود. این بود علل اصلی شدت یافتن مبارزه ضد کمونیستی در ایران. بایستی گفت

گفت که پس از تاروما را کردن حزب کمونیست ارتجاع توانست سالهای د رازی جلوی رشد کمونیسم را در ایران بگیرد .

باین مناسبت بد نیست بحثی که بین حزب کمونیست ایران و وکلای مجلس رخ داده بطور خلاصه در اینجا بیاوریم :

روزنامه "پیکار" مقاله ای تحت عنوان "پاسخ مابه آقای فیهی و طبقه" حاکیه ایران " (۱) نوشت. "پیکار" فیهی را خزانة دارد ولت وثوق الدوله نامید . فیهی در ۲۸ اسفند در مجلس علیه کمونیسم در ایران نطقی کرده و از آنجمله گفته بود : "در ایران کمونیسم وجود خارجی ندارد" این نطق هنگامی می ایراد شد که دولت از هر حیث زمینه را برای وضع قانونی علیه حزب کمونیست ایران تدارک میدید یعنی درست در آستانه تصویب قانون سیاه یا ضد کمونیسم بوده است. "پیکار" مینویسد : "شما منکر کمونیسم و وجود حزب انقلابی در ایران هستید . شما میگوئید که روزنامه و مجله انقلابی که پخش میشود یا زبان فارسی بیسواد می تنظیم میشود . شما میگوئید : "مقاله تیراکه در جراید منتشر میشود در برلن و وین ساخته و پرداخته شده و گویا این مقالات از ایران نیست" سپس "پیکار" ادامه میدهد : "نامه هاییکه برای ما از ایران میرسند سانسور شما حتی يك صدم را نمیکند ارد که بدست ما برسد" . اما در باره سواد و بیسواد بودن توده ها : "شما مردم را بیسواد نگاه میدارید تا آنها رژیم شما را سرنگون نکنند" . بودجه شمایی یعنی ۲۲۱،۹ میلیون ریال است که بیش از نصف آن یعنی ۱۷۰،۷ میلیون ریال برای ارتش خرج میکنید ۱۰۰ ما برای فرهنگ ۱۷،۱ میلیون ریال خرج میکنید که ۵٪ بودجه است . این دولت است که میخواهد مردم بیسواد بمانند . برای اینکه شما مردم را از گون کنند ، فقط سواد کافی نیست بلکه لازمه این کار آگاهی طبقاتی است . آگاهی طبقاتی توده ها شمشیر برائی است علیه شما . قوانینی که شما وضع میکنید مظهر نمونه فقر فکری شما را میرساند . کوچکترین کمونیست ماکه شما منکر وجود آنها هستید اگر وکیل مجلس بشود بهتر از شما از عهده وکالت برخوردار آمد . شما میگوئید که در ایران کمونیسم نیست ولی آن عده ، کنیری که زندانهای شما از آن پر شده آیا کمونیست نیستند . شما پول برای باسواد کردن مردم خرج نمیکند ولی سید نفر به فرانسه فرستاده اید تا مدارس نظامی و پلیسی را طی کنند . شما میل دارید جلوی کمونیسم را در ایران بگیرید اما خود شما ها اولین بار در باره کمونیسم ایران بحث کردید . (این مقاله "بولتن جراید شرق وسطی" روسی ترجمه شده شماره ۲۱ سال ۱۹۳۱)

(۱) روزنامه "پیکار" شماره ۴ سال اول آوریل ۱۹۳۱

فهیی گفته بوده : "آنچه در پیکار" و "ستاره سرخ" نوشته شده نمیتوانسد نوشته ایرانی باشد ، "پیکار" میگوید "شما مارادوستان خارجی معرفی میکنید شما مارایه بیگانه پرستی متهم مینمائید ، ما چه فایده ای از این بیگانه پرستی بکنم میآوریم ؟ در صورتیکه نتیجه فعالیت کمونیستی ما احساس است و زجر و داغ کردن با آهن گذاخته " . " گناه ما در آنست که ما پرچم زحمتکشان را علیه سرمایه داران و فلاکین برافراشته ایم ، شما هر روز ، هر ساعت خون آنها را می - مکید ، توده های زحمتکش شما ها که نوکران خارجی هستید با نفرت مینگرند . شما مارایگانه پرست مینامید . کاری که ما انجام میدیم بنفع زحمتکشان ایران است ، و این افتخار ما است . شما طبقه حاکمه تمام هستی خود را با کمک امپریال - لیسم انگلیس بدست میاورید . بنام خدا میخیمبر ، ملت را غارت میکنید . در صورتیکه خود را به خاک پای جاسوسان انگلیسی مبدل کرده اید . شما تکیه به سرنیزه داد ، اید خود را بخارجی ها میفروشید و انقلابیون را درسیا ، چالها انداخته اید . آقای داور این سیاه چالها را مهملخانه های کشور شاهنشاهی نام داده است . ما بنام ملت تقاضای محاکمه شما را داریم . تا در محاکمه ثابت شود نوکر خارجی چه کسانی هستند ! این آخرین محاکمه شما در زند کیتان خواهد بود . اما این بار قاضی در محکمه ملت خواهد بود و از شما انتقام خواهند گرفت .

حزب کمونیست ایران مبارزه شدیدی علیه این قانون انجام داد بخصوص در غرب رژیم پوسیده ، رضاشاه را رسوا کرد .

گروه پنجاه و سه نفر

● چون درباره گروه ۵۳ نفر مطالب زیاد نوشته اند، از آنجمله رفقها کامبخش و کیا نوری و خود اینجانب هم در یادداشت‌های زندان، بنابراین در این زمینه خیلی مختصر مینویسم.

آخرین جریان سرکوب حزب کمونیست از اواخر ۱۹۳۰ شروع شد و تا ۱۹۳۲ ادامه داشت. جسسه گرفته اینجا و آنجا برخی رفقها گروهبانی به جنگ پلیس نیافتادند یا گرفتاده‌ها آنها را لو ندادند. (از آنجمله کامبخش و سیا هک و برخی افراد دیگر لو داده نشدند و کامران نیز فرار کرد به خارج). در اوایل سال ۱۹۳۳ یعنی هنگامیکه دوران آخر مگیر مگیرها رسید، کمینترین پیکی را ماهور جمع‌آوری نیروها کرد. این بیک رفیق کامران بود که تا چندی قبل مسئول سازمان حزبی اصفهان بود. گروه اولی برای احیای حزب چند تن بودند و سه نفر از آنها از طرف کمینترین بعنوان مرکز حزبی تعیین شدند و این رفق عبارت بودند از ارانی، کامبخش و سیا هک.

قبل از سازمان دهی ارانی بار رفق ایرج اسکندری و دیگران مجله "دنیا" را چاپ و منتشر میکردند. پس از اینکه مرکز حزب دایر شد مجله "دنیا" بطور مخفیانه از طرف حزب بهانه ارگان حزب شناخته شد.

این مجله بازبان ازوب یعنی در پرده و در لفظه مطالب فلسفی، سیاسی و علمی را مینوشت. کارکنان "اداره سیاسی" یعنی سازمان امنیت آن روزی سواد و اصلاحات از این مسایل در نمی‌آوردند و نگارنده می‌خاطر دارد در حیووت مگیر مگیر کمونیست‌ها رفتاری ضعیف نشان میدادند و مسایل را در راجعش می‌گفتند. در این هنگام خواه نخواه خیلی از مسایل برای پلیس آشکار میشدند. ضمناً این پلیس مکتب سیاسی و فلسفی را در زندانها گذازاند و مطالب و اصطلاحات تازه ای یاد میگرفتند از قبیل "کمینترین"، "دیاکتیک"، مبارزه طبقاتی و این نوع وازه های سیاسی، فلسفی و غیره.

نقش مجله "دنیا" در توسعه افکار مارکسیستی بسی ارزنده بود.

بهین جهت عده‌ی زیادی و درجه اول روشنفکران و دانشجویانی که جویای حقایق اجتماعی بودند و در مجله "دنیا" گرد آمدند. در میان عده‌ی ای نیز از کمونیست‌هایی بودند که سابقه حزبی داشتند و در فکر سازماندهی بودند. بعلاوه عده‌ی ای از کارگران راه آهن که تاحدی متخصص در امور راه آهن بودند باین گروه ملحق شدند. با آنکه مدت کمی از تارومار شدن حزب میگذشت، دو باره تجدید و احیای سازمان حزبی عملی شد. و این کار در اطراف مجله "دنیا" عملی گردید. این سازمان نه فقط به ترویج افکار مارکسیستی و سازماندهی پرداخت، بلکه اعتمادات چشم‌گیری از طرف دانشجویان نیز بر او افتاد که اهمیت سیاسی داشت.

در اوایل سال ۱۳۱۵ یکی از رابطنین این سازمان گیرافتاد و در نتیجه ضعف‌های اسراری به پلیس‌گفت. پس از آن عده‌ی زیادی گرفتار شدند که تعداد آنها به ۵۳ نفر رسید. البته بین این عده نفراتی بودند که بطور اتفاقی با این سازمان تماس گرفته بودند. ولی پلیس حتی چنین افرادی را اول نکرده بلکه برای همه آنها جرمی قائل شد.

پس از گرفتاری این عده مبارزه علیه ارتجاع در زندان مرکزی تشدید و ادامه پیدا کرد. پلیس درید و امر میخواست این عده را "بجرم جاسوس اجنبی" محاکمه نماید ولی مبارزه چه در خود ایران و چه در تبعیت کمونیستی مانع چنین جنایتی شد. شهادت، مردانگی، خدمت به هم‌زمان شعرا اصلی ارانی در زندان بود. برای اولین بار ارتجاع رضا شاه مجبور شد این عده را محاکمه نماید. خواه خواه خود این موضوع تبلیغات بزرگی بود. مردم از جزایید فهمیدند که در ایران حزب کمونیستی موجود و شدیداً علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم مبارزه میکند و یگانه حزبی است که در ایران برای استقلال و آزادی ایران در پیگراست. بیشتر آن خیلی از افراد کمونیست را در زندانها تلف میکردند و حتی اگر برخی هارا محاکمه میکردند، افکار راه اصلاحی از این حوادث اطلاع نداشت. ولی این بار دولت مجبور شد این عده را تاحدی عملی محاکمه و خواه خواه جریان محاکمه را در جزایید (البته مطابق دلخواه خود) بنویسد. ولی خود این محاکمه چه در ایران و چه در غرب انعکاس وسیعی یافت.

ارانی در اثرنداکاری برای عقیده خود، و بهبود وضع رفقای زندانسی اش شهرت و محبوبیت زیادی پیدا کرد. در زندان او را هدیه‌ها و رسول تنها و فرش و اثاث روی سیپان سرد میخواستند و او را از احتیاجات معمولی محروم و م

کردند • در آبانماه ۱۳۱۷ ارانی مبارانشر را محاکمه کردند البته اکثریت گروه ۵۲ نفر در مقام دفاع از عقیده خود برآمدند • بین اینها نطق ارانی تاریخی پس مردانه بود با نطق خود این ارانی بود که رژیم را محاکمه و محکوم میکرد • کسانی که دفاعیه ارانی را خوانده اند اهمیت آنرا نیک درک میکنند • او اوضاع ایران را از لحاظ مارکسیستی تجزیه و تحلیل نموده بیاری خلق سخن گفت و گفت: " فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده ها باشد • "

ارانی در زندان در بخشی که مبتلایان تیفوس در آن بودند نگاهداری میشد • سرانجام او نیز تیفوس گرفت • ارتجاع همیشه منتظر چنین فرصتی بود • چون کافی است که کسی بیمار شود و معالجه نکنند در این صورت مرگ حتمی است • ارانی با دست جلادان یعنی رضاشاه کشته شد ۴ بهمن ۱۳۱۸ این انقلابی برجسته و فدائوگارد زندان چشم فرو بست • ولی افکار او را نتوانستند محو کنند •

طولی نکشید نهضت کمونیستی در ایران شروع و اوج خود رسید • این دوره تاسیس حزب توده ایران بود • در این دوره افراد برجسته ای از گروه ۵۲ نفر در نهضت سرشناس و مقام رهبری رسیدند • به تراز سه نفری که در بالا قید شد رفقای مانند ایرج اسکندری ۴ احسان طبری در این ردیف بودند و بدینسان سازمان کمونیستی موسوم به "گروه ۵۲ نفر" مقام خاصی را در نهضت کمونیستی بدست آورده حزب توده ایران که از تمام گروه های گوناگون کمونیست ها بوجود آمد بزرگترین نهضت کمونیستی را در ایران بوجود آورد •

با اینکه نهضت عظیم حزب توده ایران موقتا شکست خورد ولی طبق قوانین رشد اجتماعی این بار نهضت کمونیستی بیشک با عظمت تراز سابق خواهد بود • چون دنیا بطرف پیروزی سوسیالیسم جهانی گامهای بزرگی برمی دارد •

www.iran-archive.com

از انتشارات حزب توده ایران